

# فهرست مطالب

## بخش نخست

۱	فصل نخست: املا و لغت + تاریخ ادبیات
۳۹	فصل دوم: دستور زبان فارسی
۶۷	فصل سوم: آرایه‌های ادبی
۹۳	فصل چهارم: تناسب مفهومی
۱۵۳	فصل پنجم: آزمون‌های جامع

## بخش دوم

۱۷۵	پاسخ‌نامه‌های تشریحی
۱۷۶	پاسخ‌نامه املا و لغت + تاریخ ادبیات
۱۸۹	پاسخ‌نامه دستور زبان فارسی
۲۱۰	پاسخ‌نامه آرایه‌های ادبی
۲۲۷	پاسخ‌نامه تناسب مفهومی
۲۴۸	پاسخ‌نامه آزمون‌های جامع

## پیوست

۲۵۸	سؤالات کنکور سراسری سال ۱۳۹۹ (داخل و خارج از کشور)
۲۸۲	پاسخ‌نامه سؤالات کنکور سراسری سال ۱۳۹۹
۳۰۴	سؤالات کنکور سراسری سال ۱۴۰۰ (داخل و خارج از کشور)
۳۳۰	پاسخ‌نامه سؤالات کنکور سراسری سال ۱۴۰۰



## سؤالات کنکور سراسری سال ۱۳۹۹

### رشته ریاضی

۱. کدام گزینه می‌تواند معنای مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟  
 «بدسگال، عنود، تیمار، دَلاک، دوده، خیره، بردمیدن»  
 (۱) بداندیش، اندیشه، برگردانیدن، متحیر (۲) دشمن و بدخواه، خدمت، خاندان، خروشییدن  
 (۳) بدبختی، غمخواری، طایفه، برگردانیدن (۴) بدخواه، مهیب، کیسه‌کش حمام، سرگشته
۲. در کدام گزینه تعداد واژه‌هایی که «غلط» معنی شده، کم‌تر است؟  
 (۱) (بَر: خشک)، (بارِه: حصار)، (ویله: رها)، (نژند: اندوهگین)  
 (۲) (ایدون: این‌چنان)، (اشباه: همانند)، (وظیفه: معاش)، (وبال: بار گناه)  
 (۳) (پایمردی: استقامت)، (انگاره: طرح)، (ادبار: نگون‌بخت)، (موالات: دوستی)  
 (۴) (بیغوله: کنج)، (پدرام: آراستن)، (التهاب: زبانه و شعله آتش)، (آستانه: آغاز)
۳. با توجه به واژه‌های زیر، در کدام موارد معنی بعضی واژه‌ها نادرست است؟  
 الف) (وجه: وجود) (پویدن: تلاش) (محب: یار)  
 ب) (متقاعد: هم‌عقیده) (تاک: رز) (تقصیر: کوتاه)  
 ج) (انبان: خیک) (حریف: مبارز) (درهم: مسکوک طلا)  
 د) (سامان: امکان) (سرپر زدن: توقف کوتاه) (مَنّت: نیکویی)  
 (۱) الف، ج (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د
۴. در متن زیر، چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «غافل‌ی ضعیف که بر خواری کشیدن خود دارد و به هیچ تأویل منظور و محترم و متاع و مگرم نگردد که در معرض حسد و عداوت افتد، بیاید دانست که عاقل همیشه محروم است و محسود و من از این طبقه نیستم و نه آزی قالب است که خیانت کنم.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۵. در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟  
 «با آن‌که به چنین واقعه‌های و مصیبت عام از وطن به قربت افتاده است و از مسرت به ملالت و از کثرت به قلت و از جمعیت به نفرت، نگوییم از عزت به مذلت که عزت فقر هرگز روی زلت نبیند. امید به عنایت بی‌علت و عاطفت حضرت جلت، این کتاب در حضرت سلطنت منظور باشد نه مهجور.»  
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
۶. در کدام بیت غلط املائی یافت می‌شود؟  
 (۱) چون درآمد علتی اندر قضا / تیغ را دیدم نهان کردن سزا  
 (۲) صلتنش بزم خوان هشت بهشت / صولت رزم هفت‌خوان ملوک  
 (۳) شب همه شب انتظار صبح‌رویی می‌رود / کان صباحت نیست این صبح جهان‌افروز را  
 (۴) نادان که از قضای خدا می‌کند حذر / غافل که رو به تیر قضا جلوه می‌کند



۷. ایبات زیر، به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟  
الف) تاز بر خاکی ای درخت تنومند / مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند  
ب) زور داری چون نداری علم کار / لاف آن نتوان به آسانی زدن  
(۱) ابن حسام خوسفی، سنایی  
(۲) عطار نیشابوری، خواجهی کرمانی  
(۳) ادیب الممالک فراهانی، مجد خوافی  
(۴) ابن حسام خوسفی، جلال الدین محمد مولوی
۸. تعداد تشبیهات کدام بیت بیش تر است؟  
(۱) واله و شیدا است دائم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست  
(۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت / وگر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا  
(۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظر هاست / چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه سا را  
(۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا / که باشد عقد گوهر خوشه ای از خرمن دریا  
در کدام بیت همه آرایه های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟  
(۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است / سودای کج میز، که نباشد مجال تو  
(۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه ای؟ / کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو  
(۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟ / کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو  
(۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست / همچو لاله، جگرم بی می و خم خانه بسوخت
۹. آرایه های مقابل ایبات در همه گزینه ها تماماً درست است؛ به جز:  
(۱) نازنین تر می شوی هر روز از روز دگر / ناز چندانی که می ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج آرایی)  
(۲) باغبان همچون نسیمم ز در خویش مران / کاب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه)  
(۳) در غبار خاطر مجنون حصارى گشته است / دیده آهو ز شرم نرگس شهلاى تو (استعاره، تشبیه)  
(۴) پرده های دیده اش پیراهن یوسف شود / هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب)
۱۰. آرایه های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ایبات آمده است؟  
الف) چون شبینم است بستر و بالین من ز گل / در خارزار از نظر پاک بین خویش  
ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین / بند بندش گر پر از شکر نباشد گو میاش  
ج) چرا از دست می رفتم چرا بیمار می بودم؟ / اگر می بود بر بالین من سیب زخندان  
د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی / که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش  
(۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، ج، الف (۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، الف، د، ب
۱۱. با توجه به مصراع های زیر، اجزای کدام مصراع ها از «نهاد + فعل» تشکیل شده است؟  
الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول  
ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل  
ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار  
د) ز سر به در نرود همچنان امید وصال  
ه) دی به چمن برگذشت سرو سخنگوی من  
و) الف، ب، د (۲) الف، د، ه (۳) ب، ج، ه (۴) ب، د، ه
۱۲. در کدام گروه واژه، رابطه معنایی واژه ها، با سایر گروه ها، متفاوت است؟  
(۱) آسمان - ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده  
(۲) تفوق و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح  
(۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی  
(۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته سیاه - پادگان و سرباز



## ۱۴. بیش‌ترین «صفت مرکب» در کدام بیت یافت می‌شود؟

- ۱) دوست‌گش بیگانه‌پرور دیرجوش و زودرنج / سست‌پیمان سخت‌دل مشکل‌پسند آسان‌گسل
  - ۲) لفظ‌آتش‌بار او یأس‌آور و امیدسوز / نرگس‌بیمار او دردافکن و درمان‌گسل
  - ۳) غمزه‌اش در دلبری یغماگر و مردم‌فریب / طرّه‌اش در کافری تقواکش و ایمان‌گسل
  - ۴) لعل‌گوهربیز او گاه‌سخن‌مرجان‌فروش / مژه‌خون‌ریز او وقت‌غضب‌شریان‌گسل
- در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

- الف) غنیمت‌دان در این عالم وصال‌سبز‌خطن‌را / که باغ‌خلد‌این‌ریحان‌جان‌پرور نمی‌دارد
- ب) مگر دیده‌است چشم‌خویش‌نگاه‌آن‌سمن‌بر‌را؟ / زمین‌خانه‌بر‌دوشان‌عمارت‌برنمی‌دارد
- ج) نیچید سر ز زخم‌گاز‌شمع‌ما‌سیه‌روزان / گل‌این‌باغ‌شبنم‌از‌لطف‌برنمی‌دارد
- د) دل‌خود‌را‌به‌صد‌امید‌کردم‌چاک‌از‌این‌غافل / که بار‌شانه‌آن‌زلف‌معنبر‌برنمی‌دارد
- ه) عرق‌رخسار‌آن‌خورشید‌طلعت‌برنمی‌دارد / که چشم‌از‌پشت‌پا‌نرگس‌ز‌خجالت‌برنمی‌دارد

۱) الف، ب، ه      ۲) الف، ج، د      ۳) ب، ج، د      ۴) ب، ج، ه

## ۱۶. با توجه به ابیات زیر، کدام مورد «غلط» است؟

- «با لعل لب‌شراب‌را‌مستی‌نیست / با‌قد‌تو‌سرو‌را‌بجز‌پستی‌نیست  
ما‌را‌دهن‌تو‌نیست‌می‌پندارد / با‌آن‌که‌به‌یک‌دزه‌در‌او‌هستی‌نیست»
- ۱) «مستی، پستی و هستی» همگی مسند هستند.
  - ۲) در ابیات «وابسته‌وابسته» و یک ترکیب وصفی وجود دارد.
  - ۳) «را» هم در معنای حرف اضافه و هم در معنای حرف نشانه آمده است.
  - ۴) اجزای تشکیل‌دهنده یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.

## ۱۷. مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) تا‌صورتت‌نکو‌بود‌افعال‌زشت‌کردی / پس‌فعل‌را‌نکو‌کن‌اکنون‌که‌زشت‌گشتی (دریافتن باقی‌مانده عمر)
- ۲) باده‌نوشی‌که‌در‌او‌روی‌و‌ریایی‌نبود / بهتر‌از‌زه‌فروشی‌که‌در‌او‌روی‌و‌ریاست (مذمت تزویر)
- ۳) گرچه‌فرهادم‌به‌تلخی‌جان‌برآید‌باک‌نیست / بس‌حکایت‌های‌شیرین‌باز‌می‌ماند‌ز‌من (توصیه به داستان‌پردازی)
- ۴) از‌جان‌طمع‌بریدن‌آسان‌بود‌ولیکن / از‌دوستان‌جانی‌مشکل‌توان‌بریدن (تأثیر عشق)

## ۱۸. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

- ۱) گر‌به‌دیدن‌شوی‌از‌دست‌درازی‌قانع / می‌توان‌از‌گل‌ناچیده‌چه‌گل‌ها‌چیدن
- ۲) هرکه‌گردید‌ز‌عبرت‌به‌تماشا‌قانع / به‌کف‌پوچ‌شد‌از‌گوهر‌دریا‌قانع
- ۳) زود‌عاجز‌شود‌از‌دیدن‌یوسف‌چشمی / که‌به‌دیدار‌نگردد‌چو‌زلیخا‌قانع
- ۴) منم‌به‌گوشه‌چشمی‌ز‌آشنا‌قانع / به‌خاک‌پای‌قناعت‌ز‌توتیا‌قانع

## ۱۹. مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) شکفته‌لاله‌نعمان‌به‌سان‌خوب‌رخساران / به‌مشک‌اندر‌زده‌دل‌ها‌به‌خون‌اندر‌زده‌سر‌ها
- ۲) وقت‌است‌از‌شکوفه‌چمن‌سیم‌تن‌شود / هر‌خار‌خشک‌یوسف‌گل‌پیرهن‌شود
- ۳) سنبل‌او‌می‌خرامد‌دست‌بر‌دوش‌بهار / تا‌کند‌در‌وقت‌فرصت‌حلقه‌در‌گوش‌بهار
- ۴) شده‌است‌چون‌رخ‌لیلی‌و‌سینه‌مجنون / ز‌جوش‌لاله‌و‌گل‌دامن‌بیابان‌ها



۲۰. همهٔ ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد»

- ۱) سخن چون برابر شود با خرد / روان سراینده رامش برد
- ۲) سخن گر چون گوهر برآرد فروغ / چون ناباور افتد نماید دروغ
- ۳) بدان کز زبان است مردم به رنج / چون رنجش نخواهی سخن را بسنج
- ۴) سخن پیش فرهنگیان سخته گوی / به هر کس نوازنده و تازه روی

۲۱. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، هم خوانی دارد؟

«وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است»

- ۱) بیا گر خواهیم دیدن که دور از روی خوب تو / بقای خویش چندانی نمی‌بینم نمی‌بینم
- ۲) بی‌فنا ره نتوان برد به سر منزل دوست / هستی ناقص من موجب حرمان من است
- ۳) ما چو قدر وصلت ای جان و جهان نشناختیم / لاجرم در بوتهٔ هجران تو بگداختیم
- ۴) مکن از ظلمت پرورحشت فقر و فنا دهشت / نظر چون خضر بر سر چشمهٔ آب بقا بگشا

۲۲. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) تخم راز عشق را در خاک کردن مشکل است / چون شرر از سنگ بیرون می‌جهد اسرار عشق
- ۲) که راز زهره است راز عشق را در دل نگه دارد؟ / صدف را سینه چاک آرد به ساحل گوهر عاشق
- ۳) از خاک اهل عشق نظر خیره می‌شود / از ابر پردگی نشود آفتاب عشق
- ۴) به هر بی‌پرده‌ای اظهار نتوان کرد راز خود / دل شب‌ها بود گنجینهٔ اسرار عاشق را

۲۳. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

«دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است / بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی»

- ۱) شاهها به سوی خصمت تیر دعا فکندم / از کردگار خواهم تأثیر این دعا را
- ۲) فروغی از دعای پادشاه فارغ نیاید شد / دعا کن کز لب روح‌الامین آمین شود پیدا
- ۳) به هر قفلی کلید صبح خیزان راست می‌آید / مشو دل‌های شب زنهار از دست دعا غافل
- ۴) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست / که مونس دم صبحم دعای دولت توست

۲۴. مفهوم همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:

- ۱) بر چهرهٔ وصفش چه محل زیور تقریر / دریا که حاجت به بیان نیست عیان را
- ۲) در روی تو گفتم سخنی چند بگویم / رو باز گشادی و در نطق بیستی
- ۳) هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
- ۴) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردند / با میان آمد و بی‌عقل و زبان گردیدم

۲۵. مفهوم حدیث «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- ۱) در زمان خط، مدار چشم او بر مردمی است / گردن عامل بود باریک در پای حساب
- ۲) زان خلایق که درآیند به دیوان حساب / مثل سلمان عجب از ز آنچه در آید به حساب
- ۳) صبح پیری نیست گر صبح قیامت، از چه کرد / پیش چشم من ز عینک نصب، میزان حساب
- ۴) سنگ کم در پلهٔ میزان خجالت می‌کشد / خود حساب آسوده است از پرسش روز حساب



## رشته تجربی

۱. کدام گزینه می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟
- «شبه، بعینه، بسنده، ویله، فراز آمدن، گبر»
- (۱) نظیر، شایسته، زره، دلاور  
(۲) مانند، کافی، ناله، کم‌عقلی  
(۳) عیناً، آراسته، حصار، نوعی لباس جنگی  
(۴) مانند، کامل، نزدیک آمدن، خفتان
۲. معنی چند واژه درست است؟
- «زایل شدن: برطرف شدن» (استحقاق: شایسته) (افسر: صاحب منصب) (نهیب: هیبت) (نوند: اسب رنجور)  
(هنر: معرفت) (برافراختن: روشن کردن) (بر اثر: رد پا) (خایب: بی‌بهره) (راه تافتن: تغییر مسیر دادن)
- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت
۳. در همهٔ گزینه‌ها معانی واژه‌ها «تماماً» درست است؛ به جز:
- (۱) اندیشه: اندوه (طاق: بی‌همتا) (عیار: معیار)  
(۲) تلقی: نگرش (تعبیر: بازگویی) (تعلل: اهمال کردن)  
(۳) مدام: می (بازبسته: پیوسته و مرتبط) (سوءهاضمه: بدگواری)  
(۴) انبساط: خودمانی شدن (جسیم: صاحب جاه) (معاملت: اعمال عبادی)
۴. در متن زیر، چند «غلط املائی» وجود دارد؟
- «پس غیاث مولانا سعدالدین عین صواب است که عقل را مقدم داشت و وسیلت غربت حق دانست و داعی مخلص را به عین رضا نظر کرد. خداوند زوالجلال است و اکرامش در حصر نمی‌آید.»
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۵. در کدام عبارت «غلط املائی» یافت می‌شود؟
- (۱) دوستان دو نوعند: اول آن که به صدق رقیب و طوع دل به موالات گرایند و دوم آن که از روی اضطرار مصاحبت نمایند.  
(۲) هر کجا گرمی شامل و مروّتی شایع است طبع از اهمال حقوق نفور باشد و همت برگزارد موجب آن مقصور.  
(۳) آنچه شرایط آداب خدمت ملوک است، خدم و حشم در مسالک و مدارج آن می‌باید قدم نهند.  
(۴) غایت معرفت هر کس مقام انقطاع اوست به وجد از تزقی، بیابان این ورطه از چه می‌پرسی؟
۶. در میان گروه واژه‌های داده شده، «چند غلط املائی یا رسم الخطی» به چشم می‌خورد؟
- «افراط و تفریط، صنف و گونه، التهاب و برافروخته‌گی، عنایت و توبه، انبان دباقی شده، بارع و حصار، بدقواره و ناموزون، بذله‌گو و شوخ‌طبع، بطالت و بیهودگی، صیغهٔ بلعث، بزم و ظیافت، بردمیدن و برخواستن، عرصهٔ بین‌المللی، به تعویق انداختن و اهمال کردن»
- (۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) نه
۷. ابیات زیر به ترتیب، سرودهٔ چه کسانی هستند؟
- (الف) عشق بازی کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟  
(ب) جهد بر توست و بر خدا توفیق / زان که توفیق و جهد هست رفیق
- (۱) بیدل دهلوی، نظامی گنجوی  
(۲) نعمت‌الله ولی، سنایی  
(۳) صائب تبریزی، مسعود سعد سلمان  
(۴) نظام وفا، ملا محسن فیض کاشانی



۸. آرایه‌های مقابل کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟  
 الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است / خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله)  
 ب) گره‌گشای دل تنگ نغمهٔ چنگ است / سهیل سیب زنخدان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)  
 ج) ای صبا بی‌مروت برق تازی واگذار / روح بیمار زلیخا هم‌ره پیراهن است (تلمیح، ایهام)  
 د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین‌تر است / روح تلخ بحر از آب گهر شیرین‌تر است (ایهام تناسب، حس آمیزی)
- ۱) الف، ب      ۲) الف، د      ۳) ب، ج      ۴) ب، د
۹. در کدام بیت «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟  
 ۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر / ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد  
 ۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه / که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند  
 ۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است / ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد  
 ۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه / که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد
۱۰. آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟  
 «به روز تیرهٔ ما صبح، شکر خنده‌ها دارد / نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند»  
 ۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص  
 ۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام  
 ۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی  
 ۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره
۱۱. آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:  
 ۱) چه سان مژگان خونین گریهٔ ما را نگه دارد / کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام)  
 ۲) پهلوی به حیات ابدی می‌زند آن زلف / این است سوادی که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه)  
 ۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی / ندارد و نه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره)  
 ۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار / زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه)
۱۲. در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟  
 الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش  
 ب) نشستم تا برون آبی خرامان  
 ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی  
 د) دوست دارد آن که داری دوستش
- ۱) دو      ۲) سه      ۳) چهار      ۴) پنج
۱۳. تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیش‌تر است؟  
 ۱) آن که ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند / قوت جان حافظش در خندهٔ زیر لب است  
 ۲) شهسوار من که مه آینه‌دار روی اوست / تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است  
 ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست / گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست  
 ۴) شرح شکن زلف خم اندر خم جانان / کوتاه نتوان کرد که این قصه درازست
۱۴. در کدام عبارت، واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟  
 ۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.  
 ۲) پس چون یک چند برآمد ملک روم خراج باز گرفت.  
 ۳) صحرا را دریایی دریافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان.  
 ۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.



۱۵. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب، کدام است؟  
 «من به غیر از تو کسی یار نگیرم آری / همت آن است که آلا تو نگیرد باری»  
 (۱) نهاد، مفعول، قید، نهاد  
 (۲) مفعول، مسند، قید، متمم  
 (۳) مفعول، بدل، شبه‌جمله، متمم  
 (۴) بدل، مفعول، شبه‌جمله، نهاد
۱۶. با توجه به رباعی زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست هستند؛ به جز:  
 «از باغ جمالت آگه ار بودی گل / این راه پر از خار نپیمودی گل»  
 با این همه خاها که در پی دارد / چون آمد و چون رفت بدین زودی گل»  
 (۱) چهار ترکیب وصفی و یک اضافه تشبیهی در ابیات یافت می‌شود.  
 (۲) گل در دو مصراع نقش نهادی و در یک مصراع نقش مفعولی دارد.  
 (۳) سه مصراع به شیوه بلاغی و یک مصراع به شیوه عادی سروده شده است.  
 (۴) در رباعی فوق «سه جمله سه جزئی» و «دو جمله دو جزئی» یافت می‌شود.
۱۷. مفهوم کدام بیت با بقیه، متفاوت است؟  
 (۱) جوش فرهاد است از کهسار من سرچشمه‌ای / شور مجنون گردبادی از بیابان من است  
 (۲) می‌کند در سینه گرم قیامت، شور عشق / صبح محشر خنده چاک گریبان من است  
 (۳) شور عشق من فلک‌ها را به چرخ آورده است / کشتی افلاک بی‌لنگر ز طوفان من است  
 (۴) می‌فشانم نور خود بر تیره‌روزان بی‌دریغ / خرمن ماهم پریشانی نگهبان من است
۱۸. عبارت «این صلت، فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟  
 (۱) گرفتمت که هزاران متاع از اینسان هست / کدام حيله کنی تا فروخت بتوانی  
 (۲) به راحت نفسی رنج پایدار مجوی / شب شراب نیر زد به بامداد خمار  
 (۳) نکنم رغبت دنیا که متاعی است قلیل / شاهبازان به گه صید نگیرند مگس  
 (۴) غایت کام و دولت است آن که به خدمت رسید / بنده میان بندگان فخر کند به چاکری
۱۹. مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟  
 (۱) صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت / آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم (طلب دادخواهی)  
 (۲) اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گو / سخن به خاک می‌فکن چرا که من مستم (مستی و راستی)  
 (۳) چرخ برهم زخم ار غیر مرادم گردد / من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (بلندنظری)  
 (۴) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است / به ناله دف و نی در خروش و ولوله بود (آوازه محبت)
۲۰. کدام بیت با عبارت زیر، قرابت مفهومی دارد؟  
 «اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.»  
 (۱) دلیر در سر بازار حشر خرج کند / گرفت هر که زر خویش را عیار امروز  
 (۲) شور سحر اگر باورتان نیست / گل مصحف صد برگ به سوگند گشوده است  
 (۳) زود باشد حشرشان در خاک با قارون شود / این گران جانان که سیم و زر به روی هم نهند  
 (۴) حلال و خوش‌خور و طاعت کن و دروغ مگوی / بر این سه کار بری روز حشر گوی عمل





۲۱. مفهوم بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟

«فرع‌ها را از رجوع اصل بیدل، چاره نیست / راه‌ها سر بسته بود آخر به خود باز آمدیم»

- ۱) فرع را از اصل خویش آگاه باید زیستن / شیشه را سامان مستی غافل از خارا نکرد
- ۲) اصل است که فرع می‌نماید / زان اصل کسی گذر ندارد
- ۳) مادر فرزند جویان وی است / اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
- ۴) هین خمش کن به اصل راجع شو / دیده راجعون نمی‌خسبد

۲۲. همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«اولاً تجرید شو از هر چه هست / وانگهی از خود بشو یک بار دست»

- ۱) سر کوبش هوس داری هوس را پشت پایی زن / در آن اندیشه یک رو شو دو عالم را قفایی زن
- ۲) بر سر کوی وصل تو مرغ صفت پریدمی / آه اگر نسوختی آتش هجر بال من
- ۳) شمع سان پیشت بخواهم سوخت سر تا پا که من / در فنای خویش می‌بینم بقای خویشتن
- ۴) گر تو سر خواهی ز من سر با تو بسپارم به چشم / سر چه باشد هر چه دارم در نظر آرم به چشم

۲۳. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«گلّه ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می‌کند»

- ۱) دل به من گوید چون آب تو از سر بگذشت / روی بر خاک نه از جور وی و زار بنال
- ۲) مرا بگذشت آب و رفت از سر / بر این حالمدار نیست در خور
- ۳) سخن هر چه گفتم همه خیره بود / که آب روان از بنه تیره بود
- ۴) زندگی در مردن و در محنت است / آب حیوان در درون ظلمت است

۲۴. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«گل اگرچه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته‌ای گیرد زوال»

- ۱) شد نخل ماتم از دم افسرده خزان / تا راست کرد قامت خود را نهال گل
- ۲) برگ گل لعل بود شاهد بزم بهار / آب گلستان ببرد شاهد گلروی من
- ۳) می‌گرفتن تنگ اگر در غنچگی بر خویشتن / می‌توانستم چو گل مشت زری پیدا کنم
- ۴) گل چو بر ناله مرغان چمن خنده زند / چه کند بلبل شب‌خیز که سودا نکند

۲۵. مفهوم کنایی بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«عقل میدان سخن بر عاقلان کرده است تنگ / ورنه مجنون با در و دیوار می‌گوید سخن»

- ۱) نیست در روی زمین گوشی سزاوار سخن / چون نبندد طوطیان را زنگ در منقار حرف؟
- ۲) گوهر شهوار مزد لب به جا وا کردن است / ای نصیحت را به خاطر از صدف داریم ما
- ۳) نمی‌توان ز سخن ساختن خموش مرا / که چون صدف ز دهان است رزق گوش مرا
- ۴) دهان مور را بر خاک دارد بی‌زبانی‌ها / مرا تیغ زبان چون مار بی‌زناهار بایستی



## رشته انسانی

۱. «خیمه، هراس، اصل هر چیز، خنجر» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟
- (۱) دژ، هژا، مقیاس  
(۲) عرش، رعب، ملاک، دشنه  
(۳) سریر، مهیب، معیار، تیغ  
(۴) شرع، دمان، سنجش، سنان
۲. معنی همه واژه‌ها در مقابل آن‌ها درست آمده است؛ به جز:
- (۱) (صنف: گونه) (شایق: درخور) (گیوه: پای افزار)  
(۲) (رایت: درفش) (سست‌عنصر: بی‌غیرت) (فایق: پیروز)  
(۳) (کافی: دانای کار) (شائبه: شک و گمان) (تمکن: ثروت)  
(۴) (چابک: تند و فرز) (فراختر: راحت‌تر) (تعبیه کردن: قرار دادن)
۳. کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟
- «ارتفاع، محظور، هویدا، واترقدین، کریت، حریف»
- (۱) بهره‌ور، مانع، روشن، تحریر  
(۲) عایدات مملکت، بهره‌ور، آشکار، غم  
(۳) مانع، آشکار، پس‌روی کردن، همراه  
(۴) زمین‌های زراعتی، گرفتاری، اندوه، همدم
۴. در کدام عبارات، «غلط املائی» وجود دارد؟
- الف) اسراف آن باشد که بر خلاف رضای حق و در حفظ نفس خرج کند.  
ب) اعراض، روی از خدای گردانیدن است و به هوا مشغول شدن.  
ج) غرور، جاه و مال و فریفته شدن و صراط و صواب و ترازو را فراموش کردن است.  
د) در حفظ مال و ملک رعیت کوشند و در امارت و زراعت جدّ بلیغ نمایند.
- (۱) الف، د (۲) ب، د (۳) ج (۴) ج، د
۵. در میان واژه‌های داده شده، املا و رسم‌الخط چند واژه درست است؟
- «مخدول و زبون گردیده، تشییع و بدرقه، شیر و آقوز، ضمیمه و پیوست. مخنقه و قلّاده، مظغ و جویدن، عنبان و مشک، لطیفه‌گویی و دل‌کمی، مسحور و مفظون، محوّطه و سحن، راحت و مرفح. مخمصه و تنگنا، لئیمی و فرومایه‌گی، سیاره ذحل و مریخ»
- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت
۶. در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟
- «پس تأثیر عنایت ازلی او را در کار بندگی هر ساعت مجدّتر می‌گرداند و شوق عشق او به غایت‌تر می‌رساند و او با قلبات شوق و رقبات ذوق در کثرت مجاهده و جودت معامله می‌افزاید و آن شجره عبودیت هر روز طراوتی دیگر می‌گیرد.»
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
۷. ایبات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟
- الف) اولاً تجرید شو از هر چه هست / وانگهی از خود بشو یک بار دست  
ب) سرو و مهت نخوانم خوانم، چرا نخوانم؟ / هم ماه با کلاهی هم سر و با قبایی
- (۱) سلمان ساوجی، خاقانی  
(۲) محمدتقی بهار، منوچهری  
(۳) هاتف اصفهانی، بیدل دهلوی  
(۴) اسیری لاهیجی، فرخی سیستانی



۸. آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم / لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست  
 ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد / ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست  
 ج) دو اسبه پیک نظر می‌دانم از چپ و راست / به جست‌وجوی نگاری که نور دیده‌امست  
 د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم / ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیداست  
 ۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ج، د، ب (۳) الف، ج، د، ب، د (۴) الف، ج، د، ب، د، الف
۹. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:  
 ۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام / ورنه من آزادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)  
 ۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد / تو نیز به کشتنم میان دربستی (مجاز، کنایه)  
 ۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل / همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)  
 ۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی / چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)
۱۰. آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟  
 «ز مهر روی او عمری است تا دم می‌زنی «سلمان» / به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی»  
 ۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه  
 ۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز  
 ۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی (۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص
۱۱. در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟  
 «می‌ساختم چون بربط و می‌سوختم چو عود / زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»  
 ۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه
۱۲. اجزای تشکیل دهنده همه جمله‌ها در مقابل آن‌ها، «کاملاً» درست است؛ به جز:  
 ۱) دانشجویان تازه‌وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)  
 ۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)  
 ۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)  
 ۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
۱۳. «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیش‌تر است؟  
 ۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد / دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود  
 ۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد / دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود  
 ۳) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
 ۴) حسن مه‌روبان مجلس گرچه دل می‌برد و دین / بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود
۱۴. در کدام گزینه، دو نوع وابسته وابسته دیده می‌شود؟  
 الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم / که آتش را به چشم آن روی تابان آب گرداند  
 ب) مجوی عیش خوش از دو بازگون سپهر / که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است  
 ج) خنده جام می و زلف گره گیر نگار / ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست  
 د) خط به گرد لب جانبخش تو می‌دانی چیست؟ / ظلماتی که از آن چشمه حیوان سر زد  
 ۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د



۱۵. در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟  
 «گریه تلخ است چون گل حاصلش از زندگی / عمر خود هرکس که صرف شادمانی کرده است»  
 (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند  
 (۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد (۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل
۱۶. با توجه به ابیات زیر، کدام مورد از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟  
 «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد / دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست  
 به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز / وگرنه سیل چو بگرفت سد نشاید بست»  
 (۱) در کل ابیات چهار مفعول وجود دارد.  
 (۲) دو جمله غیرساده در ابیات یافت می‌شود.  
 (۳) اجزای مصراع سوم «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.  
 (۴) ابیات فاقد ترکیب وصفی و دارای سه ترکیب اضافی است.
۱۷. مفهوم کدام بیت، متفاوت است؟  
 (۱) قامت پیری ز حرصت شد کمینگاه امل / ور نه خم گردیدند بر هر دو عالم پشت پاست  
 (۲) حرص و یک عالم فضولی خواه طاقت خواه عجز / جز جوانی‌ها از این بی‌پیر نتوان یافتن  
 (۳) دو بالا می‌شود طول امل چون قد دو تا گردد / که مار از امتداد روزگاران اژدها گردد  
 (۴) پیش راه حرص پیری چوب نتواند گذاشت / بیش‌تر دست طمع کار از عصا گردد بلند
۱۸. همه ابیات با بیت زیر، تناسب مفهومی دارند؛ به جز:  
 «من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب / که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت»  
 (۱) هر که روزی بی‌رضایش چهره زیبایش دید / بی‌خلاف از وی برآرد داغ بی‌صبری دمار  
 (۲) در خرابات رضا نشو و نما یافته‌ام / درد میخانه قسمت می‌سر جوش من است  
 (۳) مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد / ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست  
 (۴) صبر و تحمل است و رضا چاره با قضا / تدبیر این قضیه برون زین سه چار نیست
۱۹. کدام بیت، با بیت زیر «تقابل» مفهومی دارد؟  
 «رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها»  
 (۱) قانع از رزق پریشان با دل صد پاره شو / روزی آماده می‌خواهی برو غمخوار شو  
 (۲) گرچه از آتش زبانی شمع این‌نُه محفلم / نیست رزقی جز سر انگشت پشیمانی مرا  
 (۳) دخل و خرج خویش را چون مه برابر هر که کرد / کم نگردد روزی اش هرگز ز خوان آفتاب  
 (۴) دست بیعت با توکل داده‌ام روز ازل / از برای رزق کوشیدن نمی‌آید ز من
۲۰. کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر را دارد؟  
 «در عشق کسی قدم نهاد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست»  
 (۱) یار اگر جلوه کند دادن جان این همه نیست / عشق اگر خیمه زند ملک جهان این همه نیست  
 (۲) جذبه عشق کشانید به کیشی ما را / که ز هفتاد و دو ملت همه بیزار شدیم  
 (۳) عشق بازی چیست سر در پای جانان باختن / با سر اندر کوی دلبر عشق نتوان باختن  
 (۴) گر گریزد عاشق از زاهد عجب نبود که نیست / الفتی با یکدگر دیوانه و فرزانه را



**۲۱. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟**

- (۱) دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد / چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد
- (۲) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست / بنفشه زار شود تربتم چو در گذرم
- (۳) به عشق روی تو روزی که از جهان بروم / ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه
- (۴) باشد غم هجر تو به خونابه بر آن نقش / گر از سر خاکم بدمد برگ گیاهی

**۲۲. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

«عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت / همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی»

- (۱) زبان خامه ندارد سر بیان فراق / وگرنه شرح دهم با تو داستان فراق
- (۲) به پیش شمع اگر پروانه سوزد نیست دشوارش / چه باک از سوختن او را که بر بالین بود یارش
- (۳) دامنی دارم پر از خون چون نگفتم شکر وصل / در کنار خویشتن دیدم سزای خویش را
- (۴) شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت / فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

**۲۳. مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟**

- (۱) کرسی چه حاجت آن را که عرض بر گذشته است / از زیر پای منصور کرسی کشید باید (فناء فی الله)
- (۲) منشور رستگاری است طومار خود حسابان / در روزنامه خود هر روز دید باید (حاسبوا قبل ان تحاسبوا)
- (۳) چون رنگ می ز مینا بیرون دوید باید / نه پرده فلک را از هم درید باید (کل اناء یترشح بمافیة)
- (۴) نوش دکان هستی آمیخته است با نیش / چون خنده‌ای دهد رو لب را گزید باید (الدهر یومان یوم لک و یوم علیک)

**۲۴. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

«مگر به تیغ اجل خیمه بر کنم ورنه / رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است»

- (۱) اگر پیش از اجل یک دم بمیری / در آن یک دم دو عالم را بگیری
- (۲) با چنین عمری که ما بر حال خود درمانده ایم / کس نمی‌داند چه می‌خواهد اجل از جان ما
- (۳) تا نزند بر سرم دست اجل آستین / کیست که برگیردم روی از این آستان
- (۴) زندگی از وصل اوست و ز غم او چاره نیست / گر بکشد گو بکش پیش از اجل کس نمرد

**۲۵. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

- (۱) سر به جیب فکر بر تا از فلک بیرون شوی / بر کمی زن تا چو ماه عید روزافزون شوی
- (۲) آسیای فلک از بهر تو سرگردان است / تو ز اندیشه روزی چه پریشان شده‌ای؟
- (۳) پیچیدن سر پنجه من کار فلک نیست / کز دهشت من پنجه هم زور شود خشک
- (۴) آسمان است تو را ضامن روزی و ز حرص / رزق خود را تو ز هر در چو گدا می‌طلبی

**رشته هنر**

**۱. معنی هر یک از واژه‌های زیر به ترتیب، کدام است؟**

«خَنیده، طین، برگاشتن، اسرا»

- (۱) پژواک، گل، برگشتن، گرفتاران
- (۲) مشهور، تربت، برگشتن، دستگیرشدگان
- (۳) پرآوازه‌تر، خاک، برگردانیدن، دستگیرشدگان
- (۴) مشهور، گل، برگردانیدن، در شب سیر کردن



۲. کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟
- «مُکاری، مرمت، مخمصه، مگسل، منال، ملازم»
- ۱) کرایه‌دهنده، اصلاح و رسیدگی، همراه، مردانگی
  - ۲) اصلاح و رسیدگی، مردانگی، همراه، سرمایه
  - ۳) کرایه‌دهنده، درآمد مستغلات، مردانگی، سرمایه
  - ۴) اصلاح و رسیدگی، رها مکن، درآمد مستغلات، همراه
۳. در کدام گزینه، معنی همهٔ واژه‌ها درست آمده است؟
- ۱) (زبون: ناتوان) (رشحه: قطره) (دمان: مهیب)
  - ۲) (دها: زیرک) (دوال: پوست) (خایب: بی‌بهره)
  - ۳) خور: زمین پست) (دژم: خشمگین) (ثقت: مطمئن)
  - ۴) (چنبر: طریق) (خبت: پلید) (پویدن: تلاش)
۴. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟
- ۱) امیر را از مال در کار آورد تا جانب مرؤت مهمل گذاشت و ارتکاب این محذور به خلاف طریقت جایز شمرد.
  - ۲) عرضگه و شمار لاشکر را وضعی ساخته‌اند که دفتر عرض را بدان معدوم کرده‌اند و اصحاب آن را مغلوب.
  - ۳) هنگام مقابله و مقاتله سر به سر زاید باشند و هیچ کدام به میدان مبارزه فاحش و بارز نکرد.
  - ۴) بدین قیاس و نمط هر مصلحتی که پیش آید به مردی یا به چیزی احتیاج افتد به امیر حواله کند.
۵. در متن زیر، چند غلط املائی یافت می‌شود؟
- «ملائکة عالم اعلیٰ به عجز از ادراک این معنی اعتراف نموده که ما عَرَفْنَاكَ حق معرفتک. ختم بیابان معرفت که داند که سالک این راه را در هر قدمی، فدحی بدهند و مستی تنگ شراب، ضعیف اهتمال [را] در قدم اول به یک قدم اول به یک قدح مست و بی‌هوش می‌گرداند و طاقت ساغر ذلال محبت نمی‌آرند و به وحد از حضور غایب می‌گردند و در بیقولهُ حیرت می‌مانند.»
- ۱) دو      ۲) سه      ۳) چهار      ۴) پنج
۶. در کدام عبارت، «غلط املائی» وجود دارد؟
- ۱) چون قالب طنش صواب نماید ابتدا کند به نام خدای عَزَّوَجَلَّ و توکل بر وی.
  - ۲) اهل دنیا طالب فراخی معیشت و رفعت منزل و رسیدن به ثواب آخرت هستند.
  - ۳) او را به سبب عقیدت پاک از آن ورطهٔ هایل خلاص داد و تمکّن او به غایت انجامید.
  - ۴) او از سر انبساط به جواب موحش قیام نمود و آن چه واجب بود از مضایق و مناصح به اتمام رساند.
۷. عبارات زیر، به ترتیب از چه کسانی هستند؟
- الف) گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببیند، بگیرد و حد زند.
- ب) مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.
- ۱) نجم‌الدین رازی، محمد بن منور
  - ۲) محمد عوفی، عین‌القضات همدانی
  - ۳) خواجه نظام‌الملک، عطار نیشابوری
  - ۴) عنصرالمعالی کیکاووس، محمد بن منور



۸. آرایه‌های «استعاره، حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه و تضاد» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) عمر چو باد به تعجیل از آن می‌گذرد / که تو غافل کنی از گاه جدا دانۀ خویش  
 ب) بر نمی‌آیم به تسکین دل خودکام خویش / چون فلک در بی‌قراری دیده‌ام آرام خویش  
 ج) عاشق چرا امید نبندد به عشق پاک / شب‌نم عزیز باغ شد از چشم پاک خویش  
 د) حرص بر من دردهای نسیه را کرده است نقد / صبح ناگردیده می‌افتم به فکر شام خویش  
 ه) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد / هرگز نکرد یاد اسیران خاک خویش  
 (۱) الف، ج، د، ه، ب (۲) الف، د، ب، ه، ج (۳) ج، الف، ب، ه، د (۴) ج، ب، د، ه، الف

۹. بیش‌ترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- (۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت / چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت  
 (۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است / که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است  
 (۳) یک سر بی‌کبر در نمرود زار خاک نیست / کاسه هر کس که می‌بینم از این صهبا پر است  
 (۴) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست / از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت  
 ۱۰. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ز بند حرص بر آهو چه نازی نفس را چون سگ / به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا»

- (۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد (۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس  
 (۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد (۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

۱۱. آرایه‌های همهٔ ابیات در مقابل آن‌ها درست است؛ به‌جز:

- (۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی / زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا (جناس تام، مجاز)  
 (۲) به بزمگاه چمن دوش، مست بگذشتم / چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت (مجاز، ایهام)  
 (۳) چون دل شب می‌زنم سائب بر آهنگ فغان / می‌کشانم بر زمین از آسمان ناهید را (اغراق، استعاره)  
 (۴) ببر زین خاکدان زنهار با خود سرمهٔ بینش / وگر نه کور هیبهات است در محشر شود بینا (تشبیه، واج‌آرایی)

۱۲. اجزای جمله‌های تشکیل‌دهندهٔ همهٔ ابیات «نهاد + مسند + فعل» است؛ به‌جز:

- (۱) از دود آه ماست که ابر آشکارگشت / و ز سیل اشک ماست که دریا پدید شد  
 (۲) صیاد من آن است که نخجیر تو گردد / سلطان من آن است که هندوی تو باشد  
 (۳) دستگیر خستگان جام می گلرنگ شد / مشرب آتش عذاران آب آتش رنگ بود  
 (۴) در راه مهر نیست به جز سایه همنشین / در کوی عشق نیست به جز ناله هم‌نفس

۱۳. نمودار کدام گروه اسمی «غلط» است؟

- (۱) سپهر این ره عالی صفت  
 (۲) بلندترین کوه روی کرهٔ خاکی  
 (۳) مشتاق دیدار سیمرغ کوه قاف  
 (۴) این دریای بی‌پایان خونخوار



۱۴. در عبارت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟  
گفت: «خاموش! که در پستی مردن، به که حاجت پیش کسی بردن.»  
(۱) نهاد، نهاد، متمم، مسند  
(۲) نهاد، مسند، مسند، متمم  
(۳) مسند، نهاد، مسند، متمم  
(۴) مسند، متمم، نهاد، نهاد
۱۵. در بیت زیر «چند مسند و چند قید» به ترتیب، یافت می‌شود؟  
«اگر گرد کسی بسیار گردی / اگر چه بس عزیزی خوار گردی»  
(۱) دو - دو  
(۲) دو - سه  
(۳) سه - دو  
(۴) سه - سه
۱۶. کدام مورد، از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟  
«مظلوم دست بسته مغلوب را بگوی / تا چشم برق قضا کند و صبر بر جفا  
کاین دست بسته را بگشایند عاقبت / و آن گشاده باز ببندند بر قفا»  
(۱) «و» یک بار حرف ربط و یک بار حرف عطف است.  
(۲) اجزای جمله اول «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.  
(۳) در ابیات فوق «پنج ترکیب وصفی» و «دو قید» یافت می‌شود.  
(۴) «را» در مصراع اول حرف اضافه و در مصراع سوم نشانه مفعولی است.
۱۷. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟  
«چون شیر به خود سپه شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش»  
(۱) همچو کمان سخت ز طبع غیور خویش / آسوده از کشاکش خلقم ز زور خویش  
(۲) سرسبز آن که سعی کند در هلاک خویش / چینه چون سرو دامن همت ز خاک خویش  
(۳) ز گاهواره تسلیم کن سفینه خویش / میان بحر بلا در کنار مادر باش  
(۴) گوهر نمای جوهر ذاتی خویش باش / خاکش به سر که زنده به نام پدر بود
۱۸. مفهوم کدام بیت، با دیگر ابیات، متفاوت است؟  
(۱) در کلبه من گرد علایق نبود فرش / سیلاب، تهی دست ز کاشانه من شد  
(۲) خاطر کی رقم فیض پذیرد هیئات / مگر از نقش پراکنده ورق ساده کنی  
(۳) خار صحرای علایق نیست دامنگیر من / گردبادم، ریشه من بال پرواز من است  
(۴) بی‌برگی من از سخن سرد طمع بود / مَه‌ری که زدم بر لب خود دانه من شد
۱۹. مفهوم ابیات زیر مصداق کدام آیه شریفه است؟  
«زدم تیشه یک روز بر تل خاک / به گوش آدمم ناله‌ای دردناک  
که زنهار اگر مردی آهسته‌تر / که چشم و بناگوش و روی است و سر  
(۱) اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ  
(۲) عِلْمُ اَدَمَ السَّمَاءِ کُلِّهَا  
(۳) اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَه  
(۴) اِنِّیْ خَالِقُ بَشَرًا مِّنْ طِیْنٍ
۲۰. کدام ابیات، مفهومی مشترک دارند؟  
(الف) مردم همان ز سایه ما فیض می‌برند / مانند سرو و بید اگر بی‌بر آمدیم  
(ب) ما را به چشم شور، حسودان گداختند / هر چند تشنه لب ز لب کوثر آمدیم  
(ج) چون باده آب شد ز لگد استخوان ما / تا از حریم خم به لب ساغر آمدیم  
(د) چندین هزار بار فشانیدیم خویش را / تا همچو آب در نظر گوهر آمدیم  
(ه) از زهر سبز شد قلم استخوان ما / تا در مذاق اهل جهان شکر آمدیم  
(۱) ج، د، ه  
(۲) ب، ج، د  
(۳) الف، ب، ج  
(۴) الف، ب، ه





**۲۱. مفهوم کلی همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:**

- (۱) ز همت ساخت عیسی بر سپهر چارمین منزل / کلید فتح گردون همت مردانه می‌باشد
- (۲) من همه همت بر اسباب سفر دارم مرا / در حضر ساز مهیا بر نتابد بیش از این
- (۳) اهلی گرت ز نخل رطب دست کوتاه است / همّت بلند دار که روزی مقدر است.
- (۴) نیست از همّت خود با دو جهاتم کاری / همّتی دارم اگر هیچ ندارم باری

**۲۲. کدام بیت، در بردارندهٔ مفهوم بیت زیر است؟**

«چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن»

- (۱) مینداز در پای کار کسی / که افتد که در پایش افتی بس
- (۲) یاری که در او اهلیتی نیست مگیر / کاری که در او منفعتی نیست مکن
- (۳) بیکاری و توکل دور است از مروّت / بر دوش خلق مفکن زنهار بار خود را
- (۴) کار عالم نیک دیدم هج بر بنیاد نیست / بر دل خاصان ز عالم جز غم و بیداد نیست

**۲۳. کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟**

«مستمع چون تازه آید بی ملال / صد زبان گردد به گفتن گنگ و لال»

- (۱) مستمع داند به جد آن خاک را / چشم و گوش داند او خاشاک را
- (۲) سخنوری نتوان بی سخن شنو کردن / سخن به گوش بود بیش از زبان محتاج
- (۳) مستمع چون تشنه و جوینده شد / واعظ از مرده بود گوینده شد
- (۴) عطار در دل و جان اسرار دارد از تو / چون مستمع نیابد پس چون کند روایت

**۲۴. مفهوم کلی همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:**

- (۱) حدیث عشق نگیرد به زاهدان هرگز / ز بوی گل نشود جغد شادمان هرگز
- (۲) شوخی عشق نگرده به کهنسالی کم / دل چو افتاد جوان، پیر نگرده هرگز
- (۳) مزهٔ هوش جز انگشت پشیمانی نیست / مست خوب است که هشیار نگرده هرگز
- (۴) به عاقلان نتوان دوخت داغ سودا را / تنور سرد نگیرد به خویش نان هرگز

**۲۵. مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟**

- (۱) راضی به قضا باش که در خاطر خرسند / چندان که نظر کار کند ناز و نعیم است (پذیرش مشیت الهی)
- (۲) در دیدهٔ روشن گهران هر ورق گل / از نور تجلی ید بیضای کلیم است (اسرار رموز الهی)
- (۳) کسی که قاف قناعت وطن چو عنقا کرد / کجا دگر به دو عالم سرش فرود آید (مناعت طبع)
- (۴) عشق هر کس را نهد بر چهرهٔ خال انتخاب / همچون داغ لاله ریزد طشت آتش بر سرش (ویرانگری عشق)

**رشته زبان**

**۱. معنی واژه‌های زیر، به ترتیب، در کدام گزینه درست است؟**

«تازی، اُسوه، نثار، فراز آمدن»

- (۱) عرب، نمونهٔ پیروی، افشاندن، رسیدن
- (۲) عرب، سرمشق، باران، نزدیک آمدن
- (۳) تاختن، شایسته، پیشکش کردن، رسیدن
- (۴) عربی، پیشوا، فرو ریختن، نزدیک آمدن



۲. کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟  
 «وبال، وزر، صباحت، فرودسرای، محجوب، خنیده»  
 (۱) سختی و عذاب، خوب‌رویی، پوشیده، مبارک (۲) بار سنگین، اندرونی، مستور، پژواک صدا  
 (۳) بار گناه، بیرونی، سفیدی رنگ انسان، مشهور (۴) گناه، خوش‌نوا، اتاق مخصوص زن و فرزند، پنهان  
 معنی چند واژه «غلط» است؟
۳. (صنعت: پیشه) (شبه: سایه) (انابت: دعا کردن) (روی: چاره) (مستعجل: شتاب‌زده) (طفیلی: وابسته) (نمط: بساط شطرنج) (تعبیر: قابل تأمل)  
 (۱) دو (۳) سه (۳) چهار (۴) پنج
۴. در متن زیر چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «چون دندان قهر و غدر تیز کرد، زبان به کام چرب نرمی باز نهاد و گردن آذرم پیچیده و گره مخاصمت بر ابروی معاندت زد، لب به خندهٔ مسالمت بگشاد بر رأی سلطانی مسطور نبود که عداوت با غذای گردنده وزر و وبال است.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۵. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟  
 (۱) ای گرفتار سبب بیرون میر / لیک عزل آن مسبب، ظن مبر  
 (۲) در اقلیم ایران چون خیلش بجنید / هزاهز در اقلیم توران نماید  
 (۳) گر ضعیفی در زمین خواهد امان / غلغل افتد در سپاه آسمان  
 (۴) هر که خواهد که در این مملکت انگشت خلاف / بر خطایی بنهد گو برو انگشت بخوای
۶. در متن زیر، چند «غلط املائی» وجود دارد؟  
 «اگر لشکری را در تحت فرمان او کنند و او را ثروتی و استظهاری حاصل شود، باز او را مصروف نتواند کرد و بیش‌تر آن باشد که خود به طغیان و عصیان بیرون آیند و هر گاه که عظیمت و حزیمت دشمنی کنند ماه‌ها و سال‌ها باید تا ترتیب لشکری دهند.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۷. کدام آثار «همگی» منظومند؟  
 (۱) هفت پیکر، الهی‌نامه، تحفة الاحرار  
 (۲) لیلی و مجنون، اتاق آبی، مثنوی معنوی  
 (۳) تذکرهٔ الاولیا، پیامبر و دیوانه، مثل درخت در شب باران  
 (۴) در حیاط کوچک پاییز در زندان، تیرانا، دری به خانهٔ خورشید
۸. ترتیب ابیات زیر، با توجه به آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام، اغراق، مجاز و استعاره» کدام است؟  
 الف) بر آنم که ابر گریبند از این پس پیش اشک من / حدیث چشم سیل افشان نراند گر حیا دارد  
 ب) آهن سرد چه کوبیم که دم آتشیم / نکند هیچ اثر در دل چون آهن او  
 ج) در داستان نیاید اسرار عشقبازان / کانجا که قاف عشق است دستان چه کار دارد  
 د) ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی‌آید / که می‌گردد دو بالا ناله در کھسار عاشق را  
 ه) ماه نو چون ز لب بام بدیدم گفتم / ای دل از چنبر این ماه کجا خواهی جست  
 (۱) الف، ج، ب، د، ه (۲) الف، ج، د، ب، ه  
 (۳) د، ب، الف، ه، ج (۴) د، ج، الف، ب، ه



۹. در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟
- (۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام / کیست که مرغ دلش از دام برآمد
  - (۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است / بلبل باغ سخن منطق گویای من است
  - (۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید / تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
  - (۴) آن بناگوش دل افروز است یا مه یا چراغ / کز شب زلف تو چون شمع شبستان نافته است
۱۰. آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟
- «در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم / که چون در نقطه موهوم این سی پاره پنهان شد»
- (۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه
  - (۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز
  - (۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی
  - (۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز
۱۱. آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:
- (۱) تا سخنی گفته‌ام زان لب شیرین سخن / خسرو ایران نمود گوش به گفتار من (حسن آمیزی، ایهام)
  - (۲) تا در خیال حورم و اندیشه قصور / جز مایه قصور نگرده نماز من (جناس، حسن تعلیل)
  - (۳) دست نقاش فلک بهر تماشای ملک / هر شب آراسته در پرده نگار عجبی (جناس، واج‌آرایی)
  - (۴) هر کجا جلوه بالای تو باشد به میان / راستی سرو کجا قامت موزون دارد (ایهام تناسب، تشبیه)
۱۲. در کدام بیت، «صفت مضاف‌الیه» یافت نمی‌شود؟
- (۱) مرا به دست تو خوش تر هلاک جان گرامی / هزار باره، که رفتن به دیگری به حمایت
  - (۲) مشکن دلم که حقه راز نهان توست / ترسم که راز در کف نامحرم اوفتد
  - (۳) با هر که مشورت کنم از جور آن صنم / گوید ببایدت دل از این کار برگرفت
  - (۴) عاشق صادق دیدار من آن گه باشی / که به دنیا و به عقبی نبود پروایت
۱۳. کدام بیت، فاقد واژه «هم‌آوا» است؟
- (۱) دید طین آدم و دینش ندید / این جهان دید آن جهان بینش ندید
  - (۲) هر دلی که او به عشق مایل نیست / حجره دیو خوان که آن دل نیست
  - (۳) در جهان یک دم نبودم شادمان / زان زمان که اندوه جانانم گرفت
  - (۴) از دست بشد چون دل در طره او زد چنگ / غرقه زند از حیرت در هر چه بیابد دست
۱۴. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟
- «مکن ما ناقصان را یارب از سنگ محک رسوا / که این نه بوته را کامل عیاری نیست غیر از تو»
- (۱) بدل، مسند، متمم، نهاد
  - (۲) مفعول، مسند، متمم، نهاد
  - (۳) بدل، قید، متمم، مسند
  - (۴) مفعول، مسند، مفعول، مسند
۱۵. اجزای جمله‌های کدام بیت، همانند اجزای جمله‌های بیت زیر است؟
- «حفظ آب روی خواهش کن که گردون خسیس / نان خود را تر به آب روی سایل می‌کند»
- (۱) می‌دهد از حسن عالمگیر مجنون را خیر / این که لیلی هر نفس تغییر محمل می‌کند
  - (۲) خصم غالب را زیون، صبر و تحمل می‌کند / از تواضع سیل را مغلوب خود پل می‌کند
  - (۳) یوسف نداشت نعمت دیدار این قدر / حسن تو چشم آینه را سیر می‌کند
  - (۴) تشنه جانان را کجا سیراب ساغر می‌کند؟ / ریگ در یک آب خوردن بحر را بر می‌کند



۱۶. با توجه به بیت زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست است؛ به جز:

«ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق / هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد»

(۱) در بیت «یک نهاد و دو فعل» به قرینه محذوف است.

(۲) در بیت یک ترکیب اضافی دو ترکیب وصفی یافت می‌شود.

(۳) جمله اول از «نهاد + مفعول + متمم - فعل» تشکیل شده است.

(۴) بیت از یک جمله غیرساده تشکیل شده است و «که» حرف پیوند است.

۱۷. مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«خواهی که ز دست دیو مردم برهی / مانند پری ز آدمیان پنهان باش»

(۱) چه پوشی پرده بر رویی که آن پنهان نمی‌ماند / و گر در پرده می‌داری کسی را جان نمی‌ماند

(۲) روی پنهان کن که خار تهمت اینای دهر / می‌درد از هم تو را گر دامن مریم شوی

(۳) پیش مردم آشکارا چون مرا دیوانه ساخت / روی خود را آن پری از دیده پنهان کرد و رفت

(۴) سر چشمه حیوان به دهان تو تشبیه / کرد از نظر مردم از آن روی پنهان شد

۱۸. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«گرم به هر سر مویی هزار جان بودی / فدای جان و سرش کردمی به جان و سرش»

(۱) ای تن اگر بی‌دلی سر ز کمندش مپیچ / وی دل اگر عاشقی روی ز مهرش متاب

(۲) ای دل نگفتمت که ز زلفش عنان بتاب / کآهنگ چین خطا بود از بهر مشک ناب

(۳) طره مشکین نباشد بر رخ جانان غریب / زان که نبود سنبل سیراب در بستان غریب

(۴) رشته جان من سوخته بگسیخته باد / گر ز عشق سر زلفت ندهم جان همه شب

۱۹. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان نیست؟

«با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»

(۱) ز سنگ محتسب شهر غم مخور ساقی / سپرده‌ایم به پیر مغان سبوی تو را

(۲) مجلس می‌شیشه و پیمانۀ بسیار داشت / هیچ‌کس چون محتسب مستانه نشکست و نریخت

(۳) می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب / چون نیک بنگری هم تزویر می‌کنند

(۴) صوفی ز کنج صومعه با پای خم نشست / تا دید محتسب که سبو می‌کشد به دوش

۲۰. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار»

(۱) یک جهان دیوانه را نتوان به مویی بند کرد / زلف جانان بار دل‌ها برتتابد بیش از این

(۲) بوی سر زلف تو به شیدایی من نیست / آوازه حسن تو به رسوایی من نیست

(۳) میان صورت و معنی بسی تفاوت‌هاست / فرشته‌ها را به تصوّر مگوی اهرمن است

(۴) شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد / بنده طلعت آن باش که آنی دارد



۲۱. مفهوم کنایی «گندم نمای جو فروش» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟
- (۱) گرچه گرد آلود فقرم شرم باد از همّت / گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم
  - (۲) شرمم از خرقة آلوده خود می‌آید / که بر او وصله به صد شعبده پیراسته‌ام
  - (۳) خودنمایی کار ما را در گره انداخته است / قطره چون برداشت دست از خویش دریا می‌شود
  - (۴) در خرقة چو آتش زدی ای عارف سالک / جهدی کن و سر حلقه رندان جهان باش
۲۲. مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:
- (۱) کرد تصور تو را صورتگر چین آرزو / بست چندین صورت و صورت نبست این آرزو
  - (۲) صورتگری که حسن ادای تو دیده است / تصویر ناکشیده خجالت کشیده است
  - (۳) نقاش چین چو صورتش آورد در نظر / زد بر زمین قلم که چه‌ها می‌کشیم ما
  - (۴) صورتگران که آن قد موزون کشیده‌اند / در حیرتم که ناز تو را چون کشیده‌اند
۲۳. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟
- «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست»
- (۱) زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار / که ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست
  - (۲) گر مدد خواستم از پیر مغان عیب مکن / شیخ ما گفت که در صومعه همّت نبود
  - (۳) بر من آسان است اگر صد پاره سازم دل ز درد / پیش بی‌دردان گریبان پاره کردن مشکل است
  - (۴) زاهد پشیمان را ذوق باده خواهد کشت / عاقلان مکن کاری کآورد پشیمانی
۲۴. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟
- «ضرب گردون دون آزادگان را خسته کرد / کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست»
- (۱) جهان به چشم حسودان سیاه می‌سازد / چو لاله با جگر داغدار خندیدن
  - (۲) کوش تا دل به تماشای جهان نگذاری / داغ افسوس بر آینه جان نگذاری
  - (۳) دیری است کاین زمانه بدخوی سفله طبع / با سفلگان چمید و ز آزادگان رمید
  - (۴) مکن آزادگان را جست‌وجو از این و آن پنهان / که باشد از سبک باری پی این کاروان پنهان
۲۵. مفهوم بیت زیر از کدام ابیات، دریافت می‌شود؟
- «گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها»
- الف) بی‌جمال عالم آرای تو روزم چون شب است / با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع  
ب) زهر اندر کام عاشق شهید گردد در زمان / زان شکرهایی که روید هر دم از نی‌های عشق  
ج) جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد / که جان زنده‌دلان سوخت در بیابان‌ش  
د) مرا چون سوختی بگذار بر گرد سرت گرم / که می‌گردد حصار عافیت خاکستر عاشق
- (۱) الف، ب (۲) ب، ج (۳) الف، د (۴) ج، د

### ■ خارج از کشور

۱. مترادف واژه‌های «کوشش، زمین پست، میان دو کتف، طرح اولیه» به ترتیب، کدام است؟
- (۱) اراده، باره، وقب، تقریظ
  - (۲) مناعت، بیغوله، غاشیه، اسلیمی
  - (۳) همّت، خور، غارب، بیرنگ
  - (۴) خواست، معرکه، کله، گرت‌برداری



۲. معنی مقابل چند واژه، نادرست است؟  
 (فروماندن: متحیر شدن) (سرسام: هذیان) (شراع: شریعت و دین) (عارضه: رخسار) (رضوان: بهشت) (عازم: رهسپار) (تشریح: طریقت و عرفان) (لطیفه: گفتار نرم و دلپذیر)
- ۱) دو      ۲) سه      ۳) چهار      ۴) پنج
۳. در همه گزینیه‌ها، معنی واژه‌ها در مقابل آن‌ها درست آمده است؛ به جز:  
 ۱) (اندیشه: اندوه) (کنف: کناره) (کلان: رئیس)  
 ۲) (کربت: اندوه) (اعلا: نفیس) (وجنه: چهره)  
 ۳) (آزرم: حیا) (تنیده: در هم بافته) (دستور: مشاور)  
 ۴) (ضجه: شیون) (متماعد: مجاب شده) (تطاول: ستم و تعدی)
۴. در متن زیر، چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «اگر از میان شما یک کس سرور نباشد که دیگر اخوان و اولاد و اعوان مطابع رأی و مطاوع فرمان او باشند، مثل مار چند سر باشد که شبی سرمای سخت افتاد، خواستند تا در سوراخ خزند، هر سر که در سوراخ می‌کرد، سر دیگر معاندت می‌نمود و از صورت برودت خلاص نیافتند و بدان سبب هلاک گشتند.»
- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار
۵. در میان گروه واژه‌های داده شده «چند غلط املائی یا رسم الخطی» به چشم می‌خورد؟  
 «حیثیت و اعتبار اجتماعی، حظار مجلس، حقه و صندوق، محتسب و داروغه، درع و ذره، برخواستن مردگان و بعث، دیلاق و لاغر، رأفت و شفقت، راغ و زاغ، سپردن و طی کردن، زایل شدن و نابودی، رزق و وجه معاش، ذل زدن و نگاه کردن، حماقت و فرومایه‌گی»
- ۱) شش      ۲) هفت      ۳) هشت      ۴) نه
۶. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟  
 ۱) جرعه جام بر این تخت روان افشانم / غلغل چنگ در این گنبد مینا فکنم  
 ۲) همیشه تا بود افلاک مرکز انجم / همیشه تا بود ارواح قوت اشباح  
 ۳) تا ترک سمن عارض بودی نه چنین بود / امروز چنین شد که بت مشک عذاری  
 ۴) اندر آن زندان ز ذوق بی قیاس / بشکفد چون گل ز غرس تن هواس
۷. کدام آثار به ترتیب «منثور، منثور، منظوم، منظوم» است؟  
 ۱) سه دیدار، پرنده‌ای به نام آذرباد، حمله حیدری، تمهیدات  
 ۲) داستان‌های دل‌انگیز فارسی، من زنده‌ام، روزها، لیلی و مجنون  
 ۳) فی حقیقه‌العشق، از پاریز تا پاریس، قصه شیرین فرهاد، اسرارالتوحید  
 ۴) سندیادنامه، فیه ما فیه، دری به خانه خورشید، پیوند زیتون بر شاخه ترنج
۸. کدام دو واژه در بیت زیر، «ایهام» دارند؟  
 «از نواهای مخالف می‌کشند آزار خلق / گو شمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را»
- ۱) نوا، ساز      ۲) آهنگ، نوا      ۳) نوا، مخالف      ۴) ساز، آهنگ



۹. آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

«می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان / پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد»

(۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره

(۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل

(۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب

(۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

۱۰. آرایه «تشبیه» در کدام بیت، بیش‌تر یافت می‌شود؟

(۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط / یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو

(۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت / تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم

(۳) میوه عیش بسی چیدم از آن نخل مراد / کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این

(۴) حلقة دام نجات است خم طره دوست / وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

۱۱. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

(۱) اگر سنجی به میزان وفا کوه غم ما را / تو را در پله انصاف، سنگ کم کجا ماند؟ (اغراق، جناس)

(۲) بهار عمر خواه ای دل، وگرنه این چمن هر سال / چون نسرين صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد (ایهام تناسب، استعاره)

(۳) در آن دل از هلاک عشق‌بازان غم کجا ماند؟ / گره در خاطر خورشید از شبنم کجا ماند؟ (واج‌آرایی، استعاره)

(۴) مسلسل چون شود امواج، می‌پاشد ز هم کشتی / به حال خویش دل در زلف خم در خم کجا ماند؟ (اسلوب معادله، ایهام)

۱۲. در کدام بیت، مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه، هر دو، وجود دارد؟

(۱) زنگیان دشمن آینه بی‌زنگارند / طمع روی دل از تیره دلان نیست مرا

(۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظرم / از جهان جز گره دل ثمری نیست مرا

(۳) عرق غیرت پیشانی خورشیدم من / نفس صبح قیامت نکند سرد مرا

(۴) قسمت یوسف بی‌جرم نشد از اخوان / گوشمالی که در این دور هنر داد مرا

۱۳. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

«آرام نیست آبله پایان شوق را / مانع نگردد از حرکت، آب را حباب»

(۱) نهاد، متمم، مضاف‌الیه، نهاد

(۲) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، نهاد

(۳) نهاد، مفعول، مفعول، متمم

(۴) مسند، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه

۱۴. در متن زیر، چند «صفت پیشین و چند ترکیب وصفی» وجود دارد؟

«یک قرن بیش‌تر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلو این کشور نشست است، اما در این

فاصله اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است. آن‌ها کارگاه‌های متعدد صنعتی ساختند.»

(۱) دو - شش (۲) دو - هشت (۳) سه - هفت (۴) سه - هشت



۱۵. در کدام بیت، یک جمله «نهاد + مفعول + فعل» و یک جمله «نهاد + مسند + فعل» یافت می‌شود و فاقد مناد است؟

- ۱) تا مگر صائب شکست خویش را سازی درست / در پی خورشید تابان روز و شب چون ماه باش
- ۲) همیشه فکرت صائب شکار دل می‌کرد / کمند ناله او نیست دل شکار امروز
- ۳) غیر صائب که دمی می‌زند از سوز جگر / اثر از گرمی گفتار نمانده است امروز
- ۴) مرد نیرنگ خزان و نوبهاران نیستی / در بساط خاک صائب غنچه تصویر باش

۱۶. با توجه به رباعی زیر، کدام گزینه غلط است؟

- «در دام غمت دلم زبون افتاده است / در یاب که خسته بی سکون افتاده است  
شاید که پرسی و دلم شاد کنی / چون می‌دانی که بی تو چون افتاده است»
- ۱) جمله پایانی، مفعول جمله پیشین است.
  - ۲) در رباعی فوق «سه ترکیب اضافی» وجود دارد.
  - ۳) زبون و بی سکون، هر دو صفت‌اند و نقش «قیدی» دارند.
  - ۴) جمله «دلم شاد کنی» از «نهاد - مفعول + مسند + فعل» تشکیل شده است.

۱۷. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، متفاوت است؟

- ۱) خلاص بخش خدایا همه اسیران را / مگر کسی که اسیر کمند زیبایی است
- ۲) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده ایم / ریسمان در پای حاجت نیست، دست‌آموز را
- ۳) گفتم ز قیدش یابم رهایی / لیکن چون آهو سر در کمندم
- ۴) اگر چه سنبل زلفت به خون من تشنه است / رهایی دل از آن عنبرین کمند مباد

۱۸. مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) به مستوران مگو اسرار مستی / حدیث جان مگو با نقش دیوار (پرهیز از سخن گفتن)
- ۲) سکندر را نمی‌بخشند آبی / به زور و زر میسر نیست این کار (اثر بخشی عنایت معشوق)
- ۳) سیر خدا که عارف سالک به کس نگفت / در حیرتم که باده فروش از کجا شنید (الهام شدن راز معرفت)
- ۴) ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق / همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید (فنای عاشق)

۱۹. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«رزق هر چند بی گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها»

- ۱) چشم بستن ز تماشای دو عالم سهل است / سعی کن سعی که دل را نگران نگذاری
- ۲) از توکل در حنا مگذار دست سعی را / قفل روزی گر کلیدی دارد ابرام است و بس
- ۳) در این درگاه سعی هیچ کس ضایع نمی‌ماند / به قدر آنچه فرمان می‌بری فرمانروا گردی
- ۴) به اقتضای قضا کار خویش را بگذار / که سعی بیهده پاپوش می‌درد مثل است

۲۰. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو / کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آید»

- ۱) از نگاه گرم روی یار را افروختیم / ما ز خامی عاقبت در آتش خود سوختیم
- ۲) طمع خام نشد از آتش حرمان پخته / گر به دوزخ برویم آرزوی حور کنیم
- ۳) آتش نفسان قیمت میخانه شناسند / افسرده دلان را به خرابات چه کار است
- ۴) گر برآرد عشق دود از خرمن ما گو برآر / چون خلیل از شعله باغ دلگشا دارد سپند





۲۱. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آن چه خواهی، که تویی»
- (۱) ما عبث در سینه دریا نفس را سوختیم / گوهر مقصود در دامان ساحل بوده است
  - (۲) چرا صدف نکند چاک سینه را صائب / در این زمانه که گوهرشناس نایاب است
  - (۳) بی کسی هاست اگر هست کسی در عالم / هست بی جایی گر زیر فلک جای خوشی است
  - (۴) جز خویش را کسی به نظر در نیاورند / خود بین کسی که نیست در این عهد، چشم ماست

۲۲. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

- «چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن»
- (۱) نیاز گر بدرد پیکر مرا از هم / نبینی از پی کاری نیاز پیکارم
  - (۲) بی زر نتوان رفت به زور از دریا / ور زر داری به زور محتاج نه ای
  - (۳) کرده ام غنچه صفت باغ خود از خانه خویش / نیستم با دل صد پاره به گلشن محتاج
  - (۴) بی نیازی سرکشی می آورد، زان لطف حق / بندگان را مبتلا سازد به درد احتیاج

۲۳. کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام»
- (۱) در این جهان دل بی غم نمی شود پیدا / اگر برون دهم از دل غم نهانی خویش
  - (۲) روزگارم تیره و بختم سیاه افتاده است / گُل به چشم روزنم از مهر و ماه افتاده است
  - (۳) ز کمان قدر آن تیر که بگریزد / کُشدت گر چه سرا پای شوی رویین
  - (۴) بی می روشن اگر تیره شد آیینۀ عیش / بس عجب نیست که گیتی همه افسون و دم است

۲۴. کدام بیت با بیت زیر، ارتباط مفهومی دارد؟

- «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق»
- (۱) هر گروهی بگریزند به عالم دینی / عاشقی دین من و بی خبری کیش من است
  - (۲) بر بی خبری زن که چراغ حرم غیب / افروخته از شمع دل بی خبران است
  - (۳) وقتی که شدم با خبر از از سیر دهانش / از هستی خود هیچ خبردار نبودم
  - (۴) تا خبر دارم از او بی خبر از خویشتنم / با وجودش ز من آواز نیاید که منم

۲۵. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «چنان به جاذبه، شوق خلیفه می بردم / که تر نمی شوم پای از شط بغداد»
- (۱) بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط / ز بس که عارف و عامی به رقص بر جستند
  - (۲) جمال کعبه چنان می کشاندم به نشاط / که خارهای مغیلان حریر می آید
  - (۳) در این زمانه چنان پست شد ترانه عشق / که در بهار نخیزد ز بلبان فریاد
  - (۴) کم نشاطی نیست آزادی از این وحشت سرا / زیر شمشیر شهادت رقص بسمل کرده ایم



## پاسخ‌نامه سؤالات کنکور سراسری سال ۱۳۹۹

### رشته ریاضی

۱. **بدسگال:** بداندیش، بدخواه (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم)  
 عنود: ستیزه کار، دشمن و بدخواه (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم)  
 تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت (واژه‌نامه درس دوم فارسی دهم)  
 دلاک: کیسه‌کش حمام، مشت و مال‌دهنده (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
 دوده: دودمان، خاندان، طایفه (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
 خیره: متحیر، سرگشته (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
 برمدیدن: خروشیدن، برخاستن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
 در گزینۀ اول، معنای سه واژه بدسگال، تیمار، خیره / در گزینۀ دوم، معنای چهار واژه عنود، تیمار، دوده، برمدیدن / در گزینۀ سوم، معنای دو واژه تیمار و دوده / در گزینۀ چهارم، معنای سه واژه بدسگال، دلاک و خیره صحیح آمده است.
۲. **گزینۀ ۱:** بَر: خشکی، بیابان (نه خشک) (واژه‌نامه درس هجدهم فارسی یازدهم)، ویله: صدا، آواز، ناله (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)
- گزینۀ ۲:** ایدون: این چنین (واژه‌نامه درس ششم فارسی دوازدهم)، اشباه: جمع شبه؛ ماندها (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دهم)، وظیفه: مقرری، وجه معاش (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)  
**گزینۀ ۳:** پایمردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی یازدهم) ادبار: بدبختی، سیه‌روزی؛ متضاد اقبال (واژه‌نامه ستایش فارسی یازدهم)  
**گزینۀ ۴:** پدارام: آراسته، نیکو، شاد (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)
۳. **ب:** متقاعد: مجاب شده، مجاب، قانع شده (واژه‌نامه درس یازدهم فارسی یازدهم)، تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)  
 ج: حریف: دوست، همدم، همراه (واژه‌نامه درس ششم فارسی دوازدهم)، درهم: درم، مسکوک نقره (واژه‌نامه درس دوم فارسی دوازدهم)
۴. **قالب:** شکل، جسم، ظرف  
 $\Leftarrow$  نه‌آزی غالب است = حرص و طمعی بر من چیره نیست.  
 غالب: چیره، مسلط  
 متاع: کالا، مال  
 $\Leftarrow$  با توجه به همراهی واژه‌های محترم و مکرم، مطاع درست است.  
 مطاع: اطاعت شده، فرمان بده شده
۵. **قریب:** نزدیکی  
 $\Leftarrow$  از وطن به غربت افتاده، صحیح است.  
 غربت: دوری از وطن



ذلت: خواری، پستی

⇐ هرگز روی ذلت نبیند = هرگز خوار نشود.

زلت: خطا، لغزش، گناه

۶. قضا: تقدیر و حکم الهی، قضاوت و حکم کردن

⇐ با توجه به واژه تیغ (شمشیر)، غزا صحیح است.

غزا: جنگ

۷. بیت «الف» از قلمرو فکری درس یازدهم فارسی دهم و بیت «ب» از گنج حکمت درس دوازدهم فارسی

یازدهم است!!!!

این رویکرد طراحان محترم، اصلاح خواهد شد. نگران نباشید.

۸. گزینه ۱: ۱- طبع شاعر به طوطی مانند شده ۲- طوطی طبع شاعر به بلبل مانند شده.

گزینه ۲: ۱- قناعت به خاک مانند شده ۲- تمنا به آب شور مانند شده.

گزینه ۳: ۱- خاک به سنگ سرمه مانند شده («سا» در «سرمه سا» بن مضارع مصدر «ساییدن» است نه

پسوند همانندی.)

گزینه ۴: ۱- مخاطب به موج مانند شده ۲- عقد گوهر به خوشه مانند شده ۳- دریا به خرمن مانند شده است.

۹. جناس میان «خیل و خیال» انتخاب گزینه سوم را ساده تر می کند. این «گوشه» استعاره از چشم

است. «سرای دیده» (خانه چشم) اضافه تشبیهی است.

۱۰. گزینه ۱: بازی زیبایی با زبان شده است؛ شاعر می گوید: با این که این همه ناز و کرشمه از سر و پایت

می ریزد اما چرا روزه روز ناز و کرشمهات بیشتر می شود؟! ← هر چه هست، حسن تعلیل نیست! (اغراق در

نازنین بودن یار)

گزینه ۲: ایهام «آب» را در این بیت در برنامه های تلوزیونی «کاد» هم گوشزد کرده بودم! // «کسی را از در

خویش راندن» کنایه ساده ای است از بی توجهی و بی مهری به کسی.

گزینه ۳: «نرگس شهلا» استعاره آشنایی از چشمان درشت و زیبای یار است و این که چشم آهو از خجالت در

حصار غبار پنهان شده است، تشبیه برتر است و دریافتن آن کار شما عزیزان است و بس! (حصاری: زندانی).

گزینه ۴: منظور از «پرده چشم» لایه های چشم است (قرنیه، عنبیه، مشیمیه، شبکیه و ...) که گریه های

عاشقانه آن را چون پیراهن یوسف از هم خواهد درید اما آمدن «پرده در کنار پیراهن» معنای رایج پرده را نیز

در ذهن تداعی می کند ← ایهام تناسب. (هم چنین یکی از معانی از یادرفته «سودا» سیاه است که با شب

تناسب دارد.) تلمیح بیت آشکار است.

۱۱. (به اشتباه در پاسخ نامه اولیه گزینه «۴» علامت خورده است.)

«سبب زرخدان» اضافه تشبیهی است. «خارزار» استعاره از این دنیا است. بار شکر در آستین داشتن کنایه از

شیرینی است و نسبت دادن شیرینی به ناله نی حس آمیزی است.

«تاب» به معنی «تحمل» آمده است اما در کنار «نگاه»، «گرم» و «سایه» معنی تابش و درخشش نیز از آن به

ذهن خطوط می کند و ایهام تناسب دارد.



۱۲. الف: در این جا فعلی «باشد» گذرا به مسند نیست زیرا معنای «وجود ندارد» می دهد ← ناگذر است.  
 ب: فعل «نباشد» گذرا به مسند است.  
 ج: فعل «است» گذرا به مسند است.  
 د: فعل «به در نرود» ناگذر است؛ یعنی به مفعول، مسند و متمم نیازی ندارد و فقط با نهاد، کامل می شود.  
 ه: فعل «برگذشت» را مانند «رفت» و «آمد» ناگذر به شمار آورید.
۱۳. رابطه واژه ها در گزینه دوم، آشکارا مترادف و هم معنایی است. در سه گزینه دیگر رابطه واژه ها کاملاً یا تقریباً تضمّن است.
۱۴. گزینه ۱: ۱- دوست گش ۲- بیگانه پرور ۳- دیر جوش ۴- زودرنج ۵- سست پیمان ۶- سخت دل ۷- مشکل پسند ۸- آسان گسل  
 گزینه ۲: ۱- آتش بار ۲- یأس آور ۳- امیدسوز ۴- دردافکن ۵- درمان گسل  
 گزینه ۳: ۱- مردم فریب ۲- تقواکش ۳- ایمان گسل  
 گزینه ۴: ۱- گوهربیز ۲- مرجان فروش ۳- خون ریز ۴- شریان گسل  
 پرسش: از میان ۲۰ صفت مرکب بالا، کدامها صفت فاعلی هستند<sup>۱</sup>؟
۱۵. درست خواندن بیتها، شرط پاسخ گویی به این پرسش دستوری است:
- الف) غنیمت دان در این عالم، وصال سبز خطان را / که باغ خُلد، این ریحان جان پرور نمی دارد  
 «سبز خطان» یک واژه است که به عنوان مضاف الیه «وصال» آمده است.
- ب) مگر دیده است «چشم خوش نگاه آن سمن بر» را / زمین خانه بردوشان عمارت بر نمی دارد  
 «خوش نگاه» یک واژه است که در نقش صفت برای «چشم» آمده، «سمن بر» مضاف الیه «چشم» است و «آن» صفت مضاف الیه
- ج) نییچد سر ز زخمِ گاز، شمع ما سیه روزان / گل این باغ، شبنم از لطافت بر نمی دارد  
 «این» صفت مضاف الیه است.
- د) دل خود را به صد امید کردم چاک، از این غافل / که بار شانه، آن زلف مُعْتَبَر (عنبر بو) بر نمی دارد  
 اگر متوجه درنگ میان «شانه» و «آن زلف» نشویم به اشتباه «آن» را صفت مضاف الیه می پنداریم.
- ه) عرق، «رخسار آن خورشید طلعت» بر نمی دارد / که چشم از پشت پا، نرگس ز خجلت بر نمی دارد  
 «رخسار» هسته است و «خورشید طلعت» مضاف الیه. «آن» صفت مضاف الیه است.
۱۶. «کسی را چیزی بودن» الگوی مهمی است که طراح محترم کنکور بسیار به آن توجه دارد. اصطلاحاتی نظیر «را»ی تبدیل فعل یا «را»ی مالکیت، کاملاً غیرعلمی است و باعث رسیدن به پاسخ اشتباه در تست های آزمون سراسری می شود. (پرهیزید از فُتک آموزها و هرز آموزها.)
- با لب لعلت، شراب را مستی نیست = با (با وجود) لعل لب تو، برای شراب مستی وجود ندارد.  
 متمم نهاد

۱. دوست کش، بیگانه پرور، دیرجوش، زودرنج، مشکل پسند، آسان گسل، آتش بار، یأس آور، امیدسوز، دردافکن، درمان گسل، مردم فریب، تقواکش، ایمان گسل، گوهر بیز (غریبالکننده گوهر، گوهر افشان)، مرجان فروش، خون ریز، شریان گسل، همگی صفت فاعلی هستند که «ند» از پایان آن ها حذف شده است.



با قد تو سرو را به جز پستی نیست: با (با وجود) قد تو، برای سرو [چیزی] به جز پستی وجود ندارد.  
 متمم نهاد متمم  
 (حذف شده)

ما را دهن تو نیست می‌پندارد: دهن تو ما را نیست (نابود) می‌پندارد.  
 نهاد مفعول مسند

با آن که به یک ذره در او هستی نیست (استدلالش با فورثان)  
 حرف ربط قید متمم نهاد

۱۷. بیت گزینه سوم به پایداری یاد و سخن عاشقان اشاره دارد.

معنای بیت گزینه ۱: تا زیبارویی و جوانی داشتی در پی گناه کردن بودی، دست کم حالا که پیر شدی و زیبایی و جذابیتت را از دست داده‌ای، کمی کار خیر و ثواب انجام بده.

۱۸. مفهوم بیت گزینه دوم: باید دنیا را خود از نزدیک لمس کرد و تجربه نمود؛ هم‌سو با این سخن آندره ژید است که «برای من خواندن این که شن ساحل‌ها نرم است، بس نیست، می‌خواهم پاهای برهنه‌ام آن را حس کنند. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: دل خوش کردن به نگاه دورادور

۱۹. مفهوم بیت‌های ۱، ۲ و ۴ توصیف بهار است، در حالی که در بیت سوم، بهار استعاره از صورت یار است و سنبل استعاره از موهای پیچ‌درپیچ او.

۲۰. در بیت دوم شاعر بر «باورپذیری» سخن تأکید دارد، برخلاف بیت‌های دیگر که سفارشی هستند بر سنجیده (سخته) سخن گفتن

۲۱. بیت صورت سؤال فنا را مایه وصل می‌داند. بیت‌های دوم و چهارم نیز از مقام وفا سخن می‌گویند اما در بیت دوم دقیقاً مانند بیت صورت سؤال، رسیدن به یار در گروه فانی شدن است.

در بیت نخست، «گر خواهیم دیدن» را باید چگونه خواند؟  
 بله «خواهیم دیدن» یعنی «اگر می‌خواهی مرا ببینی». (می‌گوید اگر قصد دیدن مرا داری دارای زودتر به دیدنم بیا زیرا از دوری تو چیزی به مردنم نمانده است.)

۲۲. مفهوم بیت چهارم: فقط عاشق راز عاشق را می‌فهمد و بس.

مفهوم مشترک سه بیت دیگر: عشق پنهان کردنی نیست.

(پردگی نشود: پنهان نمی‌شود.)

۲۳. شاعر در بیت سوم می‌گوید که راز و نیاز صبحگاهی، کلید گشایش هر قفل بسته‌ای است اما در سه بیت دیگر یاد کردن از پادشاه در دعای سحرگاهی را سفارش می‌کند.

۲۴. معنای بیت نخست: وجود او چنان آشکار است که نیازی به شرح و بیان ندارد.

مفهوم مشترک سه بیت دیگر: زیبایی یار آنچنان عاشقان را خیره می‌کند که دیگر توان توصیف و تصویر او را ندارند (از خود بی خود شدن عاشقان و عارفان)

۲۵. در بیت سوم، شاعر عینکی را که پیران به چشم می‌گذارند، به دو کفه ترازو مانند کرده است، ترازویی که در برابر چشمان است و خبر از حسابرسی روز قیامت می‌دهد (سفیدی موه‌ها در روزگار پیری به صبح مانند شده است.)



در بیت چهارم شاعر فرد خود حساب (پیش خود حساب را) که قبل از وزن کردن کالایش، خودش آن را وزن کرده و کم و کسرش را اصلاح کرده است، رها از شرمندگی روز حساب می‌بیند ← چون در بیت ۳، پیش خود حسابی ویژه زمان پیری دانسته نشده است، بیت چهارم کمی بر آن، اولویت دارد، اما تست، خیلی استاندارد ارزیابی نمی‌شود.

### ■ رشته تجربی

۱. شبهه: مثل، مانند (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دهم)
 

بعینه: عیناً، مانند (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم - توجه: این واژه در کنکور ۱۴۰۰ از کتاب حذف شده است)

بسند: سزاوار، شایسته، کافی، کامل (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)

ویله: صدا، آواز، ناله (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)

فراز آمدن: رسیدن، نزدیک آمدن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)

گبر: نوعی جامه جنگی، خفتان (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی دهم)

در گزینه نخست، سه واژه شبهه، بسند و گبر / در گزینه دوم، سه واژه شبهه، بسند و ویله / در گزینه سوم، دو واژه بعینه و گبر / در گزینه چهارم، چهار واژه شبهه، بسند، فراز آمدن و خفتان صحیح است.
  ۲. استحقاق: سزاواری، شایستگی (نه شایسته) (واژه‌نامه درس هفتم فارسی یازدهم) / نوند: اسب تندرو (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی یازدهم) /
 

برافراختن: برافراشتن، بلند کردن (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی یازدهم) / بر اثر: به دنبال (اثر: رد پا)

(واژه‌نامه درس پانزدهم فارسی یازدهم)
  ۳. جسیم: خوش اندام (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)
  ۴. غیاث: فریادرس (یا غیاث المستغیثین)
- ← قیاس مولانا = مقایسه مولانا
- قیاس: اندازه‌گیری، مقایسه
- غربت: دوری از وطن، تنهایی
- ← قربت حق = نزدیکی به خدا
- قربت: نزدیکی
- زوالجلال: (نداریم!!)
- ذوالجلال: صاحب بزرگی و عظمت
۵. رقبت: (نداریم!)
- ← صدقِ رغبت = خلوصِ اراده (نیت)
- رغبت: میل، اراده، آرزو



۶. **۱۱۲** املای صحیح گروه واژه‌های غلط: التهاب و برافروختگی، انابت (بازگشت) و توبه، انبان دبّاعی (پیراستن پوست حیوانات) شده، باره (دیوار) و حصار، بزم و ضیافت (میهمانی)، بردمیدن و برخاستن (شوریدن، پا شدن)
۷. **۱۱۳** بیت «الف» از قلمرو فکری و بیت «ب» از قلمرو زبانی درس ششم فارسی یازدهم انتخاب شده است.

نگران این سوالات نباشید. بعید است طراح محترم دوباره به تاریخ ادبیات این چنین نگاه کند.

۸. **۱۱۴** طراح محترم به ایهام تناسب واژه «شیرین» در کنار «شکر» توجه نداشته‌اند که پس از نقد من بر این سؤالات، برای جبران در تست ۱۰ آزمون علوم ریاضی سال ۱۴۰۰ این دو واژه ایهام برانگیز در کنار هم مطرح و ایهامشان موضوع سؤال قرار گرفت. بنابراین هر سه گزینه «۱»، «۲» و «۴» درست و تنها گزینه «۳» نادرست است.

گذشتگان بر این باور بودند که:

- ۱- سیاره سهیل باعث به بار نشستن و رسیدن میوه‌ها و محصولات کشاورزی می‌شود (در این جا سیب زرخندان یار گل می‌اندازد و می‌توان آن را بوسید یا گزید!) این سیاره در یمن بهتر به چشم می‌آید به همین دلیل به آن سهیل یمانی نیز می‌گویند و چون در ایران کم‌تر دیده می‌شود به کسی که مدت‌هاست او را ندیده ایم می‌گوییم ...
- ۲- مومیایی گرد یا پمادی بوده است که بر استخوان شکسته می‌نهادند تا جوش بخورد. (خورشید که بزرگ ماه است و او را در هم می‌شکند و خرد می‌کند خودش نیز او را مرهم می‌نهد و به ماه کامل تبدیل می‌نماید).
- ۳- تابیدن ماه بر پارچه‌های کتانی موجب فرسودگی و پارگی آن‌ها می‌شود! (این یکی ربطی به این پرسش نداشت اما شاید بعدها به کارتان بیاید.)

۹. **۱۱۵** (دیگر جایی برای زشت و زیبا کردن آرایه‌های ارجمند ادبیات پارسی نیست. هر چهار آرایه نیازمند سواد ادبی است که ره‌توشه خوانندگان این کتاب و شما عزیزان در سر جلسه کنکور است. زمان بازی با سرنوشت داوطلبان کنکور با تکنیک‌های دروغین و ساختگی به سر آمده است. یافتن راهی جز دریافتن نداشته و ندارد!)
- «باز» ایهام تناسب زیبا و آشنایی دارد. ایهام «نگران» برای شما آشکار است.
- تشبیه درون واژه «کمان ابرو» دیده می‌شود. «شاهین» استعاره از دلدار است و کبوتر استعاره از دل عاشق که به سادگی شکار باز و شاهین می‌شود.

۱۰. **۱۱۶** یادتان که هست؟ «شکر خنده» هم تشبیه است هم حس آمیزی. «روز تیره» متناقض نما و کنایه است. خندیدن صبح، تشخیص و استعاره مکنیه است.

۱۱. **۱۱۷** گزینه ۱: اسلوب معادله داریم اما ایهام نه (با «مرجان» در آرایه استعاره آشنا شدید!)

گزینه ۲: «پهلوی زدن» کنایه از برابری کردن است (اصلاً «برابر» یعنی بر به بر، پهلوی به پهلوی!) // «سواد» در معنی «رونوشت از اصل» آمده است، اما معنی دیگر آن (سیاه) به دلیل حضور «زلف» در بیت به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب



(راستی در مصراع نخست ایهام و تلمیح داریم. اگر توضیحی برای این دو آرایه در این مصراع دارید به کانال تلگرامی «خانه دانش و ادب دکتر هامون سبطی» به نشانی @drsebti بفرستید و جایزه بگیرید!)  
**گزینه ۳:** عزیز ایهام دارد: ۱- عزیز مصر (یکی از منصب‌های حکومتی در مصر باستان) ۲- عزیز و گرامی // «کاروان» استعاره از شعر و سخن شاعر است<sup>۱</sup> و «یوسف» استعاره از سخنان و بیت‌های شگفتی‌آفرین و زیبا  
**گزینه ۴:** «تخم طمع» اضافه تشبیهی است و «قدح» مجاز است از می و باده.

**معنای بیت:** طمعکاری کار آدمی را به گدایی می‌کشاند و گدایی مایه شرمساری و زرد رویی است اما گدایی می‌که باعث سرمستی و نشاط می‌شود و چهره مستان سرخ و پر خون است نه زرد و رنگ باخته. سرخی چهره مستان تا به آن جاست که مشمول زکات می‌شود و گل و گل‌زار سرخی خود را از سرخی روی مستان به زکات گرفته‌اند!

۱۲. پی مهر تو را گیرد، پی خویش را نگیرد.

[تورا] دوست دارد آن که [تو] دوستش داری

(این پرسش نیز قابل نقد است اما پاسخش آشکار است.)

۱۳. **گزینه ۱:** قوت (روزی) جان حافظ، در خنده زیر لبش است: «حافظ» و «ش» مضافیه مضاف‌الیه هستند.

**گزینه ۲:** «او» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. ۲- «بلند» صفت مضاف‌الیه است. ۳ و ۴- «مرکب» و «ش» مضاف‌الیه مضاف‌الیه هستند (تاج خورشید بلند، خاک نعل مرکبش است.)

**گزینه ۳:** ۱- «دلگشا» صفت مضاف‌الیه است. ۲- «تو» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. ۳- «من» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است (گشاد کار من: گشایش کار من)

**گزینه ۴:** ۱- «زلف» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. ۲- «خم اندر خم» صفت مضاف‌الیه است. ۳- «جانان» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.

۱۴. «دپ» یا «دپو» (لوح‌های گلی سومریان) و «دپستان» زمان کورش بزرگ و «دپر ← دبر ← دبیر» که معنای نویسنده می‌داد (نه آموزگار متوسطه دوم) داستانی زیبا بود که من سال‌ها در کلاس‌های حضوری و مجازی‌ام برای فرزندان ایران تعریف می‌کردم و خواهم کرد.

۱۵. **آری، من کسی را غیر تو یار نمی‌گیرم / همت آن است که الا (به جز) تو، یاری نگیرد.**

قید تصدیق مفعول متمم مسند / متمم مفعول

۱۶. روشن است که «گل» در هر سه مصراع نقش «نهاد» دارد و چون در پایان مصراع‌های ۱، ۲ و ۴ آمده پس این سه مصراع به شیوه بلاغی سروده شده است. // «باغ جمال» اضافه تشبیهی است. // ترکیب‌های وصفی عبارتند: ۱- این راه ۲- راه پر از خار ۳- این همه خارها ۴- این زودی

۱۷. در سه بیت دیگر، شاعر شور و عشق خود را برتر از هر پدیده و اتفاقی در این جهان (و حتی آن جهان) توصیف می‌کند، اما در بیت چهارم، از بخشندگی و این که پریشان کردن آنچه اندوخته است مایه ادامه حیاتش است، سخن می‌گوید. («م» در «خرمن ماهم» فعل مخفف است.)

۱. این استعاره، یادآوری این بیت زیبا از «فرخی سیستانی» شاعر توانای قرن ۵ (ه. ق) ایران است:

با کاروان حله برفتم ز سیستان / با حله‌ای تنیده ز دل بافته ز جان





۱۸. با توجه به درس «قاضی بُست» این عبارت مربوط است به پذیرفتن هدیه مسعود غزنوی به دلیل شک داشتن در حلال بودن آن؛ بنابراین هیچ یک از گزینه‌ها با مفهوم مورد نظر هم‌راستا نیست، فقط گزینه سوم که از بی‌ارزشی متاع دنیا در چشم آزادگان و بزرگ‌مردان سخن می‌گوید به آن اندکی نزدیک است، گرچه گزینه ۲ هم می‌تواند یادآور عذاب آخرت باشد و بی‌ربط نیست.

۱۹. مفهوم بیت دوم (نصیحت‌ناپذیری عاشق) و همچنین خود این بیت، برای شما کاملاً آشنا است. (در بیت نخست، «م» در «لشکریم» باید در پایان «دل» بیاید: یک سپاهی دلبری کرد و دل مرا به یغما برد، مگر مهربانی شاه و فرمانده سپاه همراهم شود و او را به من برساند!)

۲۰. «پیش خود حساب بودن» و «پیش از فرارسیدن روز جزا، اعمال خود را داوری کردن» مضمون مشترک بیت نخست و عبارت صورت سؤال است. البته در صورت نبود این گزینه، گزینه ۴ هم مربوط است. معنای بیت نخست: هر کسی که در این دنیا عیار و خلوص داشته‌های خود را بسنجد، دلیرانه می‌تواند آن را در محکمه الهی ارائه دهد.

۲۱. بیت صورت سؤال از مسیری دایره‌وار سخن می‌گوید که خواهی نخواهی، رونده این راه به ابتدای مسیر باز خواهد گشت؛ در بیت چهارم هم رجوع به اصل مطرح است.

بیت گزینه ۱: انسان نباید از اصل و ریشه خود بی‌خبر شود، شیشه لبریز از شراب، همیشه نگاهی به اصلش که سنگ باشد، دارد و از آن غافل نیست. (شیشه از سنگ کربنات کلسیم به دست می‌آید).  
بیت گزینه ۲: فرع‌ها همیشه وابسته اصل خود هستند و جلوه‌ای از اصل هستند.  
بیت گزینه ۳: در این جا اصل است که جویای فرع است.

۲۲. بیت گزینه ۲ از سختی دوری از یار سخن می‌گوید، مضمون مشترک چهار بیت دیگر «دل‌کندن از مادیات و زندگی دنیایی» است.

۲۳. انتظار این است که از سرچشمه، آبی زلال جاری باشد و گل‌آلود شدن آب در ادامه مسیرش رخ دهد؛ اما در این بیت، آب از همان سرچشمه گل‌آلود است، همچنان که در بیت صورت سؤال، دشمن گله نه‌گرگ‌ها که خود صاحب گله است.

۲۴. «زودگذر بودن امور دنیا» مفهوم رایج بیت صورت سؤال است.

بیت گزینه ۱: نهال گل تا خواست قدی راست کند و زیبایی خود را به رخ بکشد، تابوت غنچه و گل خود شد (به خار تبدیل شد) زیرا پاییز از راه رسید (نخل ماتم: تابوت آراسته که در سوگ امام حسین بر دوش می‌کشند)  
بیت گزینه ۲: «برگ گل لعل» در جشن بهار، شاهدهی زیبارو بود تا یار زیباروی من پا در میانه نهاد و آبروی گل و گلستان را برد (یار من از گل و گلستان زیباتر است).

بیت گزینه ۳: گرده‌های گل به مشت ز (خرده طلا) مانند شده که دارایی گل است و حاصل سخت گرفتن گل بر خود در دوره جوانی (غنچگی) است! (در جوانی به فکر پیری بودن)

بیت گزینه ۴: بلبل می‌نالد و گل بر دردش می‌خندد، عجیب نیست که بلبل دیوانه و سودایی می‌شود و شب‌ها نیز خواب و آرام ندارد.



۲۵. «تنگ کردن میدان» کنایه است. شاعر می‌گوید دیوانگان با همه کس و همه چیز سخن می‌گویند اما عقل، عاقلان را وامی‌دارد که به جا و سنجیده سخن بگویند و هرزه‌درایی نکنند. «لب به جا واکردن» نیز در بیت گزینه دوم کنایه از سنجیده سخن گفتن است.  
(صدف به موقع دهان باز می‌کند و قطره‌ای از باران بهاری را در دل می‌گیرد و این قطره به مرواریدی درخشان و شاهانه بدل می‌شود.)

### ■ رشته انسانی

۱. عرش: تخت پادشاه، سریر، خیمه، سایبان (واژه‌نامه درس نهم فارسی دهم - توجه: این واژه از کنکور ۱۴۰۰ از کتاب حذف شده است)

رعب: ترس، دلهره، هراس (واژه‌نامه درس دهم فارسی دهم)  
ملاک: اصل هر چیز، معیار، ابزار سنجش (واژه‌نامه درس یازدهم فارسی دهم)

گاهی طراح معانی را می‌دهد و واژه را می‌خواهد.

۲. شایق: آرزومند، مشتاق (واژه‌نامه درس پنجم فارسی یازدهم)  
۳. ارتفاع: محصول زمین‌های زراعتی (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی دوازدهم)  
محظور: مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دوازدهم)  
هویدا: روشن، آشکار (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دوازدهم)  
واترقدین: تنزل کردن، پس‌روی کردن (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دوازدهم)  
کربت: غم، اندوه  
حریف: دوست، همدم، همراه (واژه‌نامه درس ششم فارسی دوازدهم)  
در گزینه نخست، معنای واژه محظور و هویدا / در گزینه دوم، معنای واژه هویدا و کربت / در گزینه سوم، معنای چهار واژه محظور، هویدا، واترقدین و حریف / در گزینه چهارم، معنای سه واژه محظور، کربت و حریف صحیح است.

۴. ج) صواب: درست، پسندیده، مصلحت  
⇐ با توجه به دو واژه صراط (اشاره به پلی است میان بهشت و جهنم) و ترازو (مجاز از محاسبه اعمال در آخرت) ثواب صحیح است  
ثواب: اجر و پاداش اخروی، مزد کار نیک  
د) امارت: حکمرانی، فرمانروایی  
⇐ با توجه به زراعت، عمارت صحیح است.  
عمارت: آباد کردن، آبادانی

۵. املائی صحیح زوج‌واژه‌های غلط: شیر و آغوز، مضع و جویدن، انبان و مشک، مسحور و مفتون، محوطه و صحن، راحت و مرفه، لثیمی و فرومایگی، سیاره زحل و مریخ



۶. **۱۱۷** قلبات: چنین واژه‌ای نداریم!

غلبات: جمع غلبه است به معنای چیرگی و کثرت

رقبات: جمع رقبه است به معنای گردن

⇐ رغبات ذوق: میل به آزمودن چیزی

رغبات: جمع رغبه است به معنای خواستن و میل

۷. **۱۱۸** منبع ابیات: قلمرو زبانی درس چهاردهم فارسی ۳ !!!

۸. **۱۳۳** بیت الف: «راست» را می‌توان دو گونه معنا کرد: ۱- دقیقاً (در معنی قیدی) ۲- مناسب و دقیق (در معنی

صفتی)؛ پس مصراع دوم به دو شکل معنا می‌شود: ۱- دقیقاً لباس حسن تو را بر قامت هر یک از آن‌ها دیدم

۲- لباس حسن تو بر قامت هر یک از آن‌ها مناسب و به اندازه بود.

بیت ب: علت برخاستن شر و آشوب در جهان، کرشمه و عشوه بار است ← حسن تعلیل کم‌رنگی شکل

گرفته است.

بیت ج: «نگاه و نظر» به «پیک» مانند شده است. («دواسبه» کنایه است.)

بیت د: «عالم» و «جهان» مجاز از مردمان عالم هستند.

۹. **۱۳۴** **گزینه ۱: «بالا»** ایهام دارد: ۱- بالنده و رشدکننده (صفت فاعلی) ۲- قد و قامت (اسم) // «راستی را» ایهام

دارد: ۱- به راستی، واقعاً ۲- به خاطر راست قامت // بنده شمشاد بالا بودن، تشخیص و استعاره مکنیه

است، زیرا «قدوبالا» انسان فرض شده و بنده دارد. (قبلاً توضیحاتش را در این کتاب، گفتم و آموختید.)

**گزینه ۲: «خون»** مجاز آشنایی است از کشتن (البته آشنا برای شما!).

«میان بستن» هم کنایه رایجی است. (این یکی برای همه!)

**گزینه ۳: ایهام «مهر رخسار»** برای شما نیاز به توضیح دوباره ندارد. تشبیه بیت هم آشکار است.

**گزینه ۴: میان «ختا - خطا»** جناس ناهمسان برقرار است اما حسن تعلیل در کار نیست زیرا رنجیدن دلیل

واقعی چین افتادن بر ابروهاست<sup>۱</sup>.

۱۰. **۱۱۹** **مهر روی او:** ۱- عشق به چهره او ۲- خورشید چهره او (اضافه تشبیهی)<sup>۲</sup> // **به مهرش:** ۱- سوگند به عشق

او ۲- در عشق او // علاوه بر این اضافه تشبیهی، سلمان ساوجی خود را به صبح صادق مانند کرده است.

// «مهر» در مصراع دوم تنها در معنی «عشق» آمده است اما به دلیل حضور «صبح» معنای خورشید نیز از آن

به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب // «آفاق» مجاز است از تمام جهان که برای شما مجاز آشنایی بود.

**!** آمدن «از آن» در یک بیت دلیلی بر آفریده شدن حسن تعلیل در آن بیت نیست!! (شرم بر هرزآموزانی که در تولید شبه‌علم و نکته‌های دروغین و بی‌پایه در تاریخ تمدن بشر جداً یکتا و بی‌همتایند! و باعث می‌شوند هر سال برای مقابله با این پدیده شوم، تست‌های آزمون سراسری سخت و نکته‌دارتر شود.)

۱. هرزآموزی به شاگردان معصوم خود می‌گفت: هر بیت که در آن «از آن» آمده باشد، حسن تعلیل دارد!! و این هم مثال نقض در کنکور سراسری ۱۳۹۹ برای این گفته‌های

بی‌پایه، در تست بعدی هم این چنین است.

۲. طراح بزرگوار دید از توضیح ایهام در ترکیب «مهر رخسار» طفره رقیم: دوباره همان ترکیب و همان ایهام را در تست بعدی سؤال داد تا من ناچار شوم به توضیح دادنش! (به

این می‌گویند حسن تعلیل)



۱۱. ﴿۴۰﴾ جناس‌ها: ۱- می‌ساختم - می‌سوختم ۲- عود - بود ۳- سوز - ساز  
ایهام تناسب‌ها: ۱- عود: آ - چوب خوشبوی عود (ب - ساز «عود» که با «بربط» تناسب و ترادف دارد).  
۲- آ - «ساز» در «سوز و ساز» به معنی ساختن و مدارا کردن آمده است (ب - معنی ساز موسیقی هم به دلیل حضور  
«ساختن» در معنی نواختن و «بربط» یا همان عود، به ذهن خطور می‌کند.)

۱۲. ﴿۴۱﴾ گزینه ۱: «کنار آمدن» فعلی مرکب است و همیشه حرف اضافه «با» آن را همراهی می‌کند (کنار آمدن با)،  
یعنی «متمم» همراه همیشگی این فعل است و جمله‌ای با این الگو می‌سازد: نهاد + متمم + فعل  
گزینه ۲: «احساس کردن» در این عبارت فعل مرکب است که همیشه با مفعول به کار می‌رود (چیزی را  
احساس کردن)؛ یعنی مفعول همیشه همراه آن است و جمله‌ای با این الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + فعل  
پرسش: از میان مصدرهای «طی کردن، پی بردن، دست کشیدن، دست زدن، پانهادن، سرکشیدن، دل  
دادن، جنگیدن، گنجیدن، آفریدن، باریدن» کدام‌ها گذرا به مفعول و کدام‌ها گذرا به متمم هستند؟  
پاسخ: گذرا به مفعول‌ها: طی کردن، از سر گرفتن، آفریدن  
گذرا به متمم‌ها: پی بردن (به)، دست کشیدن (از)، دست زدن (به)، پانهادن (بر)، دل دادن (به)، جنگیدن  
(با)، گنجیدن (در)،  
(«باریدن» ناگذر است؛ یعنی فقط به نهاد نیاز همیشگی دارد.)

گزینه ۴: «ترتیب دادن» فعل مرکب است و فقط به مفعول و نهاد نیاز همیشگی دارد؛ پس جمله‌هایی با این  
الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + فعل  
گزینه ۵: «می‌کرد» در این جا معنای «می‌گرداند» می‌دهد، پس جمله‌ای با این الگو می‌سازد: نهاد +  
مفعول + مسند + فعل

۱۳. ﴿۴۲﴾ گزینه ۱: ۱- شعر حافظ ۲- زمان آدم ۳- باغ خُلد ۴- دفتر نسرین ۵- دفتر گل ۶- زینت اوراق // گزینه ۲: ۱- دم صبح  
۲- صبح ازل ۳- آخرِ شام ۴- شام ابد // گزینه ۳: ۱- رشتهٔ تسبیح ۲- دستم ۳- ساعد ساقی // گزینه ۴: ۱-  
حُسن مه‌رویان ۲- مه‌رویانِ مجلس ۳- بحث ما ۴- لطف طبع ۵- خوبی اخلاق

۱۴. ﴿۴۳﴾ باز هم «مهارت در خوانش درست بیت‌ها» کلید پاسخ‌گویی به این پرسش بود.  
الف: به چشم اشک‌بار من، چه خواهد کرد حیرانم / که آتش را به چشم، آن روی تابان آب گرداند  
← آن روی تابان، آتش را، در چشم، آب می‌گرداند ← وابسته وابسته در کار نیست.  
ب: مجوی عیش خوش از دور بازگون سپهر / که صافِ این سرِ حُم، جمله دُرّدی آمیز است  
← «صاف» به جای شراب صاف به کار رفته و هستهٔ گروه اسمی است ← «این» صفت مضاف‌الیه است و  
«حُم» مضاف‌الیه مضاف‌الیه.

ج: فقط «می» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.

د: خط به گرد لب جان بخش تو می‌دانی چیست؟ / ظلماتی که از آن، چشمهٔ حیوان سر زد  
«گرد» اسم و هستهٔ گروه اسمی است. «جان بخش» صفت مضاف‌الیه است و «تو» مضاف‌الیه مضاف‌الیه



۱۵. خوانش درست و مهارت در مرتب‌سازی بیت، کلید پاسخ گفتن به این پرسش بود.

هرکس عمر خود را صرف شادمانی کرده است، مانند گل حاصلش از زندگی، گریه تلخ است.  
 نهاد مفعول نهاد مفعول مسند

(منظور از گریه تلخ، گلایی است که از گل‌ها می‌گیرند!)

۱۶. «ساختن» در معنی پدید آوردن و تولید کردن همیشه با مفعول همراه است نه متمم و جمله‌های با این

الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + فعل<sup>۱</sup>

علاج واقعه را پیش از وقوع باید کرد (یک جمله ساده مستقل)  
 مفعول قید فعل

چو (وقتی که) کار از دست رفت، دریغ سودی ندارد (یک جمله مرکب مستقل)  
 فعل

به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز (این متمم، همیشگی نیست) وگرنه چو سیل بگرفت، سد را نشاید بست  
 متمم مفعول حرف ربط مفعول فعل

(یک جمله مرکب مستقل)

۱۷. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: با افزایش سن، حرص به این دنیا و آرزوهای دنیوی بیشتر می‌شود.

معنای بیت نخست، به هنگام پیری با خم شدن قامت باید به پختگی رسید و از هر دو عالم دل کند، اما اگر حرص در وجود انسان رخنه کرده باشد، قامت خمیده دوران پیری، گوشه‌ای امن می‌شود برای پناه گرفتن آرزوهای دور و دراز.

۱۸. مفهوم «مقام رضا» برای شما آشناست.

معنای بیت گزینه نخست: این یار زیبارو راضی نیست که کسی چهره زیبایش را ببیند و هر که دید، بدون شک دچار رنج بی‌قراری و حرمان شد.

معنای بیت گزینه دوم: دُرد و تهمانده شراب کارخانه قسمت و روزی، در کام من مانند می‌زالل روی خم است.

۱۹. بیت گزینه نخست: تنها روزی‌ای که نیاز به جست‌وجو ندارد، غم است!

بیت گزینه دوم: تنها چیزی که از سخنان آتشین نصیبمان شده است، پشیمانی و جویدن نوک انگشت است!

بیت گزینه سوم: ماه در هر ۲۸ روز دقیقاً همان قدر که جمع می‌کند، خرج می‌کند! بنابراین همیشه برقرار است.

بیت گزینه چهارم: در این جا توکل به خدا رفیق شفیق شاعر است و مطمئن است که بدون کوشش، خدا روزی اش را به در خانه‌اش می‌رساند.

۲۰. مقام «فنا فی الله» در هر دو بیت آشکارا مطرح است. (در بیت گزینه نخست، شاعر حاضر است برای دیدن

یارش، از جانش بگذرد که با مفهوم مقام فناء فی الله یکسان نیست.)

۲۱. در سه بیت دیگر، بنفشه، گل سرخ یا هر گیاهی از خاک عاشق به نشانه عاشقی او سر بر می‌آورد.

۲۲. در هر دو بیت، هر سختی برای بودن در کنار یار، تحمل‌پذیر تصویر شده است.

۲۳. رنگ شراب خود را زندانی ظرف شراب (مینا، بطری شراب) نمی‌کند ← باید آزادانه در گیتی سیر کرد و

قید و بندها را از دست و پای اندیشه و زندگی گشود.

۱. روشن است که اگر «ساختن» معنی «مدارا کردن» بدهد، جمله‌هایی با الگوی «نهاد + متمم + فعل» می‌سازد؛ نمونه: با هیچ‌کس نمی‌سازد.



۲۴. در هر دو بیت، شاعر می‌گوید که فقط مرگ می‌تواند مرا از خوشبختی بودن در کنار یار، جدا کند.
۲۵. بیت گزینه نخست: بر کمی زن = بر کمی و قناعت چنگ بز: به حداقل‌ها بسنده کن  
بیت گزینه دوم: چه = چرا (طبیعت و روزگار در خدمت توست، چرا پریشان‌روزی ات هستی؟)  
بیت گزینه سوم: هم‌زور = حریف (بیت اغراق دارد؛ مانند «نبدد مرا دست چرخ بلند»)  
بیت گزینه چهارم: می‌گوید رزق و روزی نیازی به جست‌وجود ندارد؛ حرص نزن!

### ■ رشته هنر

۱. خنیده: مشهور، معروف، نامدار؛ خنیده نام‌تر گشتن: مشهورتر شدن، پرآوازه‌تر گردیدن (واژه‌نامه درس ششم، فارسی یازدهم)  
طین: گل، خاک نمناک (متن درس هفتم فارسی یازدهم)  
برگداشتن: برگردانیدن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم (واژه‌نامه درس نهم فارسی دوازدهم)
۲. مُکاری: کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند. (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
مرمت: اصلاح و رسیدگی (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
مخمصه: بدبختی و غم بزرگ، تنگنا، این واژه به معنی «گرفتاری» متداول شده است. (واژه‌نامه درس پنجم فارسی دهم)  
مگسل: جدا مشو، رها مکن (واژه‌نامه درس یازدهم فارسی دهم)  
منال: مال و ثروت، درآمد مستغلات (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم - توجه: این واژه از کنکور ۱۴۰۰ از کتاب حذف شده است)
۳. رد سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۲: دها: زیرکی، هوشمندی (نه زیرک!)  
گزینه ۳: ثقت: اطمینان، خاطر جمعی (نه مطمئن!)  
گزینه ۴: خبث: پلیدی (نه پلید!)

در سوالات لغت به تفاوت اسم‌ها و صفت‌ها توجه کنید.

۴. ۱- محذور: مانع و گرفتاری و مشکل  
۲- محذور: حاضر شده  
۵. اhtمال: ! (در فارسی وجود ندارد)  
احتمال: گمان، حدس  
ذلال: جمع ذلیل در عربی  
زالل: صاف و گوارا



ظلال: سایه‌ها

⇐ شرابِ زلال صحیح است.

ظلال: گمراهی

۶. قالب: شکل، حجم، ظرف

⇐ غالبِ ظن: حدس فراوان (بیش‌تر گمان)

غالب: افزون، فراوان، بسیار، بیش‌تر اوقات ⇐ غالبِ ظن = حدس فراوان (بیش‌تر گمان)

۷. این تست به هیچ شکلی توجیه آموزشی ندارد.

۸. بیت الف: دلیل گذر سریع عمر آن است که شبیه باد شود تا انسان بتواند آن چه را در زندگی دروده است بوجاری کند (گاه را از دانه‌ها جدا کند). ← برای گذر سریع و بادگونه عمر، دلیلی تخیلی آورده است ← حسن تعلیل

بیت ب: در بی‌قراری، آرام و قرار خود را دیدن، متناقض‌نما است.

بیت ج: نسبت دادن چشم پاک به شب‌نم، تشخیص و استعارهٔ مکنیه است.

بیت د: صبح و شام (شب) متضاد هستند و «نقد و نسیه» نیز.

بیت ه: اسیر خاک بودن کنایه از مردن و کشته شدن است.

۹. گزینهٔ ۱: مجازی دیده نمی‌شود. («سروقد» دارای تشبیه است. «سروقدان» در درخشش چهره از «ماه» و

«خورشید» برتر پنداشته شده‌اند ← تشبیه برتر)

گزینهٔ ۲: ۱- «سر» مجاز از قصد و تمایل است.

گزینهٔ ۳: ۱- «سر» مجاز از ذهن است. ۲- «خاک» مجاز از زمین و دنیای مادی است. ۳- «کاسه» استعاره

از وجود انسان هاست. ۴- صهبا (باده) استعاره از خودپسندی و کبر است. (هر استعارهٔ مصرحه، نوعی

مجاز است.)

گزینهٔ ۴: «دم زدن» کنایه از سخن گفتن است. «گرفتن نفس در دهان» کنایه از ناتوانی در سخن گفتن است.

واقعاً گل به «رنگ» و «بو» یش شهره است، پس مجاز نداشتن «رنگ» و «بو» زیباتر و سنجیده‌تر است تا

مجاز گرفتن آن.

۱۰. دانستن معنای گوناگون «آهو» کلید پاسخ گفتن به این پرسش بود.

«آهو» در مصراع نخست به معنی «کارهای ناپسند و عیبناک» آمده است و در مصراع دوم نیز معنای «عیب»

از آن برمی‌آید، اما به دلیل آمدن واژه‌هایی نظیر «بند، تازی، سگ و صحرا» معنای رایج آن (غزال، آهوی

صحرا) نیز به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب.

«تازی» در این جا فعلی است از مصدر «تاختن» اما به دلیل وجود واژه‌هایی مانند .....، ..... و

..... معنای سگِ تازی (شکاری) نیز به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب.

«تاختن نفس» استعارهٔ مکنیه است، زیرا «نفس» همچون اسبی پنداشته شده است و راندن و سواری گرفتن

از ویژگی‌های اسب و چارپا است.

«بند حرص» اضافهٔ تشبیهی است. تضاد میان «حرص و قناعت» دیده می‌شود.

(تست دشواری بود و پاسخ گفتن به آن تنها از عهدهٔ دانایان ادبیات و خوانندگان این کتاب، یعنی شما

عزیزان! برمی‌آمد.)



۱۱. **گزینه ۱:** جناس تام «سودا» برای شما آشکار است. «فردا» را مجاز از قیامت می‌دانند.
- گزینه ۲:** مجاز «چمن» برای شما آشکار است اما ایهامی در کار نیست.
- گزینه ۳:** یادتان هست که **ناهِید** خانم ما (زهرهٔ اعراب) نماد شادی و عشق و نوازندگی بود و هست ← نوای شاعر، ناهید را چنان مجذوب می‌کند که از آسمان بر زمین می‌آید تا ببیند کیست که این چنین زیبا می‌خواند ← اغراق در بلندی یا زیبایی آواز و فغان و تشخیص (استعارهٔ مکنیه) برای ناهید.
- گزینه ۴:** بینش به سرمه (درواقع توتیا) مانند شده است که باعث بینایی چشم می‌شود. تکرار مصوت «ا» و صامت «ب» و ... واج‌آرایی پدید آورده است.
۱۲. **آشکار** است که فعل‌های «گشت»، «شد»، «است»، «گردد»، «است»، «باشد»، «شد» و «بود» در گزینه‌های ۱ تا ۳ گذرا به مسند هستند. در بیت چهارم می‌توان «نیست» را «**وجود ندارد**» معنا کرد و «همنشین» و «هم‌نفس» را نهاد در نظر گرفت.

۱۳. **ایراد کوچکی** در نمودار گزینهٔ نخست هم دیده می‌شود اما نمودار گزینهٔ سوم کاملاً اشتباه است.

۴	۳	۲	۱	۰
مشتاق	دیدار	سیمرغ	کوه	قاف

۱۴. **خاموش [باش]** که در پستی مردن، به (بِهتر) [است] که (از) بردن حاجت پیش کسی مسند متمم نهاد مسند
- بین گزینه‌ها، تنها، گزینهٔ سوم به پاسخ درست این پرسش دشوار، نزدیک است.
۱۵. **اگر گرد کسی بسیار گردی (بچرخ)** اگر چه بسی عزیز (هستی) خوار گردی (می‌شوی)
- «گشتن» در معنی «چرخیدن» **ناگذر** است و فقط نهاد جزء همیشگی‌اش است ← نهاد «تو» است که حذف شده ← سایر اجزای جمله یا قید هستند یا متمم‌های اختیاری که مانند قید عمل می‌کنند ← «گرد کسی» و «بسیار» با حرف اضافه همراه نیستند، پس قید به شمار می‌آیند.
- «اگر چه» **حرف ربط وابسته‌ساز** است نه قید. «عزیز» مسند جملهٔ دوم است و «تو» نهاد آن ← «بسی» قید است. «خوار» در جملهٔ سوم مسند است.

روش تشخیص «قید» حذف کردن آن از جمله نیست.)

۱۶. **گزینه ۳:** نادرست است و «گشاده» صفتِ «آن» نیست.
۱۷. هر دو بیت برای شما، بیت‌های آشنایی هستند و مفهوم «متکی بودن به خود در زندگی» در هر دو دیده می‌شود.
۱۸. مفهوم بیت چهارم: سفارش به خاموشی (سخن گفتن مانند باد سردی است و بهار زندگی را خزان می‌کند). مفهوم مشترک سه بیت دیگر: وارستگی و بریدن از تعلقات دنیایی
- (ساده کردن: پاک کردن، ستردن، تراشیدن)
۱۹. **شاعر می‌گوید** که این تُلّ خاک که در چشمت بی‌ارج می‌نماید، بازماندهٔ سرو چشم و گوش آدمیانی است همچون خود؛ یادآور این بیت زیبای خیّام است که: «گرد از رخ نازنین به آرم فشان / کان هم رخ خوب نازنینی بوده است»





۲۰. هر سه بیت، به این مفهوم اشاره دارند که برای رسیدن به اوج، باید سختی‌های بسیاری را تاب آورد. از زهر سبز شد قلم استخوان ما: استخوان خود را به قلم و نهالی مانند کرده است که پایش به جای آب، زهر ریختند اما با این حال سبز شده و به بار نشست است!
۲۱. تست کمی غیراستاندارد است. در بیت‌های ۱ و ۴، آشکارا بلندهمّتی ستایش می‌شود. بیت دوم سفارش به سفر است و بیت سوم توصیه به مناعت طبع و دلگیر نبودن از تنگ عیشی؛ البته بین این دو، بیت سوم به مفهوم موردنظر طراح نزدیک است و انتخاب گزینه ۲ تا حدّی ممکن است اما نه صددرصد. (مشکل از شما نیست از تست است!)
۲۲. تستی زیبا، استاندارد و البته ساده!
- معنای بیت نخست: کار کسی را بی ارزش ندان و در برآوردن نیازش سستی نکن، زیرا امکان دارد (می‌افتد که، اتفاق می‌افتد که) روزی فرارسد که تو برای برآوردن نیازت، به پایش بیفتی.
۲۳. پرسشی نو و ارزشمند است، بر پایه این مفهوم رایج که «مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد» معنای بیت نخست: او خاک و خاشاک را صاحب درک و دریافت می‌داند.
۲۴. مفهوم این بیت، ماندگاری عشق، حتی در دوران سالخوردگی است، در حالی که مفهوم مشترک سه بیت دیگر، تقابل عشق با عقل و زهد است.
۲۵. مفهوم بیت دوم: همه اجزای طبیعت، جلوه‌گاه زیبایی‌ها و قدرت خداوند هستند. معنای بیت نخست: اگر به قضای الهی راضی و خرسند باشیم، تا چشم کار می‌کند در دنیا چیزی جز ناز و نعمت نمی‌بینیم (مقام رضا)

## رشته زبان

۱. تازی: عرب؛ زبان تازی: زبان عربی (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
اسوه: پیشوا، سرمشق، نمونه پیروی (واژه‌نامه درس دهم فارسی دهم)  
نثار: پیشکش کردن، افشاندن (واژه‌نامه درس هجدهم فارسی دهم)  
فراز آمدن: رسیدن، نزدیک آمدن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)
۲. وبال: سختی و عذاب، گناه (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
وزر: بار سنگین، گناه: (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
صباح: زیبایی، جمال (واژه‌نامه درس نهم فارسی یازدهم)  
فرود سرای: اندرونی: اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمت‌گزاران (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
محجوب: پنهان، مستور، پوشیده (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
خنیده: مشهور، معروف، نامدار (واژه‌نامه درس ششم فارسی یازدهم)  
در گزینه نخست، معنای سه واژه وبال، صباح و محجوب / در گزینه دوم، معنای چهار واژه وزر، فرودسرای، محجوب و خنیده / در گزینه سوم، معنای سه واژه وزر، صباح و خنیده / در گزینه چهارم، معنای سه واژه وبال، فرودسرای و محجوب صحیح است.



۳. شبه: مانند، همانند، مثل (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دهم)  
 انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)  
 مستعجل: زودگذر، شتابنده (واژه‌نامه درس هشتم فارسی دوازدهم)  
 تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی (واژه‌نامه درس نهم فارسی دوازدهم)
۴. آذرم: نمد زین (در کتاب‌های درسی وجود ندارد!)  
 آزر: شرم، حیا  
 مسطور: نوشته، نوشته شده (هم ریشه سطر)  
 مستور: پوشیده، در پرده، پنهان  
 ← مستور نبود = پنهان نمی‌باشد
- غزا: جنگ  
 ← قضای گردنده = تقدیر دگرگون شونده  
 قضا: تقدیر و حکم الهی، قضاوت
۵. بخوای: (ما اصلاً فعلی نداریم که امرش بخوای باشد!)
- بخای: فعل امر از مصدر خاییدن (جویدن، چیزی را با دندان نرم کردن)
۶. عظیمت: (ما هر چند عظمت (بزرگی) داریم اما عظیمت وجود خارجی ندارد!)
- ← عزیمت کنند = قصد کنند  
 عزیمت: آهنگ، قصد، نیت
- حزیمت: (وجود خارجی ندارد!) (توجه: حزم در معنای هوشیاری و دوراندیشی است و می‌توان آن را با  
 حزیمت در ارتباط دانست)  
 ← هزیمت دشمن = شکست لشکر دشمن  
 هزیمت: شکست لشکر
۷. منظوم یعنی به نظم درآمده و یعنی همان شعر خودمان منشور هم یعنی به نثر درآمده و نثر یعنی نوشتار پراکنده  
 همه آثار گزینۀ نخست منظوم‌اند و آثار منشور سایر گزینۀها که سبب رد آن‌ها می‌شود، عبارتند از: اتاق آبی،  
 تذکره الاولیا و تیرانا.
۸. بیت «الف»: اگر ابر باران‌زا (گرینده) حیا و خجالت داشته باشد، نباید از میزان باریدن خود جایی که چشم  
 من حضور دارد سخن براند ← تشبیه برتر و اغراق  
 بیت «ب»: «دم» مجاز از سخن است و «دم آتشی» در این جا حس آمیزی دارد.  
 «کوفتن آهن سرد» کنایه رایجی است از بیهوده کاری.
- بیت «ج»: «دستان» ایهام دارد: ۱- جادو و افسون ۲- دستان پدر رستم  
 بیت «د»: چون ناله در کوهسار می‌پیچد و دوچندان (دو بالا) می‌شود، فرهاد در کوه بیستون منزل کرده  
 است ← حسن تعلیل
- بیت «ه»: «ماه نو» استعاره آشنایی است از یار ماه رخسار
۹. گزینۀ ۱: ۱- خال به دانه مانند شده ۲- زلف‌ها به دام مانند شده ۳- دل به مرغ و پرندۀ مانند شده<sup>۱</sup>.  
 گزینۀ ۲: ۱- خرد به بستان مانند شده ۲- لفظ دلارای شاعر به گل مانند شده ۳- سخن به باغ مانند شده  
 ۴- منطق (گفتار) به بلبل مانند شده است.

۱. «و» در مصراع نخست این بیت، از نوع واو عطف است یا هم‌پایه‌ساز دو جمله (ربط)؟



**گزینه ۳:** در این بیت نیز همانند بیت دوم، ۴ مورد تشبیه وجود دارد که پیدا کردنش برای شما عزیزان بسیار ساده است.

**گزینه ۴:** (یادتان هست گفتم گاهی تشبیه به شکل پرسش مطرح می شود؟)

۱- بناگوش به ماه مانند شده ۲- بناگوش به چراغ مانند شده ۳- زلف به شب مانند شده ۴- بناگوش به شمع مانند شده است.

۱۰. با اغراق بیت آشنا هستید: دهان یار در کوچکی به نقطه‌ی موهوم مانند شده است! // دندان‌ها در مصراع

نخست به عقد (گردن‌بند) مانند شده‌اند و در مصراع دوم، این «سی‌پاره»، استعاره از همین دندان‌هاست.

۱۱. «خسرو» در بیت نخست هم می‌تواند در مفهوم عام پادشاه به کار رفته باشد، هم «خسرو پرویز» پادشاه بزرگ ساسانی و همسر و دلدادۀ شیرین.

با دو معنای «قصور» در همین کتاب آشنا شده‌اید. «راستی» و «میان» در بیت چهارم (ایهام تناسب) دارند. همچنین قد و بالای یار به درخت سرو مانند شده است و از آن بالاتر (تشبیه برتر).

۱۲. در سه گزینه دیگر، «گرامی»، «نهان» و «آن» صفت مضاف الیه هستند.

۱۳. طین - تین (انجیر) // خان - خوان // زمان - ضامن (ضمانت)

۱۴. یارب، ما ناقصان را از سنگ محک رسوا مکن (مگردان) که کامل عیاری غیر از تو، در این نه بونه نیست

مفعول بدل      مسند      نهاد      متمم      متمم

(وجود ندارد).

این نکته یادتان هست: **بدل مفعول را با مفعول اشتباه نگیرید!**

۱۵. [تو] حفظ آبروی خواهش کن که گردون حسیس نان خود را با آب‌روی سایل تر می‌کند

نهاد      مفعول      فعل      نهاد      مفعول      متمم اختیاری      مسند

**گزینه ۱:** «دادن» جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + متمم + فعل» می‌سازد.

**گزینه ۲ و ۴:** «می‌کند» (= می‌گرداند) جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» می‌سازد.

**گزینه ۳:** «نداشت» جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + فعل» می‌سازد و می‌کند (= می‌گرداند) جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» می‌سازد.

۱۶. روشن است که «دارد» در مصراع دوم بیت فقط یک بار حذف شده است.

۱۷. مفهوم مشترک در دو بیت، دوری از جمع و انزوای طلبی برای در امان بودن از آفت و گزند آدمیان بدکردار است.

۱۸. در هر دو بیت، مفهوم «جان‌فشانی در راه عشق» مطرح شده است.

بیت گزینه سوم: طرۀ مشکین یار به سنبل و رخ او به بوستان مانند شده است.

۱۹. در بیت‌های دیگر خود حضرت محتسب اهل می و می‌گساری است!

۲۰. طراح محترم مفهوم عاشقانه «آن» را با «سیرت زیبا» نزدیک دانسته است.

بیت گزینه نخست: دل‌های گرفتار در زلف یار بسیار شده‌اند، تا جایی که دیگر زلف یار طاقت نگه داشتن آن‌ها را ندارد!



۲۱. «گندم نمای جو فروش» ظاهر پرست و خودنما نیست، بلکه با تظاهر، قصد فریب دادن مردم را دارد؛ میان گزینه‌ها، بیت دوم تاحدی به این مضمون نزدیک است، زیرا «خرقه» لباس زهد و عرفان است و مردم برای زاهدان و عارفان احترامی قائل بودند و نذر و هدایایی و ...
۲۲. سه بیت نخست می‌گویند که هیچ نگارگری توان کشیدن زیبایی‌های چهره‌تورا ندارد. بیت چهارم می‌گوید که ناز و کرشمه‌تورا نمی‌توان به تصویر کشید. اصولاً مفهوم هر چهار بیت یکسان است و تست نادرست ارزیابی می‌شود. (پاسخ طراح محترم گزینه ۴ بوده است.)
۲۳. شاعر در بیت صورت سؤال می‌گوید که زاهدان از احوال عارفان بی‌خبرند، در بیت گزینه سوم «پیش» در معنی «از نظر» آمده است؛ بنابراین آن‌چه از نگاه زاهدان بی‌درد، مشکل می‌نماید در عالم عارفان آسان است و این نشانه بی‌خبری زاهدان از عالم عارفان است.
- معنای بیت گزینه ۱: اگر خشم و غیرت خدا برانگیخته شود، زاهد به خود مطمئن و خودشیفته، به سادگی راه میخانه را در پیش می‌گیرد و رسوای خاص و عام می‌شود.
- بیت گزینه ۲: همّت «در معنای دعای خیر و کارساز مقربان درگاه خدا» در حق مریدان آمده است.
۲۴. نازسازگاری روزگار با فرهیختگان و آزادگان برای شما مضمون آشنایی است.
- معنای بیت گزینه ۴: آزادگان، سبک‌بارند به‌همین دلیل رد پایشان خیلی بر زمین نقش نمی‌بندد که نمی‌توان سراغ و نشانشان را گرفت.
۲۵. این بیت‌ها برای شما آشنا و ساده است.

## ■ خارج از کشور

۱. همت: اراده، خواست، کوشش، بلندنظری (متن درس سون فارسی دوازدهم)  
خور: زمین پست، شاخه‌ای از دریا (واژه‌نامه درس دهم فارسی دهم)  
غارب: میان دو کتف (واژه‌نامه درس پنجم فارسی دهم)  
بیرنگ: نمونه و طرحی که نقاش به صورت کم رنگ یا نقطه‌چین بر کاغذ می‌آورد و سپس آن را کامل رنگ‌آمیزی می‌کند، طرح اولیه (واژه‌نامه درس پنجم فارسی دهم)  
- فقط معنای خور را می‌دانستید، کافی بود.
۲. شرع: سایه‌بان، خیمه (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
عارضه: حادثه بیماری (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
تشرع: شریعت، مقابل طریقت و عرفان (واژه‌نامه درس نهم فارسی یازدهم)
۳. کلان: دارای سنّ بیش‌تر (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دوازدهم)
۴. مطابع: جمع مطبع و مطبعه، چاپخانه‌ها (ربطی به کتاب درسی ندارد)

⇐ متابع رای = پیروی‌کننده نظر

مُتابع: پیروی‌کننده، پیرو



صورت: شکل، ظاهر

⇐ صورت برودت = شدت سرما

صورت: حدت، شدت، تندى و تیزی

۵. صورت درست گروه‌واژه‌های غلط: حصار (حاضران) مجلس، درع وزره (جامع جنگی)، برخاستن (پا

شدن) مردگان، رافت و شفقت (مهربانی)، زل زدن و نگاه کردن، حماقت و فرومایگی

۶. هواس: کسی که خیلی هوس دارد و می‌خواهد (ربطی به کتاب درسی ندارد!)

حواس: حس‌ها، قوای مدرکه

۷. منظوم یعنی به نظم درآمده و یعنی همان شعر خودمان. منثور یعنی به نثر درآمده و نثر یعنی نوشتار پراکنده.

آثار منظوم این سوال: حمله حیدری، لیلی و مجنون، درى به خانه خورشید، پیوند زیتون بر شاخه ترنج

آثار منثور این سوال: سه دیدار، پرنده‌ای به نام آذرباد، تمهیدات، داستان‌های دل‌انگیز فارسی، من زنده‌ام،

روزها، فی حقیقه‌العشق، از پاریز تا پاریس، قصه شیرین فرهاد، اسرارالتوحید، سندبادنامه، فیه ما فیه

۸. «آهنگ» به معنای قصد یا «ساز» به معنی «قصد» یا «وسيله» به ذهن‌خطور نمی‌کند. با ایهام برانگیز بودن

«نوا» و «مخالف» آشنا بودید اما این‌جا ایهام تناسب دارد نه ایهام.

۹. بیت آشکارا تشبیه برتر و حسن تعلیل دارد: تو به قدری از پسته زیباتر می‌خندی (پسته‌ای که لب باز می‌کند

به پسته خندان معروف است) که دل پسته خون شد (به سرخی قسمتی از پوست پسته اشاره دارد).

(طراح محترم بدون توجه به وضعیت اقتصادی مردم در شرایط حساس کنونی! این تست را طراحی

فرموده‌اند و دقت نداشته‌اند که بسیاری از ایرانیان سال‌هاست که پسته را با آن لب خندان فقط از دور

نظاره‌گر بوده‌اند و قدرت شکافتنش تا پایین و دیدن سرخی ته دل این محصول ملی را نداشته‌اند!

تشخیص و استعاره مکنیه با هم دیده می‌شود. خنده خونین نشانه و کنایه از حسادت و حسرت است.

۱۰. گزینه ۱: ۱- باغ رخ ۲- بهار خط (موهای تنک و نورسته چهره یار به بهار مانند شده است که با رویش

چمن و سبزه همراه است.)

گزینه ۲: ۱- آیینة جان ۲- تخته تن

گزینه ۳: ۱- میوه عیش ۲- نخل مراد ۳- باغ محبت

گزینه ۴: ۱- خم طره به حلقه دام مانند شده است («دام نجات» متناقض نما است نه تشبیه)

۱۱. گزینه ۱: «کم - غم» جناس ناهمسان دارند. // «کوه غم» اضافه‌ای تشبیهی همراه با اغراق در گرانباری

غم است.

گزینه ۲: «بهار عمر» اضافه استعاری است: عمر به یک سال مانند شده و بهار یکی از فصل‌های سال است.

کل عمر مانند بهار نیست بلکه جوانی مانند بهار است که بخشی از عمر است. (این را قبلاً هم به شما

عزیزان گفته بودم.) // «چمن» مجاز از گلستان است و خود گلستان استعاره از این جهان. // ایهام تناسب

«هزار» هم آشنا و آشکار است.

گزینه ۳: خاطر (دل) خورشید، اضافه استعاری است.

گزینه ۴: اسلوب معادله برقرار است اما ایهام پدید نیامده است.



۱۲. «بی‌زنگار» صفتِ مضاف‌الیه است و «دل» مضاف‌الیه مضاف‌الیه.
۱۳. از دشوارترین و فنی‌ترین پرسش‌های دفترچه‌های کنکور سال ۹۹ همین تست است. نکته‌های زیر را باید در طول سال به دانش‌آموزان می‌آموختیم تا از پس پاسخ گفتن به این تست برآید:
- ۱- «آرام» گاهی معنای «آرامش» می‌دهد و اسم است، همچنان که در «آرام و قرار» این گونه است.
  - ۲- کسی را چیزی بودن = برای کسی چیزی وجود داشتن
  - ۳- «را» گاهی جانشین کسره است که یافتنش به خط فکری نیاز دارد.
  - ۴- «آبله‌پا» یک واژه و کنایه از مسافری رنجور و دردمند است.
- آرام نیست آبله پایان شوق را = برای آبله پایان شوق آرام (آرامش) نیست (وجود ندارد) «آرام» نهاد است و «آبله پایان شوق» متمم.
- مانع نگردد از حرکت، آب را حباب = حباب مانع آب از حرکت نمی‌گردد «حباب» نهاد است. «مانع آب» مسند است که «آب» مضاف‌الیه مسند به شمار می‌آید.
- (شاعر در تخیل خود، آبله‌پاهای مسافران راه عشق را به حباب روی موج‌ها مانند کرده است که مانع حرکت موج‌ها نمی‌شوند!)
۱۴. صفت‌های پیشین: ۱- یک ۲- این ۳- این
- ترکیب‌های وصفی: ۱- یک قرن ۲- اختلافات داخلی ۳- جنگ‌های داخلی ۴- این کشور ۵- این فاصله ۶- قدم‌های بزرگ ۷- کارگاه‌های متعدّد ۸- کارگاه‌های صنعتی
۱۵. «صائب» در گزینه نخست و چهارم منادا است.
- «است» در گزینه سوم فعل کمکی ماضی نقلی است نه فعل گذرا به مسند.
- مصراع نخست در گزینه دوم الگوی «نهاد + مفعول + فعل» دارد و مصراع دوم الگوی «نهاد + مسند + فعل».
۱۶. «افتاده است» فعل ماضی نقلی از مصدر «افتادن» است «مسند نمی‌خواهد (دقت کنید که «افتادن» در این جا معنی واقعی خودش را دارد و نیازی نیست آن را معادل «است» در نظر بگیریم) «افتادن» فعل ناگذر است و فقط به «نهاد» نیاز همیشگی دارد «دلم» نهاد جمله نخست است که در جمله سوم به قرینه لفظی حذف شده است «دام غمت» متمم است و «زبون» قید. همچنین در مصراع دوم نیز «خسته» (مجروح) و «بی‌سکون» قید هستند (زیرا جزء اجزای اصلی نیستند و با حرف اضافه نیز همراه نشده‌اند).
- برای شما آشکار است که در مصراع چهارم، مفعول فعل «میدانی» به شکل پیرو پس از آن آمده است.
- «کنی» معنی «بگردانی» می‌دهد و مسند و مفعول می‌خواهد.
- ترکیب‌های اضافی: ۱- دام غم ۲- غمت ۳- دلم ۴- دلم
۱۷. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: اسیر عشق در پی رهایی نیست.
- مفهوم بیت سوم: امکان رهاشدن از بند عشق نیست.



۱۸. مفهوم‌های بیت نخست: راز عاشق را فقط عاشق می‌فهمد و بس / تقابل عقل و عشق / زندگی واقعی در عاشق بودن است. («مست» و «مستور» تضاد دارند).
۱۹. نظیر این تست و این مفهوم (تلاش برای یافتنِ روزیِ مقدّر) را در کتاب هزارتست و تناسب مفهومی بسیار دیده‌اید. (در حنا گذاشتن دست، نمونه و کنایه است از معطل کردن).
- پرسش: در بیت گزینه ۴، چرا «بگذار» با «ذ» نوشته شده است؟
۲۰. بیت گزینه نخست: عشق ما عاشقان بی تجربه مایه رونق و آوازه یارمان شد اما برای خودمان سودی نداشت. بیت گزینه دوم: آرزوهای ناسزاوار و دست نیافتنی، آدم را به بدبختی و عذاب دچار می‌کنند اما از ذهن و خاطر پاک نمی‌شوند. (آتش دوزخ هم نمی‌تواند طمع خامشان را پخته سازد؛ در دوزخ طمع حوری در سر دارند!) بیت گزینه سوم: هر کسی قدر عالم مستی را نمی‌داند.
- بیت گزینه چهارم: ما مانند ابراهیم اسفند یا اسپند هستیم؛ در آتش دست‌افشان و پاکوبان می‌شویم و گلستان بر ما شکوفا می‌شود.
۲۱. در هر دو بیت این نکته وجود دارد که مطلوب ما نزد خودمان است و آن را نباید در جای دیگری جست‌وجو کنیم. پرسش: در بیت گزینه ۲ میان «چاک» و «سینه» باید مکث بیاید یا کسره؟ معنای بیت گزینه چهارم: مردم خودبین شده‌اند و این فقط چشم ماست که محو خود نیست و دیگران را بر خود جای می‌دهد.
۲۲. بیت گزینه نخست: دوری از نزاع و جنگ برای رسیدن به خواسته‌ها
- بیت گزینه دوم: پول و دارایی مایه رسیدن به خواسته‌هاست و از زور و نیرو مهم‌تر است، حتی می‌تواند جای آن را بگیرد.
- بیت گزینه سوم: غنچه در دنیا را به روی خود بسته و در محدوده کوچک خویش، باغی زیبا و پررنگ و بو برای خود ترتیب داده است بدون نیاز به دیگری.
- بیت گزینه چهارم: اگر خدا کسی را دوست داشته باشد، او را تنگ‌دست و نیازمند می‌کند تا دچار طغیان و سرکشی نشود!
۲۳. این بیت، یادآور بیت معروف کتاب تناسب مفهومی خودمان است: که را تیغ قهر اجل در قفاست / برهنه است، اگر جوشنش چندلاست
- پرسش: در بیت گزینه چهارم، دم و افسون گیتی، چگونه باعث تیره شدن آینه شده است؟
۲۴. حدوداً هیچ بیتی به تحمل سختی‌های عشق و دم بر نیابردن که در بیت صورت سؤال مطرح است، اشاره ندارد، اما طراح محترم گزینه چهارم را برگزیده است.
۲۵. عین مفهوم و بیت‌های مطرح شده در کتاب هزار تست و تناسب مفهومی خودمان! پایه تمام این تخیلات، این بیت زیبای پدر شعر پارسی، رودکی سمرقندی است که «ریگ آموی و درشتی‌های او / زیر پام پریشان آید همی».



## سؤالات کنکور سراسری سال ۱۴۰۰

### ■ رشته ریاضی

۱. معنی واژه‌های (مفتاح - نمط - اوان - برزن) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند / گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را  
 ب) دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است / بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی  
 ج) وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی / حاصل از حیات ای دل یک دم است تا دانی  
 د) تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن / که خواجه خود روش بنده‌پروری داند  
 ۱) ب - د - الف - ج    ۲) ب - د - ج - الف    ۳) د - ب - الف - ج    ۴) ج - ب - د - الف
۲. معنی چند واژه درست است؟  
 (راهوار: خوش حرکت و تندرو) (بارعام: شرف‌یابی همگانی) (منکر: ناباور) (عصیان: تند و فرز) (مسحور: مفتون)  
 (یغور: بلند قامت) (اختلاف: رفت و آمد) (خدو: گونه) (ملول: آزرده) (سو: دیده) (ارک: دژ)  
 ۱) چهار    ۲) پنج    ۳) شش    ۴) هفت
۳. با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های «فرد» در کدام مورد «همگی» درست است؟  
 «صواب، بازبسته، سریر، فرض، شرزه، تاب، معجر، ارغند»  
 ۱) شکوه و عظمت، روسری، نیکویی، پرتو    ۲) تخت، سربند، درست، فروغ  
 ۳) تخت پادشاهی، دستار، ضروری، خشمگین    ۴) اورنگ، سرپوش، پسندیده، غضبناک
۴. در متنی زیر چند «غلط املائی» وجود دارد؟  
 ایمن نتوان بود که ساعت به ساعت به وبال آن مبتلا گردی و طبعت آن به تورسد. و هیچ‌کس از وحوش تو را در آن معذور ندارد، و در تخلص تو از آن، مئونت و مظاهرت روا نبیند و همه بر کشتن تو یک کلمه شوند.  
 ۱) یک    ۲) دو    ۳) سه    ۴) چهار
۵. در کدام بیت «غلط املائی» به چشم می‌خورد؟  
 ۱) جاه است و غدر و منفعه آن را که طمع نه / عز است و صدر و مرتبه آن را که آز نیست  
 ۲) از سر کوی حقیقت برمگرد و راه عشق / با غرامت همنشین و با ملامت یار باش  
 ۳) هر که از علم صدق جست، بی‌رد / هر که از وی دها گزید بمرد  
 ۴) بدین خوی سترگ و چشم بی‌شرم / بدان کردار و گفتار بی‌آزم
۶. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟  
 ۱) خورش خانه را به دست خوالیگران مشفق کارآزموده سپردند.  
 ۲) مرد خطاکار به سوگندی بلیغ و ضمانی وثیق وی را به خانه آورد.  
 ۳) از شمول معدلت و عموم مرحمت او روی به وطن معلوف بازنهاده.  
 ۴) فلان نعمتی بی‌قیاس دارد اگر به حاجت تو واقف شود در قضای آن توقف روا ندارد.





۷. سراینده کدام ابیات درست معرفی شده‌اند؟

- (الف) تعلیم از زه‌گیر در امر معاش / نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش (صائب)  
 (ب) خدمت حق کن به هر مقام که باشی / خدمت مخلوق افتخار ندارد (عطار)  
 (ج) بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد عنان مرکبش، از (ناصرخسرو)  
 (د) چون بسی ابلیس آدم روی هست / پس به هر دستی نشاید داد دست (سعدی)
- (۱) الف - ب      (۲) الف - ج      (۳) ب - ج      (۴) ج - د

۸. آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست هستند، به جز:

- (۱) مخور ز چهره گلگون گل فریب جمال / که در مقام جلال است رخت شاهان سرخ (جناس، ایهام)  
 (۲) اگر دو هفته بود چهره گلستان سرخ / مدام از می‌لعلی است روی جانان سرخ (مجاز، استعاره)  
 (۳) چراغ دل ز جگر گوشه می‌شود روشن / بود ز لعل لب او رخ بدخشان سرخ (استعاره، تشبیه)  
 (۴) به گریه سائل اگر روی خود کند رنگین / از آن به است که گردد به ابر احسان سرخ (جناس، تشبیه)

۹. در کدام بیت، دو تشبیه و بیش‌ترین استعاره به کار رفته است؟

- (۱) شیر در بادیه عشق تو روباه شود / آه از این راه که وی خطری نیست که نیست  
 (۲) یارب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین / در یکتای که و گوهر یکدانه کیست؟  
 (۳) واله و شیدا است دایم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست  
 (۴) خون شد دلم به یاد تو، هر گه که در چمن / بند قبای غنچه گل می‌گشاد باد

۱۰. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«خسروی به شیرینی تلخ کرد کامم را / کز لب شکرخندش نوخ شکر ارزان شد»

- (۱) تشبیه، ایهام، تضاد، جناس      (۲) تشبیه، کنایه، تضاد، اغراق  
 (۳) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، اغراق      (۴) تشبیه، ایهام، پارادوکس، مجاز

۱۱. تعداد «استعاره» در کدام بیت، بیش‌تر است؟

- (۱) اگر ز لعل تو مستان عشق نقل خواهند / به خنده لب بگشا و شکر ز پسته بریز  
 (۲) دل شده را قوت جان از لب لعل وی است / هر که بهشتی بود آب دهد کوثرش  
 (۳) با این نسیم سحرخیز برخیز گر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو  
 (۴) شبی از مجلس مستان برآمد ناله چنگش / رسید از غایت تیزی به گوش زهره آهنگش

۱۲. در کدام گزینه، دو ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی وجود دارد؟

- (۱) عزم‌ت ضامن دوام جهان شد / که جهان با دروغ می‌پاشد / و خون تو، معنای «راستی» است.  
 (۲) آه! ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / که مردنی چنان / غبطه. بزرگ زندگانی شد.  
 (۳) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / بگذار بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.  
 (۴) در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی / هر عاشقی را که تشنه شهادت است.



۱۳. تعداد جمله‌های کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

- «چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد خدا ننگه دارد»  
 (۱) گفتمش مهر فروغی به تو روز افزون است / گفت من هم به خلافتش دل پرکین دارم  
 (۲) قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست / قرار چیست، صبوری کدام و خواب کجا  
 (۳) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت  
 (۴) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش / آنک امام ما عم بگرفته بر دوش  
 با توجه به سروده زیر، همه گزینه‌ها درست است، به جز:

«صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهداند  
 دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهداند»

- (۱) نقش «نش» مفعول و «مرداد» مسند است.  
 (۲) دو وابسته پیشین و دو وابسته پسین به کار رفته است.  
 (۳) واژه هم‌آوا و رابطه معنایی تضاد در سروده می‌توان یافت.  
 (۴) حرف ربط هم پایه‌ساز و وابسته‌ساز «هر دو» یافت می‌شود.

۱۵. اجزای کدام مصراع‌ها «نهاد + مسند + فعل» است؟

- (الف) نیست جانش محرم اسرار عشق  
 (ب) سر پر ز شرم و بهایی مراسم  
 (ج) هم حرکاتش متناسب به هم  
 (د) مرا در نهانی یکی دشمن است  
 (۱) الف - ب      (۲) الف - ج      (۳) ب - د      (۴) ج - د

۱۶. نقش قسمت‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

- «ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگی ات فرات در جوش و خورش  
 جز تو که فرات رشحه‌ای ازیم توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش»  
 (۱) نهاد، مسند، مفعول  
 (۲) نهاد، متمم، مسند، قید  
 (۳) منادا، مسند، مضاف‌الیه، قید  
 (۴) منادا، متمم، مسند، مفعول

۱۷. مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» است؟

- (۱) دید در آینه گل هر که رخسار خزان / از گلستان دیده خونبار می‌آرد برون (عبرت‌پذیری)  
 (۲) دندان به دل فشار کز این راه کرده اند / جان‌های پاک رخنه به زندان روزگار (توصیه به شکیبایی)  
 (۳) می‌توان در پرده حسن یار را بی‌پرده دید / صائب از ارباب معنی باش و صورت را ببین (مذمت تزویر)  
 (۴) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (مناعت طبع)

۱۸. مفهوم «شرف‌المکان بالمکین» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) شرف مرد به جود است و کرامت به سجود / هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود  
 (۲) مر خاتم را چه نقص اگر هست / انگشت کهین محل خاتم  
 (۳) مرد به زندان شرف آرد به دست / یوسف از این روی به زندان نشست  
 (۴) هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش



۱۹. ضرب‌المثل «از تو حرکت از خدا برکت» با کدام بیت مفهومی دارد؟

- (۱) همت ز دل و عرض تجمل بود از دست / منت ز خلاق بود و رزق ز خالق
- (۲) رزق چون زود دهد دست به هم، زود رود / نکنم شکوه اگر روزی من دیر آید
- (۳) نرفت از پیش کاری چون به دست و پا زدن صائب / دو دست سعی را بر پشت بستم تا چه پیش آید
- (۴) رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها

۲۰. همه ابیات با عبارت زیر تناسب مفهومی دارند، به جز:

«از آسمان تاج بارد؛ اما بر سر آن کس که سر فرود آرد.»

- (۱) تا برده ایم سر به گریبان ربوده ایم / گوی سعادت از خم چوگان روزگار
  - (۲) بندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد
  - (۳) خاکساری پیشه خود کن که من چون آفتاب / در نظرها سربلند از جبهه فرسایمی شدم
  - (۴) شراب زندگی در خاکساری هاست بی‌غش تر / بود نخل برومند از زمین نرم سرکش تر
۲۱. مفهوم آیه شریفه «اذهبنا إلی فرعون إنه طغی فقولاً له قولاً لئیناً» از مفهوم کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- (۱) درشتی ز کس نشنود نرم گوی / سخن تا توانی به آزم گوی
- (۲) رخ شاه کاووس پر شرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید
- (۳) رحم در دوران دولت از زبردستان مجو / متصل زور آورد بر سنگ زیرین آسیا
- (۴) توان کردن به اندک روزگاری سنگ را آدم / لب شیرین و روی گرم باید کارفرما را

۲۲. کدام ابیات با یکدیگر تضاد مفهومی دارند؟

- الف) غربت نپسندید که افتید به زندان / بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است  
 ب) نشاط غربت، از دل کی برد حب وطن بیرون / به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحنن دارم  
 ج) ماتم‌کده خاک سزاوار وطن نیست / چون سیل از این دشت به شیون بگریزید  
 د) در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همت مردانه ما
- (۱) الف - ب      (۲) الف - ج      (۳) الف - د      (۴) ب - د

۲۳. در همه ابیات مفهوم ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» آورده شده است، به جز:

- (۱) گفت پیغمبر خنک آن را که او / شد ز دنیا ماند از او فعل نکو
- (۲) گرچه دیوار افکند سایه دراز / بازگردد سوی او آن سایه باز
- (۳) فعل تو که زاید از جان و تنت / همچو فرزندت بگیرد دامن
- (۴) پوستین یوسفان بشکافتند / آنچه می‌کردند یک‌یک یافتند

۲۴. کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«سریر ملک عطا داد کردگار تو را / به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد»

- (۱) آن که هفت اقلیم عالم را نهاد / هر کسی را هر چه لایق بود داد
- (۲) هستی تو سزاوار همه ملک جهان را / ایزد ندهد ملک جهان جز به سزاوار
- (۳) یقین مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد
- (۴) مقدری که به گل نکهت و به گل جان داد / به هر که هر چه سزا دید حکمتش آن داد



۲۵. کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «گریز از کفش در دهان نهنگ / که مردن به از زندگانی به ننگ»  
 (۱) دلم ببردی جان هم ببر که مرگ به است / ز زندگانی اندر شماتت دشمن  
 (۲) بمیر ای بی خبر گر می توانی / به مرگی کان به است از زندگانی  
 (۳) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد  
 (۴) به عزت مردن از بی اعتباری زیستن خوش تر / چراغ روز را پروایی از کشتن نمی باشد

### رشته تجربی

۱. معنی واژه‌های «زهی - صاحب‌دل - جفا - مرحمت» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) ترسی که کسی نیز دل من بریاید / کس دل نریاید به ستم چون تو ربایی  
 (ب) در نابسته احسان گشاده است / به هر کس آن چه می‌بایست داده است  
 (ج) دعا کرد بسیار و کرد آفرین / فراوان بمالید رخ بر زمین  
 (د) چو هنگام برگشتن شاه بود / پدر زان سخن خود کی آگاه بود

- (۱) ب - الف - د - ج  
 (۲) ب - د - الف - ج  
 (۳) ج - الف - د - ب  
 (۴) ج - د - الف - ب

۲. کدام گزینه، پاسخ مناسبی برای معانی تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر است؟

«منت، صحیفه، ابدیت، روایی، محظوظ، شگرف، آخته»

- (۱) چاره، کرانه، ارزش، شکر  
 (۲) نیرومند، پابندگی، اعتبار، ارزش  
 (۳) امکان، ساختگی، مانع، جاودانگی  
 (۴) نیرومند، بی‌کرانگی، اعتبار، نیکویی

۳. معنی چند واژه «غلط» است؟

(مستعجل: زودگذر) (تعبیر: عبرت‌آموزی) (بن: پسته و حشی) (کی: پادشاه) (هیون: شتر قوی‌هیکل) (اسرا: بالا بردن) (جزاره: عقرب زرد) (زخمه: ضربه‌زننده) (سعد: خوشبختی)

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴. املاي کدام عبارت «کاملاً» درست است؟

- (۱) از این نمط در حال خشم شیر می‌گفتند تا کراحتی به دل او راه یافت.  
 (۲) مودت او از وصلت تو عوض می‌شمرد و آتش فراغ تو را به آب وصال او تسکینی می‌دهد.  
 (۳) هر کس در میدان بیان به اندازه مجال خود قدمی گزارده‌اند؛ لکن مراد تقریر حکایت بوده است.  
 (۴) هر گناه که از عمد و قصد منزّه باشد ذات هوا و اخلاص را مجروح نگرداند و در عقوبت آن مبالغت نشاید.

۵. در متن زیر چند «غلط املايي» وجود دارد؟

«در آن خلوت غریب به ناگاه طنین پرمهابت صدایش خاموش شد ناگهان مکثی کرد، گویی مغلوب شده باشد. صدایش با درماندگی و زجه همراه شد و من دیگر آثاری از توجیح و تصنع در کلامش ندیدم.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار



۶. در کدام گزینه‌ها «غلط املایی» وجود دارد؟

الف) تا برسیدم شبی از شب‌های غربت بدان دیار و تربت که مقصد بود و فرود آمدم به کاروانسرای که نزول غربا معهود بود.

ب) کار تو همین مزاج دارد و هرگز پند نپذیری و وعظ ناصحان در گوش نگذاری و هر آینه در سر این استبداد و اسرار شوی.

ج) پادشاه موفق آن است که کارهای او به اینار ثواب نزدیک باشد. نه کسی را به حاجت تربیت کند و نه از بیم عقوبت روا دارد.

د) از شدت و حدت و سورت پادشاهان برحذر باید بودن که غالب همت ایشان به معظمت امور مملکت متعلق باشد.

(۱) الف - ب (۲) ب - ج (۳) ب - د (۴) ج - د

۷. هر یک از عبارات زیر، به ترتیب، از چه کتابی نقل شده است؟

الف) مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

ب) تا در تحصیل فضل و ادب، رغبتی صادق نباشد، این منزلت نتوان یافت.

(۱) بهارستان، کلیله و دمنه (۲) گلستان، روضه خلد

(۳) اسرارالتوحید، تاریخ بیهقی (۴) فیه ما فیه، جوامع الحکایات

۸. آرایه‌های «ایهام، استعاره و جناس تام» تماماً در کدام بیت آمده است؟

(۱) نافه مشک ختن گر زانکه می خیزد ز چین / زلف را بفشان که صد چین در شکنج موی توست

(۲) مستم آن دم که بمیرم به سر خاک برید / تا سر از خاک برآرم به قیامت سرمست

(۳) مستی به چشم شاهد دلبند ما خوش است / زان روی سپرده‌اند به مستی زمام ما

(۴) دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری / جانب هیچ آشنا نگاه ندارد

۹. آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

(۱) اگر بر نرگس اندازی نظر نرگس شود ناظر / وگر با سوسن آغازی سخن سوسن شود گویا (ایهام، استعاره)

(۲) بوسیدن از جام لبش گر نیست روزی کاشکی / چون جرعه افتادی که من خاک درش بوسیدمی (ایهام، مجاز)

(۳) آفتاب از عکس شمشیر تو می گیرد فروغ / آسمان از بار احسان تو می گردد دو تا (تشبیه، اغراق)

(۴) به مجلسی که زبان آوری کند قلمت / به کام درکشد آتش زبان دعوی را (مجاز، استعاره)

۱۰. آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟

«تُرک آهو چشمم ای آهو چشم شیرگیر / صید آهو توام بر صید خویش آهو مگیر»

(۱) استعاره، اغراق، کنایه، ایهام (۲) استعاره، تشبیه، جناس تام، کنایه

(۳) جناس ناقص، تشبیه، استعاره، مجاز (۴) تشبیه، جناس ناقص، اغراق، ایهام

۱۱. بیت زیر «فائد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«پیش لب ضحاک تو بس فتنه و آشوب / کز مار سر زلف تو در ملک جم افتد»

(۱) استعاره، کنایه (۲) جناس، تشبیه (۳) مجاز، ایهام (۴) تلمیح، ایهام



۱۲. در جملات کدام ابیات «هم شیوه بلاغی و هم شیوه عادی» مشاهده می‌شود؟  
 الف) نیست جانش محرم اسرار عشق / هر که را در جان غم جانانه نیست  
 ب) از عمر ذوق دیدم وقتی که با تو بودم / ذوقی چنان ندارد بی دوست زندگانی  
 ج) جانا هزاران آفرین بر جانَت از سر تا قدم / صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم  
 د) ای تو با جمله و تنها ز منی فی الجمله / نور چشم منی و جان دل تنهایی  
 ه) سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت  
 ۱) الف - ب - ه  
 ۲) ب - ج - ه  
 ۳) ب - د - ه  
 ۴) ج - د - ه
۱۳. در کدام بیت، حذف فعل به قرینه معنوی و جمله اسنادی مشهود است؟  
 ۱) پیاله از تو نگیرم بیار می ساقی / که در سرای مغان جای خرده گیری نیست  
 ۲) به راه عشق که از هر غمی گریزی نیست / هزار شکر که ما را غم فقیری نیست  
 ۳) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست / که مونس دم صبحم دعای دولت توست  
 ۴) یوسف حسن تو را ای جان هزاران مشتری است / چون الهی عاشق مفلس در این بازار نیست  
 ۱۴. صفت‌های «فاعلی - مفعولی - نسبی - لیاقت» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد / عشق با آزار خوبشاوندی دیرینه دارد  
 ب) جلوه کند چو قامتش زیر قبا ی زرفشان / ما و به جلوه گاه او جامه جان دریدنی  
 ج) تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم / بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها  
 د) به عصبان سراپای آلوده ام / سراپا ز آلودگی پاک کن  
 ۱) ب - ج - الف - د  
 ۲) ب - د - ج - الف  
 ۳) ج - الف - د - ب  
 ۴) ج - د - الف - ب
۱۵. همه موارد در رباعی زیر «کاملاً» یافت می‌شود، به جز:  
 «ای نسخه نامه الهی، که تویی / وی آینه جمال شاهی، که تویی  
 بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی»  
 ۱) مترادف واژه «رقعه» و یک واژه دوتلفظی در سروده یافت می‌شود.  
 ۲) دو ترکیب اضافی و دو صفت نسبی در ابیات وجود دارد.  
 ۳) ابیات دارای سه متمم و دو منادای محذوف است.  
 ۴) ابیات «فاقد» نقش تبعی و دارای مسند هستند.  
 ۱۶. نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، در ابیات زیر کدام است؟  
 «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد  
 برای من مگری و مگو دریغ! دریغ! / به دام دیو درافتی دریغ آن باشد»  
 ۱) نهاد، مضاف‌الیه، متمم، مسند  
 ۲) متمم، مفعول، متمم، نهاد  
 ۳) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، نهاد  
 ۴) نهاد، مضاف‌الیه، مفعول، مسند



۱۷. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
- ۲) تا نگریدی آشنا زین پرده رمزی نشنوی / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
- ۳) از خاصگان دمی است مرا سر به مهر عشق / هر جا که محرمی است دم آن جا برآورم
- ۴) آشنای حرمی بوده ام از جذبه عشق / که در آنجا گذر محرم و بیگانه نبود

۱۸. مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟

- ۱) خون در تلاش جامه الوان نمی خورم / سالی بس است کعبه صفت یک قبا مرا (مناعت طبع)
- ۲) می تواند حلقه بر در زد حریم حسن را / در رگ جان هر که را چون زلف پیچ و تاب هست (تجلی معشوق)
- ۳) آن که چون یوسف به نقد جان خریدارش شدم / نیست وزن برگ کاهی در ترازویش مرا (اعراض معشوق)
- ۴) کمند جذبه خورشید اگر رحمت نفرماید / که چون شبنم از این پستی به بالا می برد ما را (عنایت معبود)

۱۹. مفهوم کدام بیت، یادآور بیت زیر است؟

«بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد»

- ۱) سر به خاک آورد امروز آن که افسر داشت دی / تن به دوزخ برد امسال آن که گردن بود پار
- ۲) تا گشودم دیده روشن در این ظلمت سرا / خرج اشک و آه شد جسم نزارم همچو شمع
- ۳) عمر شیرازه گل‌های چمن ده روزه است / خرم آن گل که پریشان نشود دفتر او
- ۴) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

۲۰. کدام بیت با بیت زیر، تقابل مفهومی دارد؟

«جهد بر توست و بر خدا توفیق / زان که توفیق و جهد هست رفیق»

- ۱) پس زانو منشین و غم بیهوده مخور / که ز غم خوردن تو رزق نگردد کم و بیش
- ۲) رفته چون مور از قناعت پای سعی من به گنج / در تلاش مسند دست سلیمان نیستم
- ۳) جویای توست خوشه گندم به صد زبان / بر پای سعی سلسله آهنین گذار
- ۴) چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن

۲۱. کدام بیت «فاقد» مفهوم عبارت زیر است؟

«سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.»

- ۱) درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد / من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم
- ۲) یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش / بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را
- ۳) بسا نفس خردمندان که در بند هوا ماند / در آن صورت که عشق آید خردمندی کجا ماند
- ۴) سوار عقل که باشد که پشت ننماید؟ / در آن مقام که سلطان عشق روی نمود

۲۲. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، مغایرت دارد؟

«ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک»

- ۱) نکونامی از گیتی آن را سزاست / که کردار او خوب و گفتار راست
- ۲) بگوی آنچه دانی سخن سودمند / و گر هیچ کس را نیاید پسند
- ۳) هم از پیشه‌ها آن گزین کاندراوی / ز نامش نگردد جهان آبروی
- ۴) خنک کسی که پس از وی حدیث خیر کنند / که جز حدیث نمی ماند از بنی آدم



۲۳. کدام دو بیت با یکدیگر، قرابت مفهومی دارد؟

- (الف) ما را به سرا پردهٔ قربت که دهد راه / بر صدر سلاطین نتوان یافت گدا را  
 (ب) در چشم پاک بین نبود رسم امتیاز / در آفتاب سایهٔ شاه و گدا یکی است  
 (ج) گدایی که بر خاطرش بند نیست / به از پادشاهی که خرسند نیست  
 (د) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را / سیل یکسان می کند پست و بلند راه را  
 (ه) گر گدایی کنی از درگه او کن باری / که گدایان درش را سر سلطانی نیست
- ۱) الف - ج      ۲) ب - ه      ۳) ب - د      ۴) ج - د

۲۴. مفهوم کدام بیت، با مفهوم کلی داستان سیاوش تناسب دارد؟

- ۱) به گلستان نروم تا تو در آغوش منی / بلبل ار روی تو بیند طلب گل نکند  
 ۲) اگر قیمتی گوهری غم مدار / که ضایع نگرداندت روزگار  
 ۳) به یزدان کند پوزش او از گناه / گراینده گردد به آیین و راه  
 ۴) برق نوروزی گر آتش می زند در شاخسار / ور گل افشان می کند در بوستان آسوده ایم
۲۵. مفهوم عبارت زیر با کدام بیت، قرابت دارد؟

«هنگامی که در فروتنی بزرگ باشیم، پیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده ایم.»

- ۱) خوی مهان بگیر و تواضع کن / آن را که او به دانش والا شد  
 ۲) چون زلف بتان شکستگی عادت کن / تا صید کنی هزار دل در نفسی  
 ۳) سهل باشد گر کنند افتادگان افتادگی / مهربانی و تواضع از بزرگان خوش نماست  
 ۴) نشکنی تا خویش را از دوست کی یابی نشان / هست پیچیدن کلید قفل این گنجینه را

### رشته انسانی

۱. مترادف «آلودگی، نوع، عاشق و عارف، بی نیازی» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) مها زورمندی مکن بر مهان / که بر یک نمط می نمازند جهان  
 (ب) تو ای توانگر حسن از غنای درویشان / خبر نداری اگر خسته اند و گر ریشند  
 (ج) تنم می بلرزد چو یاد آورم / مناجات شوریده ای در حرم  
 (د) شوخ شیخ آورد تا بازوی او / جمع کرد آن جمله پیش روی او
- ۱) «الف» - «ب» - «ج» - «د»      ۲) «الف» - «ب» - «د» - «ج»  
 ۳) «د» - «الف» - «ج» - «ب»      ۴) «د» - «ج» - «الف» - «ب»

۲. کدام گزینه، می تواند پاسخ مناسبی برای معانی تعداد بیشتری از واژه های زیر باشد؟

- «دوال، رقعت، درایت، التهاب، باره، اذن»  
 ۱) چرم و پوست، دانش، اسب، زیبا  
 ۲) اسب، بی قرار، یک لایه، اجازه  
 ۳) بینش، رخصت، یادداشت، چرم و پوست  
 ۴) یادداشت، آگاهی، شعله، اسب تندرو
۳. معنی چند واژه «درست» است؟

(داروغه: شب گرد) (استقرار: مقرری گرفتن) (نبات: زستنی) (رواق: هرم) (مغان: موبدان زرتشتی) (غایت القصوی:

کمال مطلوب) (شبح: موهوم) (طیلسان: زیرانداز) (خشاب: گلوله)

- ۱) سه      ۲) چهار      ۳) پنج      ۴) شش





۴. املاي کدام عبارت، درست است؟

- (۱) ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت رسم سؤال از جهان برخواستی.
- (۲) چنین اتفاق نادر افتد و بر نادر حکم نتوان کرد، زنهار تا بدین طمع دگر باره گرد ولع نگردی.
- (۳) دو درویش ملازم صحبت یکدگر سفر کردی، یکی ضعیف بودی که هر دو شب افطار کردی.
- (۴) این طایفه را طریق آن است که تا اشتها قالب نشود نخورد و هنوز اشتها باقی بود که دست از طعام بدارند.

۵. در کدام عبارت «غلط املايي» وجود دارد؟

- (۱) جمالی که زبان فصاحت از بیان صباحت او عاجز آید چنان که در شب تاری صبح برآید.
- (۲) عالم هر روز زیادت نظام و طراوت پذیرد و البته دور جرخ و قصد دهر تیرگی را به صفوت آن راه ندهد.
- (۳) به حکم تجارب روشن می‌گردد که عاقل را از حطام این دنیا به کفاف خرسند باید بود و بدان قدر که حاجات نفسانی فرو نماند قانع گشت.
- (۴) مرد گفت: آهن در بیغوله خانه بنهاده بودم و موش آن را تمام خورده بود. بازرگان گفت: آری دندان موش بر خوابیدن آن قادر باشد.

۶. در متن زیر، چند «غلط املايي» یافت می‌شود؟

«تو در عجز رای و خبث طینت و غلبه آرز و ضعف ندبیر بدان منزلتی که زبان از تقریر آن قاصر است و عقل در تصویر آن حیران. فایده مکر و حیلت تو مخدوم را این بود که می‌بینی و آخر وبال و تبعث آن به تو رسد و تو چون گلِ دو رویی که هر که را همت و صلت تو باشد دست‌هاش به خوار مجروح گردد و از وفای تو محظوظ نشود.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷. ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟

الف) فخری که از وسیلت دون همتی رسد // گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار  
 ب) در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم // تا در این ره چه کند همت مردانه ما  
 (۱) اوحدی - رهی معیری (۲) صائب - فریدون مشیری  
 (۳) اوحدی - پروین اعتصامی (۴) صائب - پروین اعتصامی

۸. تعداد تشبیه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- (۱) مریض شوق ز تیر ستم نمی‌رنجد / قتیل عشق ز تیغ جفا نمی‌ترسد
- (۲) شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن / در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت
- (۳) زلف لیلی صفتت دام دل مجنون است / عقل بر دانه خال سیهت مفتون است
- (۴) چون سواد زلف شبرنگ تو را آرم به یاد / از سرم تا پای چون شمع آتش سواد گرفت

۹. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- (۱) از موج حلاوت دل مرغان چمن سوخت / هر چند فشاندند به خامی ثمرم را (استعاره، مجاز)
- (۲) ز رشک شانه در تاریم که با کوتاه دستی‌ها / به صدا آغوش در برمی‌کشد آن عنبرین مو را (جناس، کنایه)
- (۳) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست / کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم (استعاره پارادوکس)
- (۴) شعاع چشمه مهر از فروغ رخسار است / شراب، نوشگوار از لب شکر بار است (حسن تعلیل، ایهام)



۱۰. در چند بیت «ایهام یا ایهام تناسب» یافت می‌شود؟
- الف) آهوی چشم کماندار تو نخجیرم ساخت / من که شیران جهانند کمین نخجیرم  
 ب) هر کجا دم زدم از چشم بت کشمیرم / خون مردم همه گردید گریبانگیرم  
 ج) تا فروغ طلعت آن ماه را دیدم فروغی / عشق فارغ کرده است از تابش مهر منیرم  
 د) بیرون چه گونه می‌رود از کین مهوشان / مه‌ری که همچو روح فرو رفته در تنم  
 ه) دو گوشت از ز خروشیدنم به تنگ آمد / چنین مزین که ز دستت چو چنگ نخروشم
- ۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج (۵)
۱۱. آرایه‌های «حسن تعلیل - استعاره - کنایه - تشبیه - اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟
- الف) می‌کند اشک ندامت نامه دل را سفید / صبح از اخترفشانی پاک‌دامن می‌شود  
 ب) بهشتی شد مرا نظاره آن روی گندم‌گون / اگر گندم برون انداخت از فردوس آدم را  
 ج) نگردد جمع با رنگین لباسی زیرپا دیدن / که طاووس خودآرا چشم از پر بر نمی‌دارد  
 د) تا سپند آن آتشین رخسار را در بزم دید / آنچنان جست از سر آتش که صد فریاد داشت  
 ه) گل ز کژی خار در آغوش یافت / نی‌شکر از راستی آن نوش یافت
- ۱) «د» - «ه» - «ج» - «ب» - «الف»  
 ۲) «د» - «الف» - «ب» - «ج» - «ه»  
 ۳) «ه» - «د» - «ب» - «الف» - «ج»  
 ۴) «ه» - «ب» - «الف» - «د» - «ج»
۱۲. در کدام بیت، ممیز و نقش تبعی «هر دو» وجود دارد؟
- ۱) با من سخن از کعبه و بتخانه مگوئید / کز هر دو مرا مقصد و مقصود شماست  
 ۲) رسم عشاق جگر خسته نیاز است نیاز / خوی خوبان ستم‌پیشه عتاب است عتاب  
 ۳) بدین امید که یک لحظه با تو بنشینم / هزار ناوک حسرت به دل نشست مرا  
 ۴) اشک ما نسخه صد رشته گهر بود گهر / درد ما مایه صدگونه دوا بود، دوا
۱۳. در کدام بیت «پسونده» در واژه قافیه، متفاوت است؟
- ۱) ز خورد و خواب بگذر گر دل بیدار می‌خواهی / که بیداری ز بی خواب تن‌آسانی نمی‌دارد  
 ۲) نباشد هیچ بنیادی ز سیل حادثات ایمن / به غیر از خانه‌بر دوشی که ویرانی نمی‌دارد  
 ۳) سحر خیزی ز آب زندگی سیراب می‌گردد / که دست از دامن شب‌های ظلمانی نمی‌دارد  
 ۴) گرفتار تو را چشم ترحم نیست از مردم / که امید شفاعت صید قربانی نمی‌دارد
۱۴. نقش واژه‌های مشخص شده در مصراع زیر با کدام مصراع، به ترتیب، یکسان است؟
- «سرو و مهت نخوانم، خوانم، چرا نخوانم»
- ۱) به غیر مصلحتش رهبری کند ایام  
 ۲) فرشته‌ات به دو دست دعا ننگه دارد  
 ۳) این بار می‌برند که زندانی ات کنند  
 ۴) گفت آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه
۱۵. صفت‌های «نسبی، مفعولی، لیاقت و فاعلی» به ترتیب، در کدام مصراع‌ها آمده است؟
- الف) یا سخن دانسته گوی مرد عاقل یا خموش  
 ب) پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است  
 ج) هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است  
 د) در گره چون غنچه صد گلزار دارم دیدنی
- ۱) «الف» - «ب» - «د» - «ج»  
 ۲) «ج» - «الف» - «ب» - «د»  
 ۳) «د» - «ب» - «ج» - «الف»  
 ۴) «ج» - «الف» - «د» - «ب»



۱۶. با توجه به سروده زیر، کدام مورد «نادریست» است؟

«گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای، ستاره‌ها را هم نمی‌بینی / ماهی در آب خاموش است و چارپا روی خاک  
هیاهو می‌کند و پرنده در آسمان آواز می‌خواند.»

- ۱) فعل «مضارع اخباری و ماضی نقلی» در شعر وجود دارد.
- ۲) «پیوند وابسته‌ساز و هم پایه‌ساز» در سروده یافت می‌شود.
- ۳) اجزای یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.
- ۴) سروده از یک جمله غیرساده و سه جمله ساده تشکیل شده است.

۱۷. زمینه حماسه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- ۱) سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگدل جنگ آتش بساخت
- ۲) سیاوش بیامد به پیش پدر / یکی خود زرین نهاده به سر
- ۳) درفش همایون برافراختند / سراپرده و خیمه‌ها ساختند
- ۴) جهان جوی کیخسرو تاجور / نشسته بر آن تخت و بسته کمر

۱۸. کدام ابیات مفهومی یکسان دارند؟

- الف) رطب نورد چوب خرزهره بار / چو تخم افکنی بر همان چشم دار  
ب) هر دو گون آهو گیا خوردند و آب / زین یکی سرگین شد و ز آن مشک ناب  
ج) هر کسی تخمی به خاک افکند و ما دیوانگان / دانه زنجیر در دامان صحرا کاشتیم  
د) نه ابلیس بد کرد و نیکی بدید / بر پاک ناید ز تخم پلید

- ۱) «الف» - «ج» - «د»    ۲) «الف» - «ب» - «د»    ۳) «ب» - «ج» - «د»    ۴) «الف» - «ب» - «ج»

۱۹. مفهوم «غم» در کدام بیت، متفاوت است؟

- ۱) غم تو موهبت کبریاست در دل من / نمی‌دهم به سرور بهشت این غم را
- ۲) دل در بر من زنده برای غم توست / بیگانه خلق و آشنای غم توست
- ۳) تا خار غم عشقت اوپخته در دامن / کوتاه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها
- ۴) دور از تو با سیاهی شبهای غم گذشت / این مردنی که زندگی‌اش نام کرده‌ایم

۲۰. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «جهد بر توست و بر خدا توفیق / زان که توفیق و جهد هست رفیق»
- ۱) گر همی لعل بایدت کان کن / ور همی عشق بایدت جان کن
  - ۲) به هر کاری که باشد تا توانی / خدا را یاد کن دیگر تو دانی
  - ۳) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضرت کریم تمنا چه حاجت است
  - ۴) رو بجو یار خدایی را تو زود / چون چنان ک ردی خدا یار تو بود

۲۱. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «مرّوت نبینم رهایی ز بند / به تنها و یارانم اندر کمند»
- ۱) دوستی را چنان کسی باید / که از او کار بسته بگشاید
  - ۲) دوستان را به گاه سود و زیان / بتوان دید و آزمود توان
  - ۳) که مرد ار چه بر ساحل است ای رفیق / نیاساید و دوستانش غریق
  - ۴) به کام دشمن دون دست دوستان بستن / به دوستی که نه شرط مرّوت است ای دوست



۲۲. مفهوم عبارات زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«گوهر محبت بود که بر مُلک و ملکوت عرضه داشتند، هیچ‌کس استحقاق خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود.»

- ۱) بار بی اندازه دارم بر دل از سودای عشقت / آخر ای بی‌رحم باری از دلم برگیر باری
- ۲) قامت چرخ خمید و کمر کوه شکست / بار عشقت که بر آن طاقت ما طاق نبود
- ۳) من که پشتم خم از این بار گران گردیده است / چون گرانبار کنم پشت کس از منت خویش
- ۴) ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من / تا ز تو دلپذیر شد هستی ناگزیر من

۲۳. مفهوم کدام بیت، یادآور سروده زیر است؟

«مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد»

- ۱) گوش تا تشنه گفتار نباشد چو صدف / مفشان قطره خود همچو برگ ابر بهار
- ۲) سخن که تیغ زبان‌ها ازوست جوهردار / خسی است در قده خوشگوار خاموشی
- ۳) سست در گفتار مانند گنجه‌کاران مباح / سعی کن چون بی‌گناهان بر سخن باشی سوار
- ۴) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد

۲۴. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، متناسب نیست؟

«هر آن وصفی که گویم بیش از آنی / یقین دانم که بی‌شک جان جانی»

- ۱) هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
- ۲) آن به که زبان درکشم از وصف جمالت / زیرا که به ذاتش نرسد خاطر و صاف
- ۳) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو / چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی
- ۴) این دریغم می‌کشد کافکنده‌ای اوصاف خویش / در زبان عام و خاصان را زبان افکنده‌ای

۲۵. از کدام بیت، مفهوم بیت زیر درک می‌شود؟

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

- ۱) تا نهادم بر سر کوبش قدم رفتم ز دست / گرده بیهوش دارو بود خاک کوی دوست
- ۲) هست در شرع محبت رسم و آیین دگر / خوردن خون جایز است و دم زدن دستور نیست
- ۳) دردسر تا نکشی صائب از این بی‌خبران / گوشه‌ای امن‌تر از عالم خاموشی نیست
- ۴) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست

## رشته هنر

۱. کدام گزینه، پاسخ مناسبی برای معانی تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر است؟

«بی‌شائبه، تلبیس، متلألی، جمله، بالبداهه، رُفت، آوری»

- ۱) حيله و مکر به کار بردن، همه، زدودن، جهت
- ۲) بدون اندیشه قبلی، دسته‌ای از مردم، سراسر، تابان
- ۳) بدون اندیشه قبلی، نیرنگ‌سازی، درخشان، دسته‌ای مردم
- ۴) بی‌تردید، ارتجلاً، سراسر، بدون آلودگی و با خلوص و صداقت



۲. در کدام گروه واژه، معنی همه آنها درست است؟
- (۱) (درزی: خیاط) (شخیص: توانا) (تاللو: طلوع کردن)  
 (۲) (خفیه: مخفی گاه‌ها) (شگرف: قوی) (مقالت: گفتار)  
 (۳) (تموز: ماه چهارم رومیان) (بنات: دختران) (انابت: پشیمانی)  
 (۴) (وجنه: چهره) (آخته: بیرون کشیده) (کلک: آتش دانی از فلز یا سفال)
۳. معنی واژه‌های «مجادله - مستغنی - مشیت - مشوش - تخلص» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟  
 الف) تو پیمان همی داری و رای راست / و لیکن فلک را جز این است خواست  
 ب) دل چو غنی شد ز فقیری چه غم / روز رهایی ز اسیری چه غم  
 ج) از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق / از همه عالم نهان و بر همه پید  
 د) گاه از ستیزه گوش فلک بر کشیده‌ای / گاه از کرشمه دیده اختر شکسته‌ای  
 ه) کی دهد دست این غرض یارب که هم‌دستان شوند / خاطر مجموع ما زلف پریشان شما
- (۱) د-ب-الف-ه-ج (۲) د-ج-الف-ه-ب (۳) ه-ب-ج-الف-د (۴) ه-ج-الف-ب-د
۴. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟
- (۱) بنده درویش اگر یک ذره اخلاص چشیده بودی پروای عالمین و اعزاز و اعتراض نداشتی.  
 (۲) توبت به نیت آید، نیت به عزیمت آید، عزیمت به حضرت آید و از حضرت ندای رحمت آید.  
 (۳) حق تعالی می‌فرماید: قطره‌ای از سریر و قطره‌ای از ضمیر بیار و گنج سعادت از حضرت عزت ما بردار.  
 (۴) هیچ آوازی نیست عزیزتر به درگاه خدای عزوجل از آواز بنده عاصی که از سر در ماندگی و مفلسی بنالد.
۵. در عبارات زیر، جمعاً چند «غلط املائی» مشهود است؟
- رأی ایشان که با ایشان مباحثه کنند به سفاقت منسوب دارند.  
 - و نخواست غرض نعمتی که نشانده بود در حق او از بیخ برآند.  
 - هر وثیقت و احتیاط که واجب بود اندر آن به جای آورد.  
 - جوانی خردمند از فنون فضایل حظی وافر دانست.
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۶. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟
- (۱) فرصت آن پشه راندن هم نبود / از نهیب حمله گرگ عنود  
 (۲) دارو سبب درد شد اینجا چه امید است / زایل شدن عارضه و صحت بیمار  
 (۳) حاسدا تا من بدین درگاه سلطان آمدم / برفتادت غلغل و برخواستت ویل و غریو  
 (۴) بر زمین است و ولیکن مرکب اقبال او / هر زمان اندر عنان آسمان ساید عنان
۷. سراینده کدام ابیات، درست معرّفی شده‌اند؟
- الف) از بهر تو صد بار ملامت بکشم / گر بشکنم این عهد غرامت بکشم (حافظ)  
 ب) جامه‌ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن / پدّر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است (بهار)  
 ج) دردناک است که در دام شغال افتد شیر / یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم (شهریار)  
 د) دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟ (عارف قزوینی)
- (۱) الف-د (۲) ب-د (۳) ب-ج (۴) ج-د



۸. در کدام بیت، آرایه‌های «اغراق، تضاد و تشبیه»، «همگی» یافت می‌شود؟
- ۱) ای مرد فقر هست تو را خرقة تو تاج / سلطان تویی که نیست به سلطانت احتیاج
  - ۲) وصال تو به شب کس را میسر چون شود هرگز / که تو چون روزگردانی به روی خود شبستان را
  - ۳) تو را به مثل من ای دوست میل چون باشد / که حاصلم همه چشمی تر است و جانی خشک
  - ۴) عزیز مصر اگر ما را ملامت‌گر بود شاید / تو حسن بیوسفی داری و من مهر زلیخایی
۹. آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟
- «خط عذار یار که بگرفت ماه از او / خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او»
- ۱) تشبیه، تمثیل، اغراق، مجاز
  - ۲) تشبیه، کنایه، حسن تعلیل، مجاز
  - ۳) استعاره، تشبیه، ایهام، حسن تعلیل
  - ۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل
۱۰. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:
- ۱) با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است (جناس، ایهام)
  - ۲) کمند عبری از چین زلف دل‌بند است / فروغ مشتری از عکس روی دلدار است (حسن تعلیل، مجاز)
  - ۳) ابرویش بر ماه طاقی بسته بود / مردمی بر طاق او بنشسته بود (کنایه، استعاره)
  - ۴) با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی / باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (مجاز، تشبیه)
۱۱. در کدام گزینه، تعداد استعاره بیش‌تر است؟
- ۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است / سروم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است
  - ۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است / نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهره مار است
  - ۳) لؤلؤ از پسته خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است / لاله در مشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است
  - ۴) بر طرف مه نشانده سیاهی که سنبل است / بر برگ گل فشانده غباری که عنبر است
۱۲. واژه قافیه در کدام ابیات، به ترتیب، نقش «مفعولی، مضاف‌الیهی، نهادی و قیدی» دارد؟
- الف) سرو بلند بستان با این همه لطافت / هر روزش از گریبان سر بر نکرد ماهی
  - ب) با لشکرکرت چه حاجت رفتن به جنگ دشمن / تو خود به چشم و ابرو بر هم زنی سپاهی
  - ج) ای ماه سرو قامت شکرانه سلامت / از حال زبردستان می‌پرس گاه‌گاهی
  - د) روزی چو پادشاهان خواهیم که بر نشینی / تا بشنوی ز هر سو فریاد دادخواهی
۱۳. کدام بیت، فاقد «جهش ضمیر» و دارای جمله‌ای متشکل از «نهاد + مفعول + مسند - فعل» است؟
- ۱) گمان مبر که بداریم دستت از فتراک / بدین قدر که تو از ما عنان بگردانی
  - ۲) گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان / نگاه‌دار سر رشته تا نگه دارد
  - ۳) نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ / چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد
  - ۴) زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت / شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
۱۴. صفت‌های «فاعلی، نسبی، مفعولی و لیاقت» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟
- الف) در میان عشق‌بازان کوهکن مردانه رفت
  - ب) رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن
  - ج) که شد ساخته کارش از زهر چشم
  - د) باغی از رنگینی گفتار دارم دیدنی
- ۱) الف - ج - ب - د      ۲) الف - د - ج - ب      ۳) ب - الف - ج - د      ۴) ب - ج - د - الف



۱۵. کدام بیت، فاقد «جمله مرکب» است؟

- ۱) گله از فراق یاران و جفای روزگاران / نه طریق توست سعدی کم خویش گیر و رستی
- ۲) باری مگر ت بر رخ جانان نظر افتاد / سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی
- ۳) ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت / دو چندان می شکفت و برگ می کرد
- ۴) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

۱۶. با توجه به متن زیر همه موارد «کاملاً» درست است، به جز:

«بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است. مثل قرآن، مثل آب است روان؛ در آب، حیات تنها بود و در قرآن حیات دلها بود.»

- ۱) در متن صفت پیشین، پسین و فاعلی مشهود است.
- ۲) حذف فعل به قرینه لفظی و معنوی وجود دارد.
- ۳) جمله ساده و غیرساده «هر دو» به چشم می خورد.
- ۴) ممیز، نقش تبعی و یک واژه دو تلفظی یافت می شود.

۱۷. کدام بیت، فاقد مفهوم «الصبر مفتاح الفرج» است؟

- ۱) به تلخی صبر کن تا معدن گوهر توانی شد / که آب بحر چون شیرین شود گوهر نمی دارد
- ۲) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست
- ۳) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد
- ۴) دل به هجران تو عمری است شکیباست ولی / بار پیری شکنند پشت شکیبایی را

۱۸. مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) اعتقادی بنما و بگذر بهر خدا / تا در این خرقه ندانی که چه نادریشم (غفلت و بی خبری)
- ۲) آیش چو نخل بادیه از ابر می رسد / هر کس که التفات به هر جو نمی کند (مناعت طبع)
- ۳) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد؟ خدا نگه دارد (ابراز عجز)
- ۴) ای داور زمانه ملوک زمانه را / جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست (عدم اختیار)

۱۹. کدام بیت، تداعی کننده مفهوم بیت زیر است؟

«تورا به آینه داران چه التفات بود / چنین که شیفته حسن خویشتن باشی»

- ۱) ظاهر و باطن مردان به صفا می باشد / پشت این آینه ها روی نما می باشد
- ۲) هر که را آینه گشت از خودنمایی سد راه / چون سکندر ناامید از چشمه حیوان شده
- ۳) پیش چشمی که به غیر از تو مثالی نپذیرد / حیفا از آن روی نباشد که به آینه نمایی؟
- ۴) منکر آینه باشد چشم کور / دشمن آینه باشد روی زرد

۲۰. کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد»

- ۱) رعنائت است سرو ز اشجار میوه دار / آزاد هر که گشت سرافراز می شود
- ۲) گردناری میوه افکنندی چون سرو و بید / غیرتی کن سایه ای باری بیفکن بر زمین
- ۳) میوه شیرین اگر پیدا شود در سرو و بید / عافیت پیدا در این فیروزه گلشن می شود
- ۴) ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد / کو دل آزاده ای کز تیغ او مجروح نیست



۲۱. مفهوم «اصالت ذاتی - استبداد - مغلوب گشتن - تدبیر - ظرفیت وجودی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- (الف) بحر به صد رود شد آرام گیر / جوی به یک سیل برآرد نفیر  
 (ب) آن جا در آن برزخ سرد در کوجه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان نار من و تو؟  
 (ج) گیتی اهل وفا نخواهد شد / شوره آب روان نخواهد داد  
 (د) سر گرگ باید هم اول برید / نه چون گوسفندان مردم، درید  
 (ه) بدو گشته بدخواه او چیره‌دست / به کارش درآورده گیتی شکست
- (۱) الف - ه - د - ب - ج  
 (۲) ج - ب - الف - د - ه  
 (۳) ج - ب - ه - د - الف  
 (۴) د - ب - ه - ج - الف

۲۲. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، استنباط می‌شود؟

- «در این مقام، طرب بی‌تعب نخواهد دید / که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید»
- (۱) به تلخی قطره ما را ز دریا ابر اگر گیرد / به شیرینی دگر در کار دریا می‌کند ما را  
 (۲) تو خواهی نیک و خواهی بد کن امروز ای پسر کاین جا / عمل گر بد بود ور نیک بر عامل رقم گردد  
 (۳) دل چه بندی در این سرای مجاز / همّت پست کی رسد به فراز؟  
 (۴) ز نیرنگ هوا و از فریب آز خاقانی / دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش

۲۳. مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- (۱) گفت حق اندر سفر هر جا روی / باید اول طالب مردی شوی  
 (۲) در خواب دوش پیری در کوی عشق دیدم / با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن  
 (۳) به منزل می‌رساند سالکان را / تپیدن‌های بی‌تابانه دل  
 (۴) کار از تو می‌رود مددی ای دلیل راه / که انصاف می‌دهیم و ز ره او فتاده ایم
- کدام ابیات، مفهومی یکسان در ذهن ایجاد می‌کنند؟

- (الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است  
 (ب) گر کشته ز عشق تو شوم صاحب نامم / ور زنده ز کوی تو روم مایه ننگم  
 (ج) در جلوه‌گاه جانان جان را به شوق دادم / در روز تیر باران مردانه ایستادم  
 (د) از شجاعت نیست با نامرد گردیدن طرف / روی گردانیدن این جا حمله مردانه است  
 (ه) به راه عشق به مردانگی سپردم جان / که هر که جان نسپارد نه مرد میدان است
- (۱) الف - ج - ه  
 (۲) الف - د - ه  
 (۳) ب - ج - د  
 (۴) ب - د - ه

۲۴. کدام گزینه، با توجه به متن زیر «نادرست» است؟

«ای که مال از بحر جاه دوست می‌داری، کرم کن و تواضع پیش گیر که جاهی از این رفیع تر نیست که خلقت دوست دارند و ثنا گویند.»

- (۱) متن فوق با عبارت «از آسمان تاج بارد، اما بر سر آن کس که سر فرود آرد.» تناسب مفهومی دارد.  
 (۲) متن متشکل از هفت جمله است و «عت» در «خلقت» نقش مفهومی دارد.  
 (۳) در متن یک غلط املائی یافت می‌شود و مترادف واژه «مقام» نیز آمده است.  
 (۴) در متن فوق منادا محذوف است و یک ترکیب وصفی وجود دارد.





## رشته زبان

۱. با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های زوج، کدام است؟  
 «شرف، نجابت، اهلیت، داروغه، محتسب، کافی، مخنقه، عقد، مسامحه»  
 (۱) اصالت، بزرگواری، سهل‌انگاری، شایستگی (۲) بزرگواری، مأمور حکومتی، باکفایت، لیاقت  
 (۳) کارآمد، گردن‌بند، پاسبان و نگهبان، بزرگواری (۴) پاک‌منشی، مجری احکام دینی، بسنده، آسان گرفتن
۲. در همهٔ ابیات واژه‌های یافت می‌شود که «همگی» دارای معنی مشترکی هستند، به‌جز:  
 (۱) حریر سرخ بیرق‌ها گشاده / نیستانی به آتش درفاده  
 (۲) یکی ماه پیکر درفش از ترش / به ابر اندر آورده تابان سرش  
 (۳) زرنشین علمت کاینات / ما به تو قایم چو تو قایم به ذات  
 (۴) چورایت چنین است مردان کین / بخواه و مکن تیره روی زمین
۳. با توجه به واژه‌های داده شده، معنی واژه‌های «فرد» در کدام مورد «همگی» درست است؟  
 «سامان، سفله، حمایل، طفیلی، نشئه، پگاه، عفاف، دستور»  
 (۱) کیفوری، پارسایی، میسر، محافظ (۲) درخور، سرمستی، پر هیزکاری، وابسته  
 (۳) امکان، فرومایه، نگه‌دارنده، صباح (۴) لایق، بدسرشت، حالت سرخوشی، اجازه
۴. در متن زیر چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «گفت: حول ارتکابی کردی و این غدر را مدخلی نیک باریک جستی. مسند خلافت را صاحب سدر چنین بوده است. این اسامی را از فاتحت تا خاتمت آر و شرط ترتیب و ترکیب در وی نگه دار تا سمع را از تو فایده دهد و جمع را از تو ماعده»  
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
۵. در کدام ابیات «غلط املائی» به چشم می‌خورد؟  
 الف) بی‌نسیم رضات روزهٔ عمر / سر نشوونما نمی‌یابد  
 ب) گوشه و خوشه بساخت از پی مجد و سنا / گوشهٔ عرش از سریر خوشه چرخ از بنان  
 ج) در این مقام، طرب بی‌تعب نخواهد دید / که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید  
 د) کمانی چو خفته ستون سطر / زهش چون کمندی ز چرم هژبر  
 ه) غبار هوا چشم عقلت بدوخت / سموم هوس کشت عمرت بسوخت  
 (۱) الف - ب - د (۲) الف - ج - د (۳) ب - ج - ه (۴) ب - د - ه
۶. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟  
 (۱) ملک از استماع این نصیحت امتناع نمود و سخن مُشیر بی‌نظیر را خوار داشت.  
 (۲) جانبِ دوست تو رعایت کردن و آرم مونسِ تو نگاه داشتن لازم آید، دل قوی دار و هراس و نفرت را به خود راه مده.  
 (۳) پیر را از مال در کار آورد تا جانب دین و مروّت مهمل گذاشت و ارتکاب این محضور به خلاف شریعت و طریقت جایز شمرد.  
 (۴) ثقتِ پادشاه و رعیت به کمالِ اخلاص او می‌افزود و در همهٔ معانی او را محرم می‌داشتند و در ابواب مهمّات با او مشاورت می‌پیوستند.



۷. انتساب کدام سروده به سرایندهٔ آن «غلط» آمده است؟
- ۱) و تو شکر خدا کن، به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت رستن از رنج (گوته)
  - ۲) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟ (شکسپیر)
  - ۳) ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره، فروزان / بگذار گرد و خاک قدم‌هایت را بگیریم. (نزار قبانی)
  - ۴) خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید. (تاگور)
۸. در کدام بیت «دو ایهام» و «یک استعاره» وجود دارد؟
- ۱) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم / زان دو لب شیرینت صد شور برانگیزم
  - ۲) ساقی ار باده از این دست به جام اندازد / عارفان را همه در شرب مدام اندازد
  - ۳) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطرهٔ باران ما گوهر یک دانه شد
  - ۴) گفتیم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد / گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
۹. آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات تماماً درست است، به جز:
- ۱) در آن دریای خون در دشت تاریک / به دنبال سر چنگیز می‌گشت (جناس، اغراق)
  - ۲) میل رفتن مکن ای دوست، دمی با ما باش / بر لب جوی، طرب جوی و به کف ساغر گیر (جناس تام، مجاز)
  - ۳) خواهم که پیش میرمت ای بی‌وفا طیب / بیمار باز پرس که در انتظارمت (استعاره، ایهام)
  - ۴) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست (پارادوکس، ایهام)
۱۰. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟
- «تا هست تاج عشق توام بر سر ای غزال / شیرین بود به شهر غزل شهر یاریم»
- ۱) استعاره، جناس، تضاد، تشبیه
  - ۲) استعاره، جناس، تشبیه، ایهام
  - ۳) تشبیه، حس آمیزی، اغراق، ایهام
  - ۴) جناس، حس آمیزی، کنایه، حسن تعلیل
۱۱. تعداد تشبیه در کدام بیت، بیش از سایر ابیات است؟
- ۱) غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت / ز خیل شادی روم رخت زداید باز
  - ۲) چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر
  - ۳) صورت بر صورت بی حد غیب / ز اینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب
  - ۴) بی‌تأمل چون عرق بر روی خوبان می‌رویم / چون کمند زلف گستاخ بر و دوشیم ما
۱۲. در سرودهٔ زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟
- «این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / این گلیم تیره‌بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و ...»
- ۱) یک، هفت
  - ۲) دو، هفت
  - ۳) سه، هفت
  - ۴) دو، هشت
۱۳. در کدام مصراع، فعل اسنادی و غیراسنادی «هر دو» یافت می‌شود؟
- ۱) من در میان جمع و دلم جای دیگر است
  - ۲) ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست
  - ۳) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد
  - ۴) باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست



۱۴. صفت‌های «نسبی، فاعلی، لیاقت و مفعولی» به ترتیب، در کدام سروده‌ها آمده است؟

الف) لاله‌زاری در دل افکار دارم دیدنی

ب) تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم

ج) از پس نبردی سخت باز می‌گردم با چشمانی خسته

د) ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند خورده‌ای

۱) ب - الف - ج - د (۲) ب - د - ج - الف (۳) د - الف - ب - ج (۴) د - ب - الف - ج

۱۵. در ابیات زیر به ترتیب «چند قید و چند مسند» یافت می‌شود؟

شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند

دوران روزگار به ما بگذرد بسی / گاهی شود بهار دگر که خزان شود»

۱) پنج، دو (۲) پنج، سه (۳) شش، دو (۴) شش، سه

۱۶. نقش قسمت‌های مشخص شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟

«با بدان کم نشین که صحبت بد / گرچه پاکی تو را پلید کند

آفتابی بدین بزرگی را / لگه‌ای ابر ناپدید کند»

۱) قید، مسند، نهاد، مفعول، قید (۲) قید، نهاد، مسند، مفعول، مسند

۳) مسند، نهاد، مسند، متمم، قید (۴) مسند، نهاد، نهاد، مفعول، مسند

۱۷. مفهوم کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

«صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار»

۱) چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من

۲) می‌شد از غیرت آینه دل عاشق آب / خوبی معنی اگر جلوه به صورت می‌کرد

۳) ضمیر پیش‌بین او روان چون آب می‌خواند / ز لوح چهره امروز نقش صورت فردا

۴) نباشد نیک باطن در پی آرایش ظاهر / به نقاش احتیاجی نیست دیوار گلستان را

۱۸. مفهوم کدام ابیات یکسان است؟

الف) در شکست دل ما سعی فلک بی‌جا نیست / می‌کند آینه صاف، خجل زنگی را

ب) بر چرخ سست عهد منه دل ز سادگی / طاق شکسته نیست سزاوار شیشه را

ج) در آن گلشن که عمر باغبان از گل بود کم‌تر / زهی غافل که ریزد بر زمین رنگ اقامت را

د) تن ده به بخت شور که خوابانده است چرخ / از صبح در نمک جگر آفتاب را

ه) دل چه بندی در این سرای مجاز / همت پست، کی رسد به فراز

۱) ب - ج - ه (۲) الف - ج - د (۳) الف - د - ه (۴) ب - د - ه

۱۹. کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او / سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد»

۱) کسی کز عشق خالی شد فسرده است / گرش صد جان بود بی‌عشق مرده است

۲) غلام عشق شو کاندیشه این است / همه صاحب‌دلان را پیشه این است

۳) دلی که عشق نبازد ز سنگ خاره بود / چه دولتی بود آن دل که عشق باره بود

۴) زنده نه آن است که جانی در اوست / اوست که از عشق نشانی در اوست



۲۰. کدام بیت، با سرودهٔ زیر «هم مفهوم» است؟

«اگر فکر و حواسم این جهانی است / بهره‌ای والاتر از بهر من نیست / روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد / زیرا هر دم به تلاش است تا که فردا رود.»

- ۱) مرغ دل داشت هوای تو در اقلیم دگر / کرد پروازی و در دام بلا افتادم
- ۲) با اهل فنا دارد هر کس سر یک رنگی / باید که به رنگ شمع از رفتن سرخندد
- ۳) ما طایر قدسیم و ز خلوتگه انسیم / پابستهٔ این کهنه قفس چند توان بود
- ۴) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

۲۱. مفهوم: «کُلُّ شَیْءٍ یَرْجِعُ الِی اَصْلِیْهِ» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- ۱) به کوشش نروید گل از شاخ بید / نه زنگی به گرمابه گردد سپید
- ۲) به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه / کشش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن
- ۳) ندارد بازگشتی کفر و دین غیر از سر کویش / به دریا می‌رود هر سیلی از کهسار ای ساقی
- ۴) بی‌کشش نتوان برون از قید دنیا آمدن / بی‌رسن از چاه هیهات است بالا آمدن

۲۲. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد»
- ۱) تو پیش از عقوبت در عفو کوب / که سودی ندارد فغان زیر چوب
  - ۲) تو یک نوبت ای ابر رحمت بیار / که در پیش باران نیاید غبار
  - ۳) خدایا به غفلت شکستیم عهد / چه زور آورد با قضا دست جهد
  - ۴) کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار

۲۳. کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

- «مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچهٔ خاموش بلبل را به گفتار آورد»
- ۱) عطار در دل و جان اسرار دارد از تو / چون مستمع نیابد پس چون کند روایت
  - ۲) تنی چند بر گفت او مجتمع / چو عالم نباشی کم از مستمع
  - ۳) سخن از مستمعان قدر پذیرد هیهات / قطره در گوش صدف گوهر شهوار شود
  - ۴) سماع ای بردار نگویم که چیست / مگر مستمع را بدانم که کیست

۲۴. همهٔ ابیات با بیت زیر تضاد مفهومی دارند، به جز:

- «دلا خموشی چرا؟ چوخم نجوشی چرا / برون شد از پرده راز تو پرده‌پوشی چرا؟»
- ۱) سینه باغی است که گلشن شود از خاموشی / دل چراغی است که روشن شود از خاموشی
  - ۲) خاموشی مهر سلیمان بود و دیو سخن / به کف دیو مده مهر سلیمان زینهار
  - ۳) می‌کشد مهر خموشی ز جگر زهر سخن / زخم این مار شود به، به همین مهرهٔ مار
  - ۴) طوطی از صحبت آینه سخن ساز شود / روی بنما و مرا بر سر گفتار بیار



۲۵. مفهوم عبارت زیر با همهٔ ابیات تناسب مفهومی دارد، به جز:

- «حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است.»
- (۱) آب را چون مدد بود هم از آب / گلستان گردد آن چه بود خراب
  - (۲) مورچگان را چو بود اتفاق / شیر ژیان را بدراند پوست
  - (۳) مرؤت نبینم رهایی ز بند / به تنها و یارانم اندر کمند
  - (۴) دو دوست با هم اگر یک دلند در همه کار / هزار طعنهٔ دشمن به نیم جو نخرند

### ■ خارج از کشور

۱. در میان واژه‌های داده شده، معنی چند واژه «درست» است؟

- (نجات: اصالت) (هژیر: شیر) (تقریظ: بزرگداشت) (فلق: فجر) (پدرام: آراستگی) (ویله: ناله)  
 (شیراوژن: قهرمان شدن) (مَنّت: سپاس) (تزار: پادشاهان روم در گذشته)
- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۲. با توجه به واژه‌های زیر معنی واژه‌های «فرد» کدام است؟

- التهاب، مقرون، علّت، درایت، خَنیده، پالیز، نوند، کوشک»
- (۱) بی‌قراری، همراه، مشهور، بینش
  - (۲) ناآرامی، عارضه، معروف، جالیز
  - (۳) نامدار، اسب تندرو، شعله‌ور شدن، بیماری
  - (۴) اضطراب، نزدیک به هم، پرآوازه، اسب تندرو

۳. در کدام ابیات، متضاد واژه‌های (فاحش، بادی، ممت، جنت) به ترتیب، آمده است؟

- الف) به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی / به صد دفتر نشاید گفت وصف الحال مشتاقی  
 ب) ز لب دوختن، غنچه را زندگی است / چو بشکفت زان پس پراکندگی است  
 ج) هر آن کس که پیش من آید به جنگ / نبیند به جز دوزخ و گور تنگ  
 د) همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر / نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفل
- (۱) ب - د - ج - الف (۲) د - الف - ب - ج (۳) د - الف - ج - ب (۴) د - ب - الف - ج

۴. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟

- (۱) به برکات یک‌دلی و مخالفت و معاونت از چندین ورطهٔ هایل خلاص یافتند و خردمند باید که در این حکایات به نور عقل اهتمام ورزد.
- (۲) مطاوعتِ ملک بر من فرض است و بادیهٔ فراق او بی‌شک دراز و بی‌پایان خواهد گذشت که همهٔ عمر کعبهٔ اقبال من درگاه او بوده است.
- (۳) و چون کسی بدین اوصاف آراسته بود و از بوتهٔ امتحان بدین نمط که تقریر افتاد بیرون آمد، حرمت او به مدّت در دل‌ها جای گیرد.
- (۴) هیچ چیز ضایع‌تر از دوستی کسی نیست که در مذهب خود اهمال حق و نسیان شکر جایز شمرد و سرگفتن با کسی که سخن چینی صخرهٔ بیان و پیشهٔ بنان او باشد.



۵. کدام بیت، دارای «غلط املائی» است؟
- عجب بر ذنخدان آن دل فریب / که هرگز نبوده است بر سرو سیب
  - گهی که جرم مرا پیش تو حساب کنند / تو رشحه‌ای ز کرم‌های بی حساب بریز
  - خصمی که تیغ کافرش اندر غذا بکشت / خونش بریخت ابروی همچون کمان دوست
  - کنون به عرض صله خاطر من آشوب است / کنون به جای درم در کف من آزار است
۶. در متن زیر، چند «غلط املائی» وجود دارد؟
- «وزارات هم منصوب است به انواع مشقت‌ها و اصناف رنج‌ها که وزیر به غربت پادشاه مبتلا بود به صدد کارهای بزرگ، حالی به ثواب آن لایق‌تر که در کارها غفلت کم رود و مهمات خوار شمرده نیاید.»
- یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۷. کدام اثر در مقابل عبارت داده شده، «غلط» آمده است؟
- چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست. (سفرنامه)
  - رنج هیچ‌کس ضایع مکن و همه کس را به سزا، حق شناس باش. (قابوس‌نامه)
  - به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد. (فی حقیقة العشق)
  - سودای عشق از زیرکی جهان بهتر آزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید. (تذکره الاولیا)
۸. در کدام ابیات استعاره و مجاز، «هر دو» وجود دارد؟
- الف) سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی‌گناهم رهایی مراست
  - ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کآرام درون دشت شب خفته است
  - ج) ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست / شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
  - د) به خرابی خوشم امروز که فردا ز کرم / همت پیر خرابات کند تعمیرم
- الف - ب (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ج - د
۹. تعداد «ایهام» در کدام بیت، بیش‌تر است؟
- ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
  - پیش اسبت رخ نهم ز آن رو که غم نبود ز مات / در وفایت جان ببارم تا کجا یابم وفات
  - چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
  - دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو / باز پرسید خدا را که به پروانه کیست
۱۰. آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است، به‌جز:
- هر سر خیر ز سیر محبت کجا شود / الا سری که سجده آن آستانه کرد (جناس، مجاز)
  - دل کشید آخر عنان چون مرد میدان نبود / صبر پی گم کرد چون همدست دستانت نبود (ایهام، استعاره)
  - خوبان همه از مهرش مهری به جبین دارند / خورشید صباحت را طالع ز جبینش بین (جناس، ایهام)
  - کنار مزرع سبز فلک یک‌باره تر می‌شد / اگر در گریه شب‌ها دیده را فواره می‌کردم (اغراق، تشبیه)



۱۱. آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟
- «گر سرت خود در سر سودای زلفش می‌رود / زان سر مویی مکن خاطر پریشان غم مخور»
- (۱) جناس، مجاز، ایهام، کنایه  
(۲) استعاره، جناس، تضاد، واج‌آرایی  
(۳) واج‌آرایی، مراعات نظیر، جناس، تضاد  
(۴) جناس، استعاره، مراعات نظیر، حسن تعلیل
۱۲. تعداد جمله‌های بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟
- «به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا»
- (۱) همه آنی همه حسنی همه لطفی همه ناز / به چنان حسن و لطافت سزدت گر نازی  
(۲) دلا گفتم غم خود خور که کار از دست شد بیرون / تو را غم خوردن است ای دل تو غمخواری چه می‌دانی  
(۳) همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی  
(۴) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی
۱۳. نوع وابسته‌های وابسته در کدام گزینه، با سرودهٔ زیر یکسان است؟
- «پهلوان هفت خوان اکنون / طعمهٔ دام و دهان خوان هشتم بود»
- (۱) بس که خونش رفته بود از تن / بس که زهر زخم‌ها کاریش  
(۲) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد  
(۳) شیر مرد عرصه، ناورد‌های هول / پور زال زر، جهان پهلوی  
(۴) آن سکوتش ساکت و گیرا / و دَمَش، چونان حدیث آشنایش گرم
۱۴. اجزای جملهٔ مصرع دوم کدام گزینه، با مصرع اول بیت زیر، یکسان است؟
- «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره رای»
- (۱) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش  
(۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور  
(۳) بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش  
(۴) دگر روز باز اتفاق اوفتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد
۱۵. کدام گزینه، با توجه به سرودهٔ زیر «نادرست» است؟
- «باید پنجره را گشود و دید / چند سینه سرخ مهاجر بر شاخسار عربان نشسته‌اند / و بهار از کدام سمت آسمان به باغ می‌آید»
- (۱) در سرودهٔ فوق فعل ماضی نقلی و مضارع اخباری وجود دارد.  
(۲) یک واژهٔ دو تلفظی و دو مفعول در کل سروده یافت می‌شود.  
(۳) چهار جملهٔ ساده و یک نقش تبعی در این سروده دیده می‌شود.  
(۴) چهار ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در سروده به چشم می‌خورد.
۱۶. نقش قسمت‌های مشخص شده در ابیات زیر، به ترتیب، کدام است؟
- «چه خوش فرمود آن پیر خردمند / وزین خوشتر نباشد در جهان پند  
اگر خونین‌دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام»
- (۱) قید، قید، مسند، مفعول  
(۲) قید، مسند، مسند، مفعول  
(۳) مسند، قید، مسند، نهاد  
(۴) قید، مسند، نهاد، مفعول



## ۱۷. کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«هر دو گون زنبور خوردند از محل / لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عسل»

- ۱) نه میر و شه بود هر کاو کمر بندد کله دارد / که میر و شه کسی باشد که عالم را نگه دارد
- ۲) نه هر که دارد شمشیر حرب باید ساخت / نه هر که دارد پازهر زهر باید خورد
- ۳) نه چون موسی بود هر کس که عمرانش پدر باشد / نه چون عیسی بود هر کس که باشد مادرش مریم
- ۴) به جز شکردهنی نکته‌هاست خوبی را / به خاتمی نتوان دم زد از سلیمانی

## ۱۸. مفهوم «الدهرُ یومان یومَ لک و یومَ علیک» از همهٔ ابیات دریافت می‌شود، به جز:

- ۱) زمان گر بزند آتشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست
- ۲) پشت هر غم شادایی بنهفته، بنگر آسمان / ابر گریان دارد و خورشید خندان غم مخور
- ۳) نیست غم گر به دل از عشق غباری برسد / از پس گرد به ناچار سواری برسد
- ۴) دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو

## ۱۹. مفهوم کدام ابیات، در مقابل آن‌ها درست آمده است؟

- الف) عندلیب دل من نغمه‌سرا شد روزی / کانجمن را ز رخت صحن گلستان کردی (تجلی معشوق)
- ب) بانگ زد یارش که بر در کیست آن / گفت بر در هم تویی ای گلستان (تجیر و سرگشتگی)
- ج) گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته‌ای گیرد زوال (عشوهری)
- د) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است (اتحاد عاشق و معشوق)
- ه) به شام تیرهٔ هجران چه کار خواهیم کرد / که هیچ کار نیاید ز نالهٔ سحرم (استیصال)
- ۱) الف - ب - د      ۲) الف - د - ه      ۳) ب - د - ه      ۴) ب - ج - ه

## ۲۰. کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد»

- ۱) به گناه عشق کشتیم و هنوز برنگشتیم / ز ارادتی که بودم ز محبتی که هستم
- ۲) هر جا که حسن معشوق سرگرم جلوه گردد / جز عاشقی میندار کار دیگر توان کرد
- ۳) عشق بازی کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟
- ۴) از در و دیوار می‌بارد بلا در راه عشق / یک سرابم پیش ره نامد که توفانی نداشت

## ۲۱. متن زیر با همهٔ ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

«گفت: بلبلان را دیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه؛ اندیشه

کردم که مرؤت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت، خفته.»

- ۱) هوای سیر گل و ساز بلبلم دادی / که بنگرم به گل و سر کنم ثنای تو را
- ۲) گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح گوی و من خاموش
- ۳) در طبیعت به هر صلا و سکوت / گوش دل واکنی حکایت اوست
- ۴) هر یک به زخمهٔ خود ساز تو می‌نوازد / بلبل به نغمه‌خوانی مطرب به چیره‌دستی





۲۲. مفهوم کلی بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«دل چه بندی در این سرای مجاز؟ / همت پست کی رسد به فراز»

- ۱) چون گل صبح به خون شست همان دم رخسار / به خوشی یک دو نفس هر که درین عالم زد
- ۲) هر که پشت پای چون شبنم به آب و رنگ زد / در حریم مهر تابان تکیه بر اورنگ زد
- ۳) دست منعی که فشانند بزرگان به فقیر / پشت پای است که بر دولت پاینده زدند
- ۴) از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

۲۳. مفهوم بیت زیر، در کدام بیت یافت می‌شود؟

«دل گرمی و دم سدی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند»

- ۱) ایام حیاتش همه ایام بهار است / روز و شب هر کس که برابر شده باشد
- ۲) کار خامان می‌توان از پخته‌گویی ساختن / گرمی آتش کند کوتاه زبان خار را
- ۳) زمانه بوته خار از درشت خوبی توست / اگر شوی تو ملایم جهان گلستان است
- ۴) در خزان سرو چو ایام بهاران تازه است / دل چو آزاد شود سود و زیان هر دو یکی است

۲۴. کدام بیت، با بیت زیر «تضاد» معنایی دارد؟

«ز من بشنو به خاموشی مکن خوی / که خاموشی دلیل جهل باشد»

- ۱) درست گوی به هنگام گوی و نیکو گوی / که سخت مشکل کاری است کار گفت و شنود
- ۲) سخن چو گویی سنجیده گوی در مجلس / که از کلام نسنجیده خوار گردد مرد
- ۳) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد
- ۴) مهر زن بر لب گفتار که در بزم جهان / شمع آسوده ز کشتن شود از خاموشی

۲۵. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، متناسب نیست؟

«گریز از کفش در دهان نهنگ / که مردن به از زندگانی به ننگ»

- ۱) به نام نکو گر بمیرم رواست / مرا نام باید که تن مرگ راست
- ۲) مرا مرگ بهتر از این زندگی / که سالار باشم کنم بندگی
- ۳) مرا سر نهان گر شود زیر سنگ / از آن به که نامم برآید به ننگ
- ۴) هر زمان گویند دل در مهر دیگر یار بند / پادشاهی کرده باشم پاسبانی چون کنم



## پاسخ نامه سؤالات کنکور سراسری سال ۱۴۰۰

### ■ رشته ریاضی

۱. **مفتاح:** کلید (درس ۱ فارسی دهم) / نمط: روش، طریقه (درس ۱ فارسی دهم) / اوان: وقت، هنگام (درس ۱۶ فارسی دهم) / برزن: کوی، محله (این واژه در منابع کنکور ۱۴۰۱ معنا نشده است اما می‌توان آن را در متن درس ۸ فارسی یازدهم پیدا کرد)؛ که به ترتیب در بیت‌های ب، د، ج و الف موجودند.
۲. **معنای درستی واژگان غلط:** عصیان: نافرمانی، گناه و معصیت (نیایش فارسی یازدهم) / یغور: درشت، بدقواره (درس ۱۶ فارسی یازدهم) / خدو: آب دهان، بزاق (درس ۱۴ فارسی یازدهم) / سو: دید، توان بینایی (دیده یعنی: چشم!) (درس ۱۶ فارسی یازدهم)
۳. **معنای واژگان فرد، به ترتیب:**  
صواب: درست، پسندیده، مصلحت (این واژه در منابع کنکور ۱۴۰۱ به این صورت معنا نشده است) (درس ۱۵ فارسی یازدهم) / سریر: تخت پادشاهی، اورنگ (درس ۵ فارسی دوازدهم) / شرز: خشمگین، غضبناک (درس ۵ فارسی دوازدهم) / معجز: سرپوش، روسری (درس ۵ فارسی دوازدهم) معنای صحیح واژه‌های بالا، بدون ترتیب در گزینه چهارم وجود دارد.
۴. **صورت درست غلط‌های این متن:** تبعت: (نتیجه ناگوار، عاقبت بد) / معونت: مساعدت، یاری
۵. **وقتی جاه (شکوه و منزلت) و منفعه (سودمندی) را داریم، پس قدر (ارزش، اعتبار) صحیح است.** نه غدر (مکر و فریب).
۶. **مألوف، از الفت می‌آید و یعنی خو گرفته و آشنا.** پس معلوف غلط است.
۷. **این گونه تست‌ها، اصلاً استاندارد نیستند و هیچ هدف آموزشی را دنبال نمی‌کنند.**  
بیت «الف» از ابوسعید ابوالخیر و بیت «د» از مولانا است.
۸. **گزینه ۱: «جلال - جمال» جناس ناهمسان دارد.** «ایهام» در بیت آفریده نشده است.  
**گزینه ۲: «چهره گلستان» اضافه استعاره‌ای است.** طراح محترم «دو هفته» را مجاز از زمانی کوتاه گرفته است. (در اصل کنایه با رابطه نمونه‌ای)
- گزینه ۳: «لب لعل» اضافه تشبیه‌ای است و رخ بدخشان (منطقه‌ای گوهرخیز) اضافه استعاره‌ای.**
- گزینه ۴: جناس کمرنگی میان «به - په» وجود دارد.** «ابر احسان» اضافه تشبیه‌ای است.
۹. **گزینه ۱: «بادیه عشق» اضافه تشبیه‌ای است.** «این راه» استعاره از عشق است.
- گزینه ۲: در واژه‌های «شاهوش»، «ماه‌رخ» و «زهره جبین» سه تشبیه (درون‌واژه‌ای) دیده می‌شود.** «دُر یکتا» و «گوهر یكدانه» را می‌توان استعاره از معشوق یگانه دانست.
- گزینه ۳: طبع به طوطی مانند شده.** طوطی طبع به بلبل مانند شده  $\Leftarrow$  ۲ تشبیه «شکر» و «بادام» استعاره‌های آشنایی برای شما هستند.
- گزینه ۴: باد و غنچه تشخیص دارند.** تشبیه‌ی در کار نیست.



۱۰. تشبیه: شکر خند (خندهای به شیرینی شکر)

ایهام: شکر هم به معنی رایجش پذیرفتنی است هم در معنی یکی از زیبارویان زمان خسرو و شیرین (با وجود بار، دیگر کسی به شکر خانم بهایی نمیدهد!) که در کتاب آرایههای نشر دریافت در موردش توضیح داده بودم. پارادوکس: اینکه با شیرینی کام کسی تلخ شود، متناقضما است. مجاز: طراح «کام» را مجاز دانسته است.

۱۱. این استعاره‌ها برای خوانندگان این کتاب بسیار آشناست: لعل، نُقل، شکر، پسته

۱۲. گزینه ۱: ترکیب‌های اضافی: ۱- عزمت ۲- ضامن دوام ۳- دوام جهان ۴- خون تو ۵- معنای راستی

گزینه ۲: ترکیب‌های اضافی: ۱- مرگ تو ۲- مرگت ۳- غبطه زندگانی

ترکیب‌های اضافی: مردنی چنان (چنان مردنی) ۲- غبطه بزرگ («چنان» در مصراع دوم، قید است.)

گزینه ۳: ترکیب‌های اضافی: ۱- پشت زین ۲- زین خود ۳- کلبه خود ۴- خیمه خود ۵- فراز سر ۶- سرم («هیچ» مفعول است.)

گزینه ۴: ترکیب‌های اضافی: ۱- گذرگه تاریخ ۲- تشنه شهادت

ترکیب‌های وصفی: ۱- بشریت رهگذار (درحال گذر) ۲- هر عاشقی

۱۳. بیت صورت سؤال از ۵ جمله تشکیل شده است. گزینه نخست، ۴ جمله است؛ گزینه دوم، ۵ جمله؛ گزینه سوم، ۳ جمله («آری» قید است نه جمله)؛ گزینه چهارم، ۴ جمله است (آنک یا اینک قید هستند نه جمله)

چو گفتمش دلم را نگاه دار، چه گفت: <sup>۱</sup> ز دست بنده چه خیزد، خدا <sup>۵</sup> نگه دارد

گفتمش مهر فروغی به تو روزافزون است؛ گفت: <sup>۳</sup> من هم به خلافتش دل پرکین دارم

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت؛ آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

جانان من [با تو هستم] بر خیز و بشنو باگ چاووش، آنک امام علم بگرفته بر دوش («آنک» قید است.)

۱۴. گزینه ۱: گاهی مرداد مه <sup>۲</sup> و گاه دی <sup>۱</sup> اش نام نهادند (نامیدند) <sup>مسنند</sup>  
 قید مسند قید مفعول

گزینه ۲: «صد» و «یکی» وابسته پیشین هستند. «ما» یک وابسته پسین است که به دلیل همپایگی هسته‌ها، دو ترکیب اضافی ساخته است.

گزینه ۳: «خویش» هم آوا دارد: خویش (گاوآهن). تضاد میان «دی-مرداد» و «دم‌سری-دل‌گرمی» برقرار است.

گزینه ۴: «تا» پیوند وابسته‌ساز است و «و» پایانی هم پایه‌ساز میان دو جمله.

۱۵. الف: جانش محرم اسرار عشق نیست. <sup>نهاد</sup> <sup>مسنند</sup>

ب: سر پر ز شرم و بهایی برای من است (وجود دارد). <sup>نهاد</sup> <sup>متمم</sup>

۱. البته می‌توان در این‌جا جمله «گفت که» را حذف شده در نظر گرفت از نگاه طراح مقدم دور مانده است.

۲. طراح محترم «مرداد مه» را ترکیب اضافی جایه‌جا (مقلوب) دانسته است.



ج: حرکاتش متناسب به هم [بود]

نهاد مسند

د: یک دشمن در نهانی برای من هست (وجود دارد).

نهاد قید متمم

۱۶. ای [کسی که] کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش [است] و از تشنگی ات در جوش و خروش [است] [با تو هستم]

مسند

منادا

جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست، نشنیدم که دریا مشک (را) بر دوش بکشد.

مفعول

مفعول

۱۷. مفهوم بیت گزینه ۳، «از صورت و ظاهر به معنا و باطن رسیدن» است (فراست و ژرف‌نگری) و ربطی به

تزییر و دورویی ندارد.

معنای بیت گزینه دوم: آدمیان پاک‌سرشت و سبک‌روح با دندان بر دل فشردن (شکیبایی و تحمل رنج و

مصیبت) در زندان این روزگار رخنه می‌کنند و راهی برای رهایی خود می‌گشایند. (صبر و تحمل مایه‌رهایی

از رنج روزگار است.)

۱۸. شرف‌المکان بالمکین: ارزش هر مکان به کسی است که در آن حضور دارد. نگین انگشتر نیز خود

ارزشمند است و مهم نیست که آن را در چه جایگاهی بنشانیم.

۱۹. بیت سوم با مفهوم رایج صورت سؤال تقابل دارد و بیت چهارم تناسب!

۲۰. «سر به گریبان فروردن» کنایه از غم و افسردگی یا گوشه‌گیری و سکوت است نه خاکساری و

فروتنی، پس گزینه یک تناسبی با مفهوم صورت سؤال ندارد.

بیت چهارم، خاکساری و تواضع را مایه‌نشاط و سرزندگی و رویش می‌داند که با مفهوم صورت سؤال

هم‌راستاست و مشخص نیست در کلید اولیه سازمان سنجش چرا گزینه ۴، انتخاب شده است. در بیت

پایانی همین غزل نیز صائب می‌گوید:

در ایام «خزان» صاف است آب جوی‌ها، صائب / زلال زندگی در موسم پیری ست بی‌غش‌تر

۲۱. و (۱۱) و (۱۲) با فرعون که سرکش و طاغی است باید به نرمی و مدارا سخن گفت تا خشمگین نشود و به راه راست

بباید ⇐ با آرم و نرمی سخن بگو تا سخنی درشت و سخت نشنوی ⇐ گزینه ۱

در گزینه ۴، از قدرت عشق سخن رفته‌است، از سنگ خارا می‌توان تندیس آدمیان را ساخت اگر عشق لب

شیرین و گرمای چهره او انگیزه سنگ‌تراش (فرهاد) باشد.

در ادامه همین غزل، صائب می‌گوید:

ز شوق بیستون آیینه را بر سنگ زد شیرین / خوشا کاری که بر آتش نشاند «کارفرما» را

بنابراین آشکارا مشخص است که مقصود از «کارفرما» شیرین است و با غزلی سراپا عاشقانه روبه‌رو هستیم

که هیچ ارتباطی با مفهوم تعلیمی آیه یاد شده در صورت سؤال ندارد و مشخص نیست چرا گزینه ۴ در کلید

اولیه سازمان سنجش انتخاب شده است.

۲۲. مفهوم هر دو بیت الف و ب یکسان است: نکوهش و شکوه از ترک میهن، اما در بیت الف شاعر در وطن

است و جلای وطن را نکوهش می‌کند؛ درست برخلاف بیت ب که در آن شاعر ترک وطن کرده و از کار خود

پشیمان است؛ بنابراین تضادی تصویری و معنایی میان بیت‌های الف و ب وجود دارد اما مفهوم و پیام هر دو بیت



یکسان است. (متأسفانه طراحان محترم در انتخاب واژه‌های صورت سؤال دقت کافی را به خرج نمی‌دهند.) مفهوم بیت ج: «خاک» در این جا مجاز از زمین و دنیای مادی است که سزاوار دل بستن و خانه گزیدن نیست؛ یعنی در این بیت، اصلاً «وطن» در معنای میهن به کار نرفته است. (این نکته بسیار زیبا و زیرکانه در این تست گنجانده شده بود.)

۲۳. مفهوم بیت نخست «برجامانند نام و یاد نیک» است که ارتباط خاصی به ضرب المثل «از ماست که بر ماست» ندارد؛ به همین دلیل تشخیص گزینه مورد نظر طراح محترم دشوار نبود.

۲۴. مفهوم بیت صورت سؤال: خداوند به هر کسی آنچه را می‌دهد که سزاوارش هست.

۲۵. برای شما بیت و مفهوم بسیار آشنا بود!

### رشته تجربی

۱. زهی: آفرین، شگفتا، خوشا (ستایش فارسی دهم) / صاحب‌دل: عارف، آگاه (درس ۱۶ فارسی دهم) / جفا: بی‌وفایی، ستم (درس ۷ فارسی دهم) / مرحمت: احسان، لطف، مهربانی (نیایش فارسی دهم)؛ که به ترتیب در بیت‌های ج، د، الف و ب موجودند.

۲. منت: سپاس، شکر، نیکویی (درس ۱۶ فارسی دهم) (واژه نیکویی از منابع کنکور ۱۴۰۱ حذف شده است) / صحیفه: کتاب (درس ۱۸ فارسی دوازدهم) / ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی‌کرانگی (درس ۹ فارسی دوازدهم) / روایی: ارزش، اعتبار (درس نیایش فارسی دوازدهم) / محظوظ: بهره‌ور (درس ۱۶ فارسی دوازدهم) / شگرف: قوی، نیرومند (درس ۱۴ فارسی دوازدهم) / آخته: بیرون کشیده، برکشیده (درس ۱۷ فارسی دوازدهم)؛ که گزینه نخست معنای ۲ واژه، در گزینه دوم معنای ۳ واژه، در گزینه سوم معنای ۱ واژه و در گزینه چهارم معنای ۴ واژه از واژه‌های بالا را در بردارد.

۳. معنای واژگان زیر غلط است:

تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی (درس ۹ فارسی دوازدهم) / اسرا: (ب) در شب سیر کردن (ب) جمع اسیر (درس ۹ فارسی دوازدهم) / جراره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمی (درس ۸ فارسی دوازدهم) / زخمه: ضربه، ضربه زدن (ضربه‌زننده غلط است) (درس ۱۰ فارسی دوازدهم)

۴. غلطها در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: کراهیت (ناپسندی) // گزینه ۲: آتش فراق (آتش جدایی) // گزینه ۳: گذارده‌اند: گذاشته‌اند (اگر اشتباه پاسخ داده‌اید برگردید و دفتر سوم را مرور کنید)

۵. صورت درست غلط‌های این عبارت: منقلب (آشفته)، ضجه (نال و زاری، شیون)، توجیه (دلیل آوردن)

۶. در عبارت ب، اصرار (پافشاری) صحیح است و در عبارت ج، صواب (درست).

۷. این گونه تست‌ها، اصلاً استاندارد نیستند و هیچ هدف آموزشی را دنبال نمی‌کنند.

۸. جناس تام میان «چین» (سرزمین چین) و چین (چین و شکن مو) آشکار است، اما از «چین» در مصراع دوم معنی «سرزمین چین» نیز قابل برداشت است:



در پیچ و خم موی تو گویی صد سرزمین چین نفهته است که این همه بوی خوش مشک از آن به مشام میرسد. استعاره در این بیت به سختی پذیرفتی است؛ شاید طراح «افشاندن زلف» را استعاره مکنیه به شمار آورده است، گویی زلف یار درختی بارور است و بار آن مشک است و نافه.

۹. **گزینه ۱:** «نرگس» و «سوسن» انسان انگاشته‌اند و این تشخیص در دل استعاره مکنیه آمده است. ایهامی در کار نیست.

**گزینه ۲:** «روزی» را می‌توان دو گونه معنا کرد: ۱- اگر بوسیدن جام لبش رزق و روزی من نیست. ۲- اگر بوسیدن جام لبش در میان نیست، کاشکی روزی (یک روز) می‌افتاد (اتفاق می‌افتاد) که ... «در» را می‌توان مجاز از خانه گرفت یا «جام» را مجاز از شراب.

**گزینه ۳:** در درخشش شمشیر و بسیاری احسان مخاطب اغراق شده است. «بار احسان» اضافه تشبیهی است (وجه شبه: بسیاری و سنگینی).

**گزینه ۴:** به «قلم» شخصیت انسانی داده شده است در قالب استعاره مکنیه. «مجلس» را می‌توان مجاز از زبان آوران و سخنوران دانست. (یا «کام» را مجاز از دهان)

۱۰. **گزینه ۲:** روشن است که طراح تشخیص جناس تام در واژه «آهو» برایش مهم بوده است.

«آهو» در پایان بیت حتماً معنای عیب می‌دهد. «آهو» ی دوم را می‌توان به دو شکل معنا کرد: ۱- غزال و آهو ۲- بیماری (یعنی بیماری و خماری چشم تو، شیران را هم اسیر خود می‌کند). «آهوچشم» تشبیه درون‌واژه ای دارد. «شیرگیر بودن» کنایه از قدرت بسیار است. «آهو» ی سوم، استعاره از چشمان یار است.

۱۱. **گزینه ۱:** با ایهام واژه ضحاک شاگردان و خوانندگان من همگی آشنا بودند. «ضحاک» به معنی «آزیدهاک» در ترکیب «لب ضحاک» اضافه تشبیهی پدید می‌آورد. (لبان تو به که به خونخواری آژیدهاک است.) «مار سر زلف» نیز اضافه تشبیهی است. تلمیح بیت آشکار است. طراح محترم «ملک هم» را مجاز از همه دنیا یا مردم ایران گرفته است.

۱۲. **الف:** با آمدن «نیست» در آغاز جمله اول و «را» ی جانشین کسره در جمله دوم به سادگی آشکار می‌شود که هر دو جمله به شیوه بلاغی است.

**ب:** دو جمله مصراع نخست به شیوه عادی است و جمله مصراع دوم به شیوه بلاغی

**ج:** جانا، هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم [باد] ← شیوه عادی // دو جمله مصراع دوم به شیوه بلاغی آمده‌اند.

نهاد متمم متمم متمم

**د:** ای تو با جمله و تنها (فقط) از منی ← شیوه عادی

**ه:** فی الجمله [تو] نور چشم من هستی و [تو] جان دل تنهایی ← شیوه عادی

قید

**و:** سیاوش سیه را به تندی بتاخت ← شیوه عادی

نهاد مفعول قید

[او] نشد تنگ‌دل ← شیوه بلاغی // [او] جنگ آتش بساخت ← شیوه عادی

مفعول

فعل مستند



۱۳. دانستن «به» در مقام سوگند، نکته پاسخ‌گویی به این پرسش آشنا برای شماست:  
به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست [سوگند می‌خورم] که مونس دم صبحم دعای دولت تو است.  
حذف به قرینه معنایی  
فعل گذرا به مسند
۱۴. دیرینه: دیر + ینه ← صفت نسبی  
دریدنی: دریدن + ی ← صفت لیاقت (البته می‌توان «ی» را نکره نیز دانست)  
روا: رو + ا ← صفت فاعلی (این نکته‌ها برای هم مانند خوانندگان این کتاب آشنا نبود!)  
آلوده: آلود + ه ← صفت مفعولی
۱۵. و «الهی» صفت نسبی است اما شاهی (پادشاهی) اسم است ← گزینه دوم غلط است. «نامه» و «رقعه» مترادف هستند. آینه - آینه (آینه) دو تلفظی است ← گزینه نخست درست است. آشکار نیست چرا در پاسخ‌نامه اولیه سازمان سنجش گزینه نخست انتخاب شده است.
۱۶. با توجه به گزینه‌ها، تنها گزینه نسبتاً درست، گزینه سوم است؛ البته برای انتخاب آن باید مصراع دوم بیت نخست را به شیوه‌ای نامعلوم خواند و میان «درد» و «این جهان» درنگ کرد تا «را» بدل از کسره از آب در بیاید. گمان مبر که مراد درد، این جهان باشد = گمان مبر درد من این جهان باشد ← من در «مرا» مضاف‌الیه است. نکته زیبای این تست تفاوت میان گزینه ۳ و ۴ است که تشخیص گزینه درست کاملاً به درک ادبی وابسته است: «دریغ آن باشد» یا «آن دریغ باشد»؟  
خُب، شاعر می‌خواهد درباره «دریغ» توضیح بدهد یا «آن»؟  
بله، درباره دریغ ← «دریغ» نهاد جمله است.
۱۷. در بیت گزینه چهار، حتی محرمان و خاصان درگاه هم به حریم عشق راه ندارند!
۱۸. بیت گزینه ۲ را بارها در طول سال خوانده و معنا کرده بودم و تأکید بسیار بر آرایه‌ها و مفهومش داشتم و این هم جایزه اهل دریافت بودن!
- مفهوم بیت گزینه دوم: برای رسیدن به حریم یار، تحمل سختی‌های بسیار لازم است.
۱۹. ناپایداری قدرت دنیایی و سرنگون شدن قدرتمندان، مفهوم آشنا و مشترک دو بیت است. («گردن» را می‌توانیم مجاز یا کنایه از پهلوان و زورمند بدانیم.)
۲۰. دقیقاً همان بیت‌ها و همان مفاهیم و نکته‌های آشنا برای شما!
- بر پای سعی زنجیر آهنین گذاشتن به این امید که رزق و روزی خود عاشق و جویای ماست و نیازی به تلاش برای یافتنش نیست در تقابل است با مفهوم بیت آشنای صورت سؤال.
۲۱. مفهوم مشترک دیگر بیت‌ها: تقابل عقل و عشق
۲۲. مفهوم مشترک دیگر بیت‌ها: بر جا ماندن نام و یاد نیکو.
۲۳. عشق فاصله‌ها را از میان می‌برد!
۲۴. روزگار ارزش گوه‌های قیمتی خود را می‌داند، هم‌چنان که آتش سیاوش را در امان داشت و نسوزاند.
۲۵. تنها بیتی که به رابطه میان انسان و خدا (آن بزرگ) اشاره دارد، بیت گزینه چهارم است که درباره نشان یافتن از دوست (خداوند) سخن می‌گوید.



## رشته انسانی

۱. شوخ: آلودگی، چرک (درس ۸ فارسی دهم) / نمط: روش، طریقه (درس ۱ فارسی دهم) / شوریده: کسی که ظاهری آشفته دارد، عاشق و عارف (درس ۸ فارسی دهم) / غنا: توانگری، بی‌نیازی (درس ۱۰ فارسی دهم) دقت کنید که در این سوال معناها در صورت سؤال داده شده بود و شما باید خود واژه‌ها را از واژه‌نامه کتاب درسی به یاد می‌آوردید.
۲. دوال: چرم و پوست (درس ۱ فارسی یازدهم) / رفعت: رقع، نامه کوتاه، یادداشت (درس ۱ فارسی یازدهم) / درایت: آگاهی، دانش، بینش (درس ۵ فارسی یازدهم) / التهاب: شعله‌ور شدن و برافروختن؛ مجاز از ناآرامی، بی‌قراری، اضطراب (درس ۵ فارسی یازدهم) / باره: اسب، دیوار قلعه، حصار (درس ۱۲ و ۱۳ فارسی یازدهم) / اذن: اجازه، رخصت (درس ۵ فارسی یازدهم) در گزینه نخست «دوال»، «درایت» و «باره»، در گزینه دوم «باره»، «التهاب»، «اذن»، در گزینه سوم همه واژگان و در گزینه چهارم «رفعت» و «درایت» درست معنا شده است.
۳. معنای درست واژه‌هایی که غلط معنا شده‌اند. استقرار: برپایی، مستقر شدن (درس ۳ فارسی دوازدهم) / رواق: بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم (درس ۸ فارسی دوازدهم) / شبیح: آنچه به صورت سیاهی به نظر می‌آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی (درس ۱۰ فارسی دوازدهم) / طیلسان: نوعی ردا / خشاب: جعبه فلزی مخزن گلوله که به اسلحه وصل می‌شود و گلوله‌ها پی‌درپی از آن وارد لوله سلاح می‌شود (درس ۱۱ فارسی دوازدهم)
۴. در گزینه نخست، برخاستی (بلند می‌شد) صحیح است. / در گزینه سوم: ملازم (همراه، هم‌نشین) صحیح است / در گزینه چهارم، غالب شدن (چیره شدن) صحیح است.
۵. ما اصلاً در زبان فارسی خواییدن نداریم و خاییدن (جویدن، چیزی را با دندان نرم کردن) صحیح است.
۶. صورت درست واژه‌های غلط: تقریر (بیان کردن)، خار (تیغ گل)
۷. این‌گونه تست‌ها، اصلاً استاندارد نیستند و هیچ هدف آموزشی را دنبال نمی‌کنند.
۸. گزینه ۱: ۱- نپرستم ۲- تیغ جفا
- گزینه ۲: ۱- چمن (گلستان) حسن ۲- چمن (گلستان) لطافت ۳- گلستان وصال
- گزینه ۳: ۱- زلف لیلی صفت (زلف که مانند زلف لیلی است) ۲- تشبیه زلف به دام ۳- دانه خال
- گزینه ۴: ۱- سواد زلف ۲- زلف شب‌رنگ ۳- شاعر خود را به شمع مانند کرده (در پایان بیت «سودا» اشتباهاً در دفترچه کنکور، «سواد» تایپ شده است.)
۹. گزینه ۱: چمن، مجاز از باغ و گلستان است. «دل مرغان چمن بسوزد»، تشخیص و استعاره مکنیه است. «ثمر» استعاره مصرحه از توانایی و زیبایی دوران جوانی است.
- گزینه ۲: جناس میان «در - بر» برقرار است. «در تاب بودن» و «کوتاه‌دستی» هر دو کنایه است.
- گزینه ۳: مصراع نخست متناقض‌نما است. نسبت دادن دون‌پروری به گردون (آسمان) تشخیص و استعاره مکنیه است.
- گزینه ۴: حسن تعلیل بیت آشکار است؛ اما «مهر» را نمی‌توان عشق در نظر گرفت زیرا نه عشق شعاع دارد نه جسم و این فقط خورشید است که شعاع و پرتو از آن تابان است، پس بیت ایهام ندارد.





۱۰. الف: «کمین» در معنای «کم‌ترین» آمده اما در کنار «کماندار»، «شیر» و «نخبیر» معنای رایج آن نیز به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب
- ب: «مردم» هم در معنای مردمک چشم پذیرفتنی است، هم خلایق ← ایهام
- ج: تابش مهر منیر، فقط یک معنی دارد: تابش خورشید نورانی
- د: «مهر» در معنای عشق آمده است اما در کنار «مهوشان» معنای خورشید نیز از آن به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب
- ه: ایهام تناسب «چنگ» آشکار است.
۱۱. بیت «ه» اسلوب معادله ندارد، بلکه دو حسن تعلیل در مصراع‌ها آفریده شده است ← گزینه ۲ رد می‌شود. اسلوب معادله در بیت «ج» کمی ایراد دارد زیرا مصراع دوم وابسته دستوری مصراع نخست است. اسلوب معادله بیت الف، کامل و بدون ایراد است ← روی گزینه ۱، تمرکز می‌کنیم ← در بیت «د» برای جهش دانه‌های سپند (اسفند) که روی آتش می‌ریزیم، علت شاعرانه آمده است و حسن تعلیل پذیرفتنی است ← نسبت دادن «آغوش» به گل، تشخیص و استعاره مکنیه است ← رنگین‌لباسی، نشانه توجه به ظواهر و اشرافی‌گری است، پس کنایه در کار است ← «روی گندم‌گون» تشبیه درون‌واژه‌ای دارد ← گزینه ۱، درست است.
۱۲. گزینه ۱: بتخانه و مقصود معطوف هستند.
- گزینه ۲: «نیاز» و «عتاب» نقش تکرار دارند (بیت برای شما آشنا بود!)
- گزینه ۳: نه نقش تبعی در کار است نه ممیز (لحظه) هسته گروه است.
- گزینه ۴: «دوا» نقش تکرار دارد و «رشته» ممیز است.
۱۳. تن‌آسانی: تن‌آسان + ی // ویرانی: ویران + ی // قربانی: قربان + ی // ظلمانی: ظلم + انی
۱۴. در دفترچه کنکور زیر هیچ واژه‌ای از گزینه‌های ۱ و ۲ خطی کشیده نشده بود.
- نخوانم = ننام ← «سرو» و «مه» مسند است. // «ت» مفعول است.
- کنند = گردانند ← «زندانی» مسند است // «ات» مفعول است.
- در گزینه چهارم، «ت» مضاف‌الیه است.
۱۵. دانسته: دانست + ه ← صفت مفعولی
- چاره‌ساز: چاره + ساز (بن مضارع) [+ ے نده] ← صفت فاعلی (مرکبِ مرکب)
- مردانه: مرد + انه ← صفت نسبی
- دیدنی: دیدن + ی ← صفت لیاقت
- (بی‌گناه دانش‌آموزانی که به سخن معلم‌نمایان و هرزآموزان اعتماد کردند و مبحث ساختمان واژه‌ها را از منابع مطالعاتی خود حذف کردند!)
۱۶. در متن هیچ فعلی در معنای «پنداشتن»، «نامیدن» یا «گرداندن» نیامده است؛ پس جمله‌ای با الگوی (نهاد + مفعول + مسند + فعل) نمی‌تواند وجود داشته باشد.
۱۷. تست برای خوانندگان کتابهای من کاملاً آشنا بود. بیت نخست بیان داستان است اما در سه بیت دیگر نموده‌ای از فرهنگ و آیین ایران باستان به چشم می‌خورد و سه جنبه ملی دارند.
۱۸. هر سه بیت بر مفهوم «اصالت ذات» تأکید دارند.



۱۹. در بیت‌های ۱، ۲ و ۳ غم، زادهٔ عشق است و دوست‌داشتنی، اما در گزینهٔ ۴، غم جانکاه است و تباهی‌آفرین.
۲۰. تنها بیتی که مانند بیت صورت پرشش، بر تلاش و کوشش انسان تأکید دارد، بیت گزینهٔ نخست است.
۲۱. برای شما خوانندگان این کتاب بسیار ساده و آشنا بود!
۲۲. باز هم برای شما اهالی یافتن و دریافتن بسیار ساده و آشنا بود!
۲۳. در هر دو بیت، حضور «شنوندهٔ مشتاق» لازم است تا گوینده سخنان دلنشین و پر شور بر زبان آورد. (رگِ ابر: باریکه‌ای سیاه از ابر باران‌زا در آسمان صاف، که می‌بارد و می‌رود، همچون رگی در میان پوست بدن که بریده می‌شود.)
۲۴. مفهوم مشترک بیت‌ها «توصیف‌ناپذیری خداوند» است؛ اما در بیت گزینهٔ ۴، مردم عادی در حال توصیف خداوند تصویر شده‌اند.
۲۵. هر دو بیت گزینه‌های ۱ و ۲ به سخن نگفتن عارفِ آگاه اشاره دارند، اما مفهوم «در نهایت رنج دم بر نیاوردن» فقط در بیت گزینهٔ ۲ و بیت صورت سؤال مشترک است.

### ■ رشته هنر

۱. بی‌شائبه: بدون آلودگی و با خلوص و صداقت، پاک، خالص (درس ۹ فارسی یازدهم) / تلبیس: حقیقت را پنهان کردن، حيله و مکر به کار بردن، نیرنگ‌سازی (درس ۸ فارسی یازدهم) / متأللی: درخشان، تابان (درس ۷ فارسی یازدهم) / جمله: همه، سراسر (درس ۶ فارسی یازدهم) / بالبداهه: ارتجالاً، بدون اندیشهٔ قلبی (درس ۹ فارسی یازدهم) / زُفت: زُفتن، زدودن (درس ۱۰ فارسی یازدهم) / آوری: بی‌گمان، بی‌تردید، به‌طور قطع (درس ۱۲ فارسی یازدهم)
۲. در گزینهٔ نخست، شخیص (بزرگ و ارجمند) (درس ۱۶ فارسی دوازدهم) و تالُلو (درخشش)؛ در گزینهٔ دوم، جمع بودن معنای خفیه (درس ۱۶ فارسی دوازدهم) و در گزینهٔ سوم تموز (ماه دهم از سال رومیان) (درس ۹ فارسی دوازدهم) غلط است.
۳. مجادله: جدال و ستیزه (درس ۱۵ فارسی یازدهم) / مستغنی: بی‌نیاز (درس ۲ فارسی دهم) / مشیت: اراده، خواست خدای تعالی (درس ۱۰ فارسی دهم) / مشوش: آشفته و پریشان (درس ۹ فارسی دهم) / تخلص: رهایی (درس ۱۵ فارسی یازدهم)
۴. اعزاز (تباه کردن) ربطی به اعراض ندارد پس می‌فهمیم که اعراض (روی برگرداندن) صحیح است (البته اعزاز و معنایش ربطی به کتاب درسی و دانسته‌های شما ندارد)
۵. صورت درست تنها غلط این عبارات غرس (نشاندن درخت در زمین) است.
۶. حتماً می‌دانید که غریو (فریاد و بانگ) بلند می‌شود. پس برخاستن صحیح است.
۷. این گونه تست‌ها اصلاً استاندارد نیست و هیچ هدف آموزشی را دنبال نمی‌کنند. (سرایندهٔ بیت الف، مولانا و سرایندهٔ بیت ب، عارف قزوینی است)



۸. در گزینه ۱: اغراق یافت نمی‌شود. در گزینه ۲، شب و روز تضاد دارند؛ در درخشش چهره یار اغراق شده است؛ فضای شبستان به روز مانند شده است. در گزینه ۳، اغراق و تشبیه دیده نمی‌شود. در گزینه ۴، تضاد و اغراق پدید نیامده است.

پرسش: «چون» در بیت گزینه دوم، به چه معنایی آمده است؟<sup>۱</sup>

۹. «بگرفت ماه از او»: ۱- ماه (چهره یار) را آن خط (موهای نوزسته و ظریف) پوشاند ۲- ماه از باریدن عذار یار، گرفت (زیرا چهره یار از آن زیباتر بود و دیگر جایی برای خودنمایی ماه نبود!) با معنای ۱، استعاره مطرح می‌شود و با معنای ۲، حسن تعلیل. شبیه خط چهره یار به حلقه نیز آشکار است.

۱۰. گزینه ۱: عیب - عیش: جناس ناهمسان // «مدام»، ایهام آشنایی دارد.

گزینه ۲: حسن تعلیل آشکار است اما مجازی در کار نیست.

گزینه ۳: «ماه» استعاره از چهره یار است. «طاق» در مصراع دوم استعاره از ابروی یار است. («مردم»، ایهام زیبایی دارد).

گزینه ۴: «سر» مجاز از قصد است (بارها گفته بودم که «سرِ کاری داشتن» کنایه نیست بلکه مجاز است!) «بهرنگ» ادات تشبیه است.

۱۱. گزینه ۱: ۱- ماه استعاره از یار است. ۲- «شب» استعاره از گیسوی سپاه است. ۳- «آفتاب» استعاره از صورت درخشان یار است. (شب یا همان گیسوی یار به سایه‌بان مانند شده است.) ۴- «سرو» استعاره از یار است. ۵- «ریحان» استعاره از موهای یار است. ۶- «گل» استعاره از چهره یار است («ریحان» یا همان موهای یار به «نقاب» مانند شده است.

گزینه ۲: ۱- «رشته» استعاره از گیسوی بافته یار است. ۲- «قمر» استعاره از چهره تابان است. («رشته» یا همان گیسوی بافته به مار مانند شده است.) ۳- «نقطه» استعاره از خال است. ۴- «شکر» استعاره از لب یا دهان یار است (نقطه یا همان خال به مهره مار مانند شده است.)

گزینه ۳: پسته استعاره از دهان کوچک یار است و مشک استعاره از موهای مشکمی او. می‌توان گفت که حدیث و واژه‌های درخشانی که از دهان یار بیرون می‌تراود به لؤلؤ مانند شده و چهره او به لاله (یا این که لاله و لؤلؤ را می‌شود استعاره نیز گرفت.)

گزینه ۴: این بیت، ۴ استعاره و ۲ تشبیه دارد (پیدا کردنش دیگر با خودتان)

۱۲. باید نخست بیت‌ها را مرتب کنیم:

الف: هر روز از گریبانش ماهی سر بر نکرد.  
نهاد

ب: تو خود سپاهی را با چشم و ابرو بر هم می‌زنی.  
مفعول

ج: از حال زبردستان گاه‌گاهی می‌پرس  
قید

د: «دادخواهی» پس از کسر آمده و مضاف‌الیه است.

۱. با توجه به معنای کلی بیت و منطق میان دو مصراع، آشکار می‌شود که مصراع نخست باید پرسش منفی باشد ← چون: چگونه (معنای بیت: وصال تو در تاریکی شب هرگز برای کسی ممکن نمی‌شود زیرا روی تو شب را به روز مبدل می‌کند!)



۱۳. **گزینه ۱:** جهش ضمیر رخ داده و جای «ت» پس از «فتراک» است.
- گزینه ۲:** جهش ضمیر رخ داده و جای «ت» پس از «است» می‌باشد؛ همچنین فعلی هم‌معنای «گرداندن، پنداشتن، نامیدن» در بیت دیده نمی‌شود.
- گزینه ۳:** ضمیر پیوسته‌ای در این بیت دیده نمی‌شود. «کرد» در معنا «گرداند» آمده است.
- گزینه ۴:** جهش ضمیر رخ داده و جای «م» پس از «آرزو» است.
۱۴. **مرد + انه ← مردانه (صفت نسبی)**  
 ره (بن مضارع) ← رها (صفت فاعلی)  
 ساخت + ه ← ساخته (صفت مفعولی)  
 دیدن + ی ← دیدنی (صفت لیاقت)
۱۵. **«چندان که» و «گر»** در گزینه‌های سوم و چهارم، وجود جمله‌های مرکب را آشکار می‌کند. پیوند وابسته‌ساز گزینه دوم هر [که] است که از میان دو مصراع حذف شده است.
۱۶. روشن است که حذف فعل در این عبارت رخ نداده است.
۱۷. در بیت گزینه چهارم، شاعر از شدت پیری و فرسودگی دیگر توان صبر و تحمل ندارد.
۱۸. بیت گزینه نخست، جزو بیت‌هایی از دیوان حافظ است که شرح‌دهندگان و حافظ‌پژوهان نیز در معنا کردنش گاهی دچار اشکال شده‌اند و اتفاق نظر کاملی بر معنای آن وجود ندارد؛ بنابراین پاسخ‌گویی به این پرسش فقط از عهده داوطلبانی برمی‌آید که اهل حافظ‌خوانی و حافظ‌پژوهی بوده باشند.
- احتمالاً در این بیت منظور حافظ این بوده است که به من به دیده شک منگر و خرقة‌پوشی مرا حمل بر تزویر و سالوس من مکن؛ این شرایط نابسامان و سخت خواهدگذشت و من دوباره به همان کسوتی درخواهم آمد که بودم.
۱۹. **و (۱۹) و (۲۰)** مفهومی که طراح محترم از بیت صورت سؤال برداشت کرده‌اند، «خودشیفتگی» است (بار محو زیبایی‌های خود است). تو آن چنان محو تماشای زیبایی خود در آینه هستی که اصلاً توجه نداری که دو نفر هم دو طرف آینه هستند و آن را روبه‌روی تو نگه داشته‌اند و امیدوارند که به گوشه چشمی در آن‌ها نظر کنی. در بیت گزینه دوم نیز، اسکندر نمادی از خودشیفتگی است. در بیت گزینه سوم عاشقان در انتظار نگاه معشوق هستند. پس هر دو گزینه به نوعی با بیت صورت سؤال تناسب دارند؛ اما از آن‌جا که اصطلاح «تداعی» بیش‌تر برای تصاویر به کار می‌رود، تصویر بیت دوم به تصویر بیت صورت سؤال نزدیک‌تر است و شاید دلیل انتخاب این گزینه در کلید اولیه سازمان سنجش همین نکته بوده باشد.
۲۰. **(۲۰)** در هر دو بیت، به این مفهوم اشاره شده است که اگر ثروتمند هستی به دیگران کمک مالی برسان و اگر ثروتمند نیستی دست‌کم باری بر دوش دیگران نباش یا از حداقل کمکی که برایت ممکن است دریغ نکن. معنای بیت گزینه سوم: اگر سرو و بید میوه‌ای شیرین و خوشمزه داشته باشی (که ندارند) در زیر این آسمان کبود هم امن و آسایش فراهم می‌شود (که نمی‌شود!).
۲۱. **(۲۱)** معنای بیت الف: دریا با وجود ریختن صد رود جوشان به سینه‌اش، آرامش خود را از دست نمی‌دهد اما جویبار (که ظرفیتش اندک است) با جاری شدن یک سیل در آن؛ غوغا و فریاد برمی‌آورد.
- معنای بیت ج: هم‌چنان که در شوره‌زار آب زلال و گوارا روان نیست، در دنیا هم وفاداری به چشم نمی‌خورد (اسلوب معادله)



۲۲. این مفهوم که خوشی و ناخوشی دنیا در هم آمیخته است در هر دو بیت دیده می شود.
۲۳. مفهوم رایج بیت های دیگر: لزوم داشتن راهنما برای پیمودن مسیر عرفان و کمال (این مفاهیم برای خوانندگان این کتاب آشناست!)
۲۴. مفهوم مشترک سه بیت: فناء فی الله
۲۵. «از بهر» درست است (به معنا توجه کنید!) «جاه» و «مقام» هم معنا هستند. میان «این» و «رفیع تر» باید مکث بیاید، پس «این» صفت نیست: جاهی از این، رفیع تر نیست. ستایش خاکساری در هر دو متن آشکار است.

### رشته زبان

۱. شرف: حرمت و اعتباری که از رعایت کردن ارزش های اخلاقی به وجود می آید، بزرگواری (درس ۱۰ فارسی دوازدهم) / نجابت: اصالت، پاک منشی، بزرگواری (درس سوم فارسی دهم) / اهلیت: شایستگی، لیاقت (درس ۸ فارسی دهم) / داروغه: پاسبان و نگهبان، شب گرد (درس ۲ فارسی دوازدهم) / محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود (درس ۳ فارسی دوازدهم) / کافی: باکفایت، لایق، کارآمد (درس ۲ فارسی یازدهم) / مخنقه: گردن بند (درس ۲ فارسی یازدهم) / عقد: گردن بند (درس ۲ فارسی یازدهم) / مسامحه: آسان گرفتن، ساده انگاری (درس ۱۶ فارسی یازدهم)؛ که معنای کلمات زوج («نجابت»، «داروغه»، «کافی» و «عقد») در گزینه سوم به درستی معنا شده اند.
۲. درفش و پرچم و بیرق و علم همگی هم معنا هستند.
- در گزینه «۴» می بینید که خواندن «رایت» با ضمیر پیوسته در پاسخ دهی به تست چقدر اهمیت دارد.
۳. معنای واژه هایی فرد به ترتیب:
- سامان: در خور، میسر، امکان (درس ۱۷ فارسی دوازدهم) / حمایل: نگه دارنده، محافظ (درس ۱۱ فارسی دوازدهم) / نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی (درس ۹ فارسی دوازدهم) / عفاف: رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی (درس ۱۲ فارسی دوازدهم)
۴. صورت درست غلط های این عبارت: هول (ترس، هراس) / صاحب صدر (صاحب ارزش و اعتبار) / مائده (سفره طعام / خوراکی)
۵. صورت درست غلط ها در بیت الف، روضه (باغ، گلزار)، در بیت ب، ثنا (ستایش، سپاس) و در بیت د، ستر (سفت و سخت) می باشد.
۶. محظور (مانع و مجازاً گرفتاری) صحیح است، نه محضور (حاضر شده).
۷. این گونه تست ها اصلاً استاندارد نیستند و هیچ هدف آموزشی را دنبال نمی کنند.
- (گزینه چهارم، سرورده خنده تو از پابلو نرودا است.)
۸. از این دست: ۱- به این شیوه ۲- با این دست زیبایش
- مدام: ۱- پیوسته ۲- شراب
- طراح محترم به شکل سلیقه های «ساقی» را استعاره پنداشته است.



۹. **گزینه ۱:** جناس میان «در - سر» برقرار است. «دریای خون» تصویر اقرارآمیز آشنایی است.  
**گزینه ۲:** جناس همسان در واژه «جوی» برای شما آشناست. «گف» هم مجاز رایجی از دست است.  
**گزینه ۳:** «طیب بی‌وفا» استعاره، از یار است. «پیش می‌رمت» را دو گونه می‌توان تعبیر کرد: پیش‌مرگت شوم یا در جلوی پای تو قربان شوم ۲- پیش از تو بمیرم.  
**گزینه ۴:** پارادوکس مصراع دوم آشکار است. ایهامی در کار نیست.

۱۰. **گزینه ۱:** دریافت ایهام در واژه شهریار، فقط کار خوانندگان کتاب تناسب مفهومی من بوده، که در آن بیت زیبایی «شهریار» خواندند:

«شهریار غزل خوانده غزالی وحشی / بد نشد با غزلی صید غزالی کردیم»  
 (فصل نخست کتاب تناسب مفهومی، بخش دوم، تمرین‌های تشخیص «منادا».)

### ۱۱. **گزینه ۱:** (ماجرای زنگ و روم و تضادشان، یادتان هست؟!)

۱- غم به سپاه زنگ مانند شده است. ۲- «ملک دل» اضافه تشبیهی است. ۳- شادی به خیل (سپاه) مانند شده است. ۴- رخ یار به روم مانند شده است (وجه شبه چه بود؟ بله، سپیدی).

۱۲. **گزینه ۱:** توجه به آرایه لف و نشر که سال‌هاست بر لزوم آموزش آن به داوطلبان رشته‌های غیر علوم انسانی تأکید دارم - کلید پاسخ‌گویی به این تست بود که البته برای شما خوانندگان کتاب‌های دریافت، تستی تکراری به شمار می‌آید!

این، عیار مهر مرد و [عیار] کین نامرد است. این، گلیم تیره بختی هاست.  
 نهاد م م م م نهاد م

جنس خون داغ سهراب  
 م ص م

۱۳. **گزینه ۱:** من در میان جمع [هستم = قرار دارم] و دلم جای دیگر است (قرار دارد)

**گزینه ۲:** ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا برای چه کسی هست (وجود دارد)

**گزینه ۳:** دردی غیر مردن هست (وجود دارد) که برای آن دوا نباشد (وجود ندارد)

**گزینه ۴:** جمله باز همان جا رویم (غیر اسنادی، ناگذر) که آن، شهر ما است (گذرا به مسند)

۱۴. **گزینه ۱:** دیدنی: صفت لیاقت // توانا: صفت فاعلی // خسته (خست + ه): صفت مفعولی // برین (بر + ین): صفت نسبی (به تمام این واژه‌ها در این کتاب اشاره شده بود!)

۱۵. **گزینه ۱:** «بزی» از مصدر «زیستن» گذرا به مسند نیست و فقط به نهاد نیاز ضروری دارد (فعل ناگذر است) ⇐

«شاد» و «بی‌غم» قید هستند. «آمدن» و «گذشتن» نیز در این بیت ناگذر هستند ⇐ «زود» در هر دو مورد

قید است. «بگذرد» نیز ناگذر است و «بسی» به عنوان قید در جمله وارد شده است. «شود» گذرا به مسند

است ⇐ «بهار» و «خزان» مسند هستند ⇐ «گاهی» در هر دو مورد جزء اجزای اصلی جمله نیست و نقش

نهادی نیز ندارد ⇐ قید است.

۱۶. **گزینه ۱:** «نشین» از مصدر «نشستن»، ناگذر است و فقط نهاد از اجزای اصلی این جمله به شمار می‌آید ⇐ «کم»

که نقش‌نما ندارد، قید است.

پاکی = پاک هستی ⇐ «پاک» مسند است.



آفتابی به این بزرگی را ← «آفتاب» مفعول است (به این بزرگی در کل نقش صفتی دارد).  
ناپدید کند = ناپدید گرداند ← «ناپدید» مسند است.

۱۷. گلستان برای جذب مردمان خودش کافی است و نیازی نیست که دیوارهای بیرونباش را با رنگ و لعاب بیاریند تا مردم رو به سوی گلستان بیاورند؛ کسی که اخلاق و رفتار خوب و مهربانانهای دارد، به زیبایی ظاهری نیازمند نیست.

در بیت گزینه دوم شاعر میگوید که اگر خوبی درون تو در صورتت هم آشکار میشد و هنگامی که در برابر آینه میایستی، آینه توان دیدن خوبیهای معنوی و اخلاقی تو را داشت، عاشقان تو خیلی به آینه حسادت می کردند زیبایی اخلاق و باطن تو بیشتر از زیبایی چهره و صورت تو است بنابراین در بیت گزینه دوم نیز نظر همان مفهوم مطرح شده در بیت صورت سؤال دیده میشود، اما ... (خودتان فکر کنید).  
بله، اما حوزه ادبی بیت صورت سؤال و بیت گزینه چهارم تعلیمی است اما حوزه ادبی بیت گزینه دوم عاشقانه، بنابراین بیت گزینه چهارم پاسخ مناسبتری است.

۱۸. مفهوم مشترک سه بیت: دل نستین به دنیای مادی

معنای بیت الف: زنگیان و سیاهپوستان آفریقایی در نگاه شاعران قدیم ما، تمایلی به دیدن سیاهی خود در آینه نداشتند! بنابراین میانه خوبی هم با آینه نداشتند و دستشان میرسید آن را میشکستند! آسمان بدرفتار و سیاهکار هم دلخوشی از آینه صافی دل آزادگان ندارد، زیرا سیاهی خود را در آن میبیند پس عجیب نیست که مدام دل آزادگان را میشکند! (ناسازگاری روزگار با خردمندان و اهل هنر)  
معنی بیت ب: دل ساده و صاف مانند شیشه (بطری) است و آسمان مانند طاقچه‌های شکسته و سست، نباید شیشه را بر روی چنین طاقی گذاشت!

۱۹. مفهومی آشنا با بیت‌هایی آشنا برای شما اهالی یافتن و دریافتن!

۲۰. مفهوم متن صورت سؤال: در زندگی اهداف معنوی و روحی مهمتر است از خواسته‌های دنیایی

مفهوم بیت نخست: دل عاشق گرفتار دام عشق شده است.

مفهوم بیت دوم: برای رسیدن به مقام فناء فی الله باید با لب خندان پذیرای مرگ بود.

مفهوم بیت سوم: نباید تمام عمر خود را دنیای مادی گذراند و باید به زندگی معنوی و روحانی خود که در بهشت نزد خداوند داشتیم، نیز توجه کرد.

مفهوم بیت چهارم: مرگ برای شاعر ترسناک نیست و به دنیای مادی دل نبسته است.

فقط با کمی تفاوت، گزینه سوم مناسبتر است.

۲۱. مفهوم بیت نخست: اصالت ذات (زنگی: سیاهان زنگبار، سرزمینی در خاور آفریقای)

مفهوم بیت‌های دوم و چهارم: تا خدا به بندهای نظر نداشته باشد و کشش از سوی بالا نباشد، کوشش بنده برای رسیدن به خدا بی حاصل میماند.

۲۲. سعدی میگوید حال که به هیچ شکلی نمیتوانیم سپاس خدا را آنچنان که شایسته اوست به جا آوریم وقت خود

را صرف عذرخواهی از این کوتاهی و ناتوانی نماییم؛ مفهوم بیت گزینه نخست به این سخن تا حدی نزدیک است.

مفهوم بیت گزینه سوم: عهدشکنی و گناهکاری ما در اختیار ما نیست و سرنوشتی است که خدا بر ایمان

رقم زده است.



۲۳. معنای بیت دوم: گروهی دور او جمع شده بودند تا از گفتارش بهره ببرند، زیرا وقتی عالم و دانا نیستی، نباید خود را کمتر از شنوندهای جویا بدانی، پس بشنو و یاد بگیرد.
۲۴. معنای بیت نخست: خاموشی باعث روشنی و شکفتگی روح و روان است.
- معنای بیت دوم: سخن گفتن همچو دیو زیانبار است و سکوت مَهر سلیمان است و مایهٔ شکوه و قدرت.
- معنای بیت سوم: مَهر خاموشی، زیانهای سخن گفتن را درمان میکند.
- معنای بیت چهارم: طوطی تا در آینه خود را نبیند (و نپندارد که طوطی دیگری است) و با او سخن نگوید، شیرین سخن نمیشود (در تحسین سخن است).
۲۵. عین این تست را با هم کار کرده بودیم!

### ■ خارج از کشور

۱. تقریظ: مطلبی ستایش آمیز دربارهٔ کتاب یا نوشته و مانند این‌ها  
پدارم: سرسبز و خرم (صفت است نه اسم)  
شیر اوژن: شیرافکن، کنایه از بسیار دلآور و قدرتمند  
تزار: پادشاهان روسیه در گذشته (قیصرها پادشاهان روم بودند).
۲. این شکل پرسش‌ها بیشتر جنبهٔ روان‌سنجی دارند و هدفشان تشخیص افرادی است که می‌توانند پرسش‌ها و چالش‌های نوظهور را بررسی و تحلیل کنند و به راه حل مناسب برسند.  
واژه‌های فرد در این ردیف از واژگان عبارتند از «التهاب، علّت، خنیده، نوند» که معنی آن‌ها بدون حفظ ترتیب، در گزینهٔ سوم آمده است.
۳. متضاد واژه‌های صورت سؤال، می‌شوند «نهان»، «پایان»، «زندگی» و «دوزخ».
۴. «سخره بیان» شکل درست املائی این ترکیب است.
۵. زنخدان = زنج: چانه
۶. «انواع مشقّت‌ها» شغل و منصب نیست، بنابراین باید «منسوب» به شکل «منسوب» نوشته‌می‌شد. «قربت پادشاهان» و «به صواب لایق‌تر» هم از ترکیب‌هایی رایج املائی هستند.
۷. هیچ توضیح و توجیهی برای این پرسش‌های بی‌ارزش وجود ندارد.
۸. در بیت «الف» فقط مجاز را می‌توان پذیرفت. در بیت «ب» فقط استعاره مکنیه را می‌توان پذیرفت. بیت «ج»، «چمن» مجاز از باغ است و «شمشاد» استعاره از قامت دلربای یار. در بیت «د»، طراح محترم «فردا» را مجاز از قیامت دانسته‌اند؛ تعمیر کردن وجود انسان، استعارهٔ مکنیه است.
۹. بیت ۱: مصراع دوم را می‌توان به دو شکل خواند که اندکی معنایشان متفاوت است: ۱- توراهنمای من هستی ۲- تو به من آن راه را می‌نمایی
- بیت ۲: غم نبود ز مات: ۱- برای تو از ما غمی نیست ۲- از مات شدن و باختن غمی نیست // کجا یابم وفات: ۱- کجا بمیرم ۲- کجا وفای تو را بیابم
- بیت ۳: قرار من و تو: ۱- عهد و قرار من و تو ۲- آرامش من و تو
- بیت ۴: به پروانهٔ کیست: ۱- برای کدام پروانه است؟ ۲- در گرو اجازهٔ چه کسی است؟





۱۰. بیت ۱: «سر» مجاز از ذهن و وجود است. جناس: سر - سر

بیت ۲: «دل» انسان و «صبر» اسب تصور شده است و دو استعارهٔ مکنیه شکل گرفته است. داستان: ۱- دست‌ها (قدرت) ۲- نیرنگ و جادو

بیت ۳: «مهر-مهر» جناس دارند. «مهر» در معنی عشق آمده اما در کنار خورشید، معنای دومش نیز به ذهن می‌آید ← ایهام تناسب (البته می‌توان «مهر» را استعاره از چهرهٔ یار دانست و ایهام را نیز پذیرفت.)

بیت ۴: «مزرع سبز فلک» تشبیه آشنایی است. شاعر در میزان گریستن خود اغراق شدیدی کرده است! (شدت گریستن ایشان در حدی بود که گوشه‌ای از کل کائنات را خیس می‌کرد!)

۱۱. حسن تعلیل، گزینهٔ «۴» را رد می‌کند. تضاد، گزینهٔ «۲» و «۳» را رد می‌کند.

جناس: سر - در // «سر» دوم مجاز از قصد است. // سودا: ۱- عشق ۲- معامله و خرید (اگر قرار باشد در قبال به دست آوردن زلفش، سرت را از دست بدهی) // رفتن سر: کنایه

۱۲. طراح محترم «واوهای همراهی» را در مصراع دوم متن صورت پرسش، با «واو عطف» اشتباه و در نتیجه بیت را تشکیل شده از هفت جمله در نظر گرفته‌اند.

بیت ۱: ۱- همه آنی<sup>۱</sup> ۲- همه حسنی ۳- همه لطفی ۴- همه ناز [ی] ۵- به چنان حسن و لطافت سزدت (برای تو سزاوار است) ۶- گر نازی

بیت ۲: ۱- دلا ۲- گفتم ۳- غم خود خور ۴- که کار از دست شد بیرون ۵- تورا (بر تو، بر عهدهٔ تو) غم خوردن است ۶- ای دل ۷- تو غمخواری (را) چه می‌دانی (نکتهٔ ظریفی بود!)  
بیت ۳: ۸ جمله است.

بیت ۴: ۶ جمله است.

۱۳. بهتر است «هفت‌خوان» را یک واژه و کلاً مضاف‌الیه در نظر بگیریم.

طمعاً دام ۱ و دهان ۱ خوان ۲ هشتم ۳ (خوان: مضاف‌الیه مضاف‌الیه // هشتم: صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ «صفت مضاف‌الیه» دیده نمی‌شود.

در گزینهٔ ۳، «ناورد» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است و «هول» صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه. «هول» در این جا به معنی هولناک آمده و صفت است؛ اما در ترکیبی نظیر «هول جنگ»، اسم است.)

۱۴. بخشیدن: چیزی را، به کسی ← همیشه هم مفعول می‌خواهد هم متمم.

دادن: چیزی را به کسی ← همیشه هم مفعول می‌خواهد هم متمم.

! فعل‌های هم‌راستای **دادن** (بخشیدن، سپردن، پرداختن) علاوه بر مفعول، همیشه متمم می‌خواهند، که این نوع متمم از اجزای اصلی جمله است (متمم اجباری).



۱۵. (می) باید گشود (ن)، (می) باید دید (ن)، می آید: هر سه مضارع اخباری // «آسمان - آسمان»: دوتلفظی // «پنجره» مفعول فعل «باید گشود» است. مفعول فعل «دید» به شکل دو جملهٔ پیرو پس از آن آمده است. (طراح محترم از سر بی دقتی این دو پیرو را بر روی هم یک مفعول به شمار آورده اند. // ترکیب های وصفی:
- ۱- چند سینه سرخ ۲- سینه سرخ مهاجر ۳- شاخسار عریان ۴- کدام سمت ترکیب های اضافی: ۱- سمت آسمان
۱۶. «فرمودن» در معنای «گفتن» آمده و مفعول می خواهد. مفعولش کجاست؟ بله، کل بیت دوم مفعول «فرمودن» است. «چه خوش» گروه قیدی است (مهمان جمله است)؛ در واقع «خوش» قید است و «چه» قید قید. «نباشد» را می توان برابر با «وجود ندارد» دانست، که در این صورت فعل فقط نیازمند «نهاد» است ← نهاد: پند ← «این» و «جهان»: متمم ← خوشتر: قید (مهمان جمله است.) یافتن نقش «خونین دل» و «لب» بسیار ساده است.
۱۷. مفهوم بیت ۲ کاملاً نامربوط است، گرچه مفهوم سه بیت دیگر نیز کاملاً مربوط نیست، اما در کنار بیت دوم، مربوط به شمار می آیند!
- مفهوم بیت دوم: داشتن امکانات یک کار، لزوماً ما را وادار به انجام آن کار نمی کند.
۱۸. «دم به دم یکسان نباشد حال دوران، غم مخور» مفهوم مشترک سه بیت است، اما مفهوم بیت گزینهٔ نخست، بی ارزشی زندگی مادی است.
۱۹. مفهوم بیت ب: در برابر معشوق خود را هیچ انگاشتن (طراح محترم اشتباهاً «دلستان» را «گلستان» نوشته اند.)
۲۰. حتی سراب های بیابان عشق هم، طوفان به پا می کنند و عاشق را به دردمس می اندازند!
۲۱. در این بیت نیز، نگریستن و دل دادن به طبیعت، مایهٔ راز و نیاز و نزدیکی به خداوند شده است.
۲۲. بیت ۱: خندهٔ صبح به خون فلق آغشته می شود، پس خوشی های این دنیا زودگذرند.
- بیت ۲: شبنم از آب و رنگ گل و گلزار چشم می پوشد؛ بخار می شود و تا تخت پرشکوه شاه آسمان، خورشید، اوج می گیرد (دل کندن از دنیا و رسیدن به عالم معنا)
- بیت ۳: گدایان و نیازمندان را از خود راندن، مانع رسیدن انسان به جایگاهی در خور نزد خداوند و در بهشت جاودان است. (دستگیری از بی نوایان)
- بیت ۴: عشق درمان پذیر نیست. (رهایی ناپذیری عشق)
۲۳. هر دو بیت می گویند که دنیای درون (اخلاق و روحیات ما) دنیای بیرون ما را می سازند.
۲۴. فقط کافی بود توجه کنیم که طراح، معنای «متضاد» را می خواهد.
۲۵. این دیگر برای شما خیلی آشنا بود!